۷ ۸

وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی فارسی وترکی
آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه

بئشینجی ایل‌صایی ۷ و ۸ (آردیجیل صایی ۵۳ و ۵۴)
سال پنجم شماره ۷و۸(شماره مسلسل ۵۳ و ۵۴)

مهر و آبان ۱۳۶۲
(شماره امتیاز ۷۵۳۸)

این مجله بهیچ حزب وگروهی بستگی ندارد

VARLIQ

Monthly
PERSIAN AND TURKISH JOURNAL
5t Year No. 7,8 (Serial No. 53,54
OCT, NOV 1983

Addres :Veli—ASR Ave. Bidi Str. No. 17
Tehran, Iran

قیمت ۱۵۰ ریال

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ایچینده کیلر

(فهرست)

۱ــ یادداشتهائی دربارهٔ نحو ترکی: دکتر حمید نطقی. ۳

۲ــ آذربایجان ادبیات تاریخنه بیر باخیش (۳۳): دوقتور جواد هیئت. ۱۳

۳ــ تصوف و ادبیات (۱۵): پرفسور غلامحسین بیگدلی. ۲۸

٤ــ حضرت محمد (ص) ین اؤگودلری: ج. هیئت. ۳٦

٥ــ آنا دیلیمیز و ملی وارلیغیمیزا و غروندا خاطره‌لر (٤). م. ع. فرزانه. ۳۷

٦ــ اسکلی تورك شعرینده وزن، شکل و قافیه: دوقتور جواد هیئت. ٤۹

۷ــ آذربایجان شعر و ادبیاتیله تانیش اولاق (۳): ت. پیرهاشمی. ٥۷

۸ــ کهله‌یه سلام: پرفسور غ. بیگدلی. ٦۲

۹ــ دنیانی نئیلیرم: حامد. ٦۷

۱۰ــ اوغول دئمه‌لی: سونمز. ٦۸

۱۱ــ باهار بایرامی منظومه‌سیندن بیر پارچا: ح. م. ساوالان ٦۹

۱۲ــ اورمیه‌لی شاعریمیز (آدسیز) دان ۷۱

۱۳ــ حصیر شاپقالی قیز: اولکر. ۷۲

۱٤ــ بیرینجی درس: منظوری خامنه‌ای. ۷۳

۱٥ــ محله‌میزه گلن مکتوبلار: ۷۷

۱٦ــ ترکمن شعر و آتالار سوزلریندن نمونه‌لر: غفاربردی ۷۹

۱۷ــ مداح: علی کمالی. ۸۰

۱۸ــ مشهدی محمدصادق‌خان چرندابی: صمد سرداری‌نیا. ۹۲

بسم الله الرحمن الرحیم

وارلیق

آیلیق اوزکجه و فارسجا فرهنگی نشریه
مجلهٔ ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی

بئشینجی ایل ـ مهر و آبان ۱۳۶۲

دوکتور حمید نطقی

یادداشتهائی
دربارهٔ نحو ترکی

آنهائی که قلم بدست گرفته اند ومی خواهند مقاله‌ای، داستانی، حتی نامه‌ای به ترکی بنویسند معنی عمیق و نهفته در سخن " فارسی شکراست ترکی هنر است " را بخوبی در می یابند. بقول خواجه حافظ بحث دربارهٔ " قند پارسی " را برای بعد می گذاریم، و نقدا در پاسخ پرسشهای پیاپی، که دربارهٔ هنر ترکی نوشتن می شود گفتارهای پیشین را دنبال می کنیم. درمورد املاء و قواعد آن سابق براین آنچه کافی بنظر می رسید گفته شد. لکن از سئوالاتی که مطرح است پیداست که دربارهٔ "نحو" ترکی نیاز به توضیح وتکرار مجدد رفع نگردیده است. بنابراین با تقدیم یادداشتهای کوتاهی دراین باب امیدواریم که بخشی از پرسشها را پاسخ گفته باشیم. اینک چند نکته‌ای از " نحو " ترکی

***

در زبان ترکی معمولا مبتدا در ابتدای جمله وخبر در انتهای آن قرار دارد. مثلا: محمد هر ایل کلاسینی گئچیر. اوچ یولداش دونیا سیاحتینه چیخدیلار. داداشیم درسه دوام ائلیر (درس را ادامه می دهد). بیز دونن گزمه‌گه گئتدیک. دراین جملات " گئچیر "، " چیخدیلار "، "دوام ائلیر "، " گئتدیک " هرکدام خبر جملهٔ ذی ربط است. " محمد "، " اوچ یولداش "، " داداشیم " مبتدا است.

قبل از ذکر نکات دیگر ناگزیریم که به‌عنوان توضیح دربارهٔ حالات اسم اندکی به‌حاشیه برویم. بطوریکه می دانید درترکی اسم برحسب

حالتی که دارد پسوندخاصی را می پذیرد. دراین زبان هراسمی را ما جز درحال ساده و بی پیرایه دریکی از حالات زیر می بینیم:

۱ـ حالت " ـ ای" باپسوند "ای" و اشکال متنوع آن یعنی (ایٔ ،اوُ، اوٚ) که معنی مفعول صریح را می دهد. اشکال مختلف این پسوند برطبق قانون همآهنگی مصوتات در ترکی به صورت ساده‌ٔ کلمات (اسمها)افزوده می شود : " داغ " (کوه)، "قوش" (مرغ)،"اوٚزوم" (انگور)، " ایپ" (طناب) . این پسوندها اسم را به فعل ربط می دهدوآنرا مشخص می سازد : " داغی آشماق " ، " قوشو توتماق " ، ". اوٚزومو یئمک "، "ایپی دوٚگونله مک " یعنی از کوه معلومی بالا رفتن ،مرغ مشخص را گرفتن ،انگور مورد بحثی را خوردن، طناب معینی را گره زدن .

اگر می گفتند " داغ آشماق " یعنی از کوه بالا رفتن و کوه نوردی (به صورت نکره ونا مشخص).

این پسوند در مورد نام اوقات نیز آورده می شود: "ساعت اوچو اون دقیقه گئچیر" ـ یعنی ده دقیقه بعداز سه است .

۲ ـ حالت " ـ ه ـ " باپسوند (اه) که فتحه تلفظ می شود وبا شکل دیگر آن (آ) معنی به ، بسوی و امثال آنرا می دهد:

داغا (به طرف کوه) ، قوشا (به طرف مرغ)، اوٚزومه (به انگور) ایپه (به طناب). در اسامی اوقات هم بکار می رود: ساعت دوققوزا اون دقیقه قالاندا (ده دقیقه به ساعت نه مانده).

بعداز این پسوند می توان ادات نیز آورد: قوش داغا ساری اوچدو. (مرغ به سوی کوه پرید)، سحره قده‌ر اوتوردو (تا صبح نشست).

۳ ـ حالت " ـ ده " باپسوند (ده) و شکل دیگر آن (دا)،به معنی در، اندر، بر .

داغدا (درکوه)، قوشدا (در مرغ)، اوزومده (درانگور)،ایپده (درطناب). پسوندهای : "دیر" ، " ایمیش "، " ـ ایدی "،" ایکن" و غیره (مشتق از مصدری قدیمی وفرموش شده : ایمک به معنی(استن/بودن) که بیان کننده‌ٔ وضع و بودن است به "ده" ویا "دا" افزوده می شود و صرف می شود: بو کئجه ائوده یم (امشب درخانه هستم)، احمد مکتبده ـ دیر (احمد درمدرسه است)،این پسوند برای بیان کسرها هم بکارمی‌رود: یوزده بئش (پنج درصد) ، مین ده بیر احتمال (احتمال یک در هزار) .

۴ ـ حالت " ـ دن " با پسوند (دن)و شکل دیگر آن (دان)،به معنی: از . مثال داغدان (ازکوه)، قوشدان (از مرغ)،اوزومدن(ازانگور) ایپدن (از طناب). در مورد لزوم پسوندهای مصدر فراموش شده "ایمک براین پسوند افزوده می شود :

" کور اوغلو داستانی خلقین چوخ سئودیگی داستانلاردانديير" (کوراوغلو از حماسه‌های است‌که مردم بسیار دوستش دارند).این حالت‌را باحالت " ـ ه" دریک جمله می توان دید : تبریزدن تهرانا (ازتبریزبه‌تهران)

دربرخی کتابهای دستور درکنار این حالات‌از دوحالت‌اضافه (با پسوند "ـ این ") و حالت‌برابری (با پسوند"ـ حه") نیز بحث می‌شود. که دراین حاشیه مجال بحث‌آنها نیست.

در هر صورت‌بعدازاین توضیحات‌باید بگوئیم که‌در ترکی مبتدا را در هیچکدام از حالات‌فوق الذکر نمی آورند.لکن طبیعی است‌که مبتدا پسوندهای جمع و ملکیت‌را می پذیرد: شوفئور اوتوموبیلینی‌سورور(را ـ ننده ماشینش‌را می راند)، شوفورروموز اوتوموبیلی تعمیره آپاردی (رانندهٔ ما ماشین را برای تعمیر برد) .

برای اینکه‌مبتدا را بشناسیم،باید ببینیم که جواب‌سئوالات "کیم؟ و " که؟ "و "نه؟" (چه؟) را درکجای جمله می توان یافت ."معلم درس وئریر" (معلم درس می دهد). می پرسیم " کیم درس وئریر". (که‌درس می دهد). " تره‌ن بیرده‌ن حرکت‌ائتدی " می پرسیم" نه بیردن حرکت ائتدی ؟" (قطار ناگهان حرکت‌کرد؟)." بیزیم ائوین قاباغیندا بیر آغاج وار" (جلوی‌خانهٔ ما درختی هست) می پرسیم: " نه‌وار؟" (چه‌هست؟) ضمائر،صفات‌فعلی و ترکیبات‌اسامی وصفات‌می توانند مبتداشوند. من شوخلوغو سئومه‌رم (من شوخی را دوست‌ندارم)، اونلار داغین ذروه‌سینه چیخمیشلار(آنها به‌قلهٔ کوه رفته‌اند)، بعضی سی یوخودا دانیشار(بعضی از آنها درخواب‌حرف می زند)،هانسی سی چوخ چالیشیر؟(کدام یکی زیاد کارمی کند)،چوبانین قویونلاری ایتدی (گوسفندان چوبان گم شد)، اوتو ـ موبیلین پلاکی دوشوب (پلاک ماشین افتاده‌است)، مناره‌نی چالان قویوسو ـ نی د، فازمالی دیر (هرکه مناره‌را بدزدد چاهش‌راهم باید بکند).

درهرجمله مبتدا و فعل از نظر مفرد و جمع بودن باهم‌مطابقت‌دارند

من جواب وئره‌جه‌گیم (من جواب‌خواهم داد)

سن جواب وئره‌جکسن (تو جواب‌خواهی داد).

او جواب وئره‌جک (او جواب‌خواهد داد)
بیز جواب وئره‌جه‌گیک (ما جواب‌خواهیم داد).
سیز جواب وئره‌جکسیز (سینیز) (شما جواب‌خواهید داد).
اولار (اونلار) جواب وئره‌جکلر (آنها ،ایشان جواب‌خواهندداد).

درمقام احترام و محبت بجای شخص دوم مفرد ،شخص دوم جمع بکار می برند. " سن هارالی سان ؟" (تو کجائی هستی ؟) تبدیل می شود به " سیز هارالی سیز" (هارالی سینیز) ـ شما کجائی هستید؟ ـ برای همین مقصد به‌افعال شخص‌سوم نیز " ـ لر" افزوده می شود :
" رئیس‌ساعت ۱۴ ده سیزینله گؤروشه‌جکلر"..

دربرخی از جملات برعکس امثال فوق مبتدا جمع و فعل خبرمفرداست (درموردی که مبتدا جسم بی جان ،اعضا ،حیوانات و نباتات است).
گؤزلری آغریر. دیرناقلارینیز چوخ اوزانمیش .بارماقلاریم‌اینجیدی. اوزاقدان سسلر گلدی .سؤگود بوداقلاری یئره قدر اگیلیب.

درمواردی که فعل خبر مجهول باشد مبتدا موجود نیست :
باغین اورتاسینا بؤیوک بیر قویو قازیلدی.آخورداکی آتلار دونن گئجه قاچیردیلیب .یئمکلر حاضرلنمیش.

در برخی موارد مبتدا حذف می شودو به‌قرینه معلوم می گردد :
" ایندی مکتبلرده درس وئریرلر ".

در یک جمله بدیهی است‌که درکنار عناصر اصلی، یعنی مبتدا وخبر عناصر غیر اساسی از قبیل مفعول و متمم نیز می تواند باشد :
" حسین قاپی نی آچدی" . " آتام قابلاری گتبردی " .

دراین مثالها " مفعول " درکنار عناصر اصلی جای گرفته‌است‌جنان‌که اشاره شد مفعول اگر مشخص و معین باشد،پسوند حالت" ـ ای "را می گیرد،درمثالهای فوق در " قاپی نی " و " قابلاری "جبس شده است.

اگر مفعول معین نباشد پسوند نمی گیرد :
" بقالدان دوگو آلدیم " از بقال برنج خریدم .لکن بقالدان دوگونو آلدیم" یعنی برنج معلوم و مورد نظررا ازبقال خریدم.

فعل اگر متعدی باشد جمله حتما دارای مفعول است :
" پیشیک سود ایچیر "، " قارداشیم مسئله حل ائلیر"،" اصلان کتاب اوخور ".

دربعضی اوقات مفعول افعال متعدی مشتق از خود آن افعال است :

اوو اوولادی ، یئمک یئدی ، یازی یازدی ، تیکیش تیکدی ،هؤرگو هؤردی ، دوگمه دوگمه‌له‌دی ، جیزیق جیزدی ، ایچگی ایچدی،چالـــــقی چالدی ، اوت اوتلادی ....

متممها نیز معنی خبررا بنحوی از انحاء کامل می کنند :

"اونو ائوینده گؤردوم "،" بو آلمالاری سیزین اوچون آلدیـــم "

"سیز فقیرلره یاردیم ائدیرسیزمی ؟"،" سن بابام ایله گل " .

پسوندهای حالات " آ ـ ده ـ دان ـ این " موجب به‌وجودآمدن دسته‌ای دیگر از متممها می شوند :

" پولومو بانکا قویورام "،" سویوق هاوا طبقه‌سی مشرقدن گلیـــر"،

" هر انگ سوموگونده اون آلتی دیش وار"،" محسن پولا چوخ اهمیت وئریر"

در برخی از دستورها کلماتی راکه دریک جمله یا ادات مانند"ایله" "اوچون " و " کیمی " بصورت‌عبارتی در می آیدومعنی جمله‌را کامـــل می کند " متمم ادات" نام داده‌اند :

" چؤره‌گی بیچاق ایله کسه‌ریک "،" قارداشیم آری کیمی چالیشیر"

" الینده‌کی عصا ایله ووردو"،" سیزی گؤرمک اوچون بورالارا گلدیم "

جملهٔ ساده گویای اندیشه ویاحکم واحد است .

" سیزی قوناق چاغیریرلار"،" بوگون هاوا بیردن دگیشدی ."

جملات بردوگونه‌است : اول جملاتی که فعل آنها باپیوستن پسوندهای بازمانده ازمصدر قدیمی وفراموش شدهٔ " ایمک " تشکیل شده ویاجملاتـی که جز آن اسم است ،این دسته‌را جملات اسمی می نامند،دیگر جمـــلات را فعلی می نامند .

"حسن یاتاغیندا خسته یاتیر "(جملهٔ فعلی)." اوزومه‌باخدی"(جمله فعلی)." جبیمده آنجاق بیردستمال وار"(جملهٔ اسمی)." بو ائو کیچیک دیر".(جملهٔ اسمی) ." بیر نئچه ایل قاباق بو داغلار جنگلدی" (اسمی)

منفی جملات اسمی با کمک لغات "دگیل" و "یوخ" ساخته می شود .

"بو داغلاردا اصلان یوخدور"." دونن هاوا یاخشی دگیلدی " .

جملهٔ مرکب برخلاف جملهٔ بسیط محتوی بیش از یک اندیشه‌است :

درجملات مرکب ،درکنار جملهٔ اصلی یک یاچند جملهٔ فرعی قرار مـی گیرد.معمولا جملهٔ اصلی درآخر جملهٔ مرکب است :

" سیزین ایله تانیشدیغیما ممنون اولدوم"." محمد درس اوخودوغواوچون بیزیملد گلمه‌دی " .

جملات فرعی برحسب "خبر"ی که دارند به انواع مختلف تقسیم می شود.

جملهٔ فرعی شرطی با پسوند (ـ سه)، (ـ سا) وساخته می شود. این پسوند به اسم یا فعل افزوده می شود:

"یورغونسا ز ـ یورغونسانیز ـ بیر آز اوتورون ".

" پولونوز ـ پولوز ـ وارسا مسافرت ائله یه بیلرسیز ".

" کتابلاریز ییرتیقسا یا پیشدیرین ".

با این پسوند خوف ورجا نیز بیان می شود:

"بو گون بیریاخشی قاریاغسا کوچه لر تمیزله نیر ".

" گئچ قالسام ائویم ییخیلار ".

پسوند شرط با افعال مرکب نیز بکار می رود. جملات شرطی فرعی در این موارد نیز می توان ساخت:

"بیر مکتوب آلیرسام، چوخ سئوینه رم". "یولداشیز دونن یولا چیخمیش سا بوگون بوردا اولار ".

اگرچه معنی شرط از پسوند" ـ سه" مفهوم می گردد لکن با این جملات ،درزیر تاثیر زبان فارسی،کلمات "شاید"و"اگر"نیزبکاربرده می شود : " آتانیز شاید تله قرافی آلیب سا زمانیندا بورایا یئتیشر". " اگر بگنمزسه نیز قایتارین ".

اگر فعل جملهٔ فرعی مضارع (گئنیش زمان) باشد فعل جملهٔ اصلی اکثرا صورت رجا ،امر،لزوم ویا مستقبل را دارد.

از انواع جملات مرکب ذکر برخی مفید بنظر می رسد:

۱ـ جملهٔ پیوسته : به این مثال دقت بفرمائید :

"سویوق و رطوبتلی بیر پاییز آخشامی او مجهول شهره گئدن تره نه ،

۲ ـ مینمک اوچون ، ۳ ـ استاسیونا گیردیم .

همانطور که اشاره رفت فکراساسی و جملهٔ اصلی دررديف آخر (سوم) قرار گرفته است. فکر اصلی "استاسیونا گیردیم" است .از خصوصیات این جمله یکی صرف شدن فعل آن است .فعل درجملات دیگر صرف نشده دراولی بصورت "گئدن" و در دومی بصورت " مینمک " آمده .ثانیا جملهٔ اصلی (سوم) مستقلا مفید معنی است ،ثالثا مفاهیم مندرج درجملات اول و دوم را به نتیجه می رساند.چنانکه اگر حکم نهائی که دراین جمله مندرج است درنظر گرفته نشود ،معنی دو جملهٔ اول ناتمام وجملات مزبور پادرهوا می ماند.جملات فرعی گاهی نقش مبتدا و گاهی مفعول گاهی متمم رابازی

می کنند : " تازه‌دن یا راتماق ترجمه‌ده موفقیتین اساسیدیر " ."سخا ـ وتین الینی هئچ کس‌کسمز " ." همیشه یئکه ایشلر گؤرمه‌گی دوشونوردو" "گون گیره‌ن ائوه حکیم گیرمز" ،" آغیر ـ آغیر یوکسه‌لن بیر سو کیمی قورخو قلبینی بؤرودو" .

۲ ـ جمله‌ء مرکب زنجیری :

به‌این مثال ها دقت‌کنید :

"اونون آدینی ایلک دفعه اوردا ائشیتدیم و عکسینی ده اوردا ، گؤردوم " .

" من گئت ـ گئده غصه‌له‌نیر ، هئچ حواب وئرمیر و قاباغیمـــــا باخیردیم " .

"بو مجادله حریت مجادله‌سی دیر ،گئچمیشدن گلیر ،گله‌جه‌گه‌اوزانیر ، ببریانی ابله تاریخدیر ،بیریانی ایله گله‌جه‌گین شرطلرینی حاضرلاییر"

این نوع جمله یا درحقیقت جملات مرکب منظومه‌ء جملات مستقلی است که درکنارهم قرار می گیرد .بجای نقطه ،آنچه‌که آنها راازهم جدا می کند ویرگول، نقطه‌و ویرگول ویا دو نقطه وبعضا نیز ادات‌عطف است .این منظومه‌ء جمله‌ء مرکب را جمله‌های زنجیری می نامیم .درمیان اجزای این این منظومه هم جملات بسیط وهم جملات مرکب می توان یافت .ساروج ویا اساس وحدت این منظومه فکر واساس واحداست .چنانکه گاهی ممکن است در این رابطه ،ازفعل ـ درصورت اشتراک ـ فاکتور گرفته‌شود :

" گؤگ آبی،بوداق یاشیل ، تارلا ساری اولسون " .

دراین منظومه ،یاجمله درحقیقت سه‌جمله موجوداست : " گوگ آبـــی اولسون، بوداق یاشیل اولسون ، تارلا ساری اولسون " .

این اشتراک را درمورد مبتدا نیز میتوان مشاهده کرد :

"حسن دایی تارلاسینا قودوشدو ،تئز ـ تئز بئللـه‌دی،گوبره‌له‌دی،تور پاغی قابارتدی، اطرافی نمیزله‌دی " .

اشتراک در متمم ومفعول نیز ممکن است :

"اونا حرصله‌نلر حدت‌له‌نلر اولا بیلیردی ،اما حرمت‌سیزلیـــک ائده‌نلر اولمازدی " .

"قدیم‌دن بری پولسوزو آدام سایمازدیلار ، تحقیر ائدردیلر

۳ـ جملات تو در تو

در قالب جمله‌ء واحد دو یا بیشتر را می توان گنجانید .دا راین‌مثال ها دقت‌فرمائید :

ـ اوشاق ،" آتا سنی ایستیرلر..." دئدی .

مثال دیگر :

ـ اؤز ـ اؤزومه " گئتدیلر...گئتدیلر..." دئییردیم .

ـ یاخشی یام، وضعیم دوزه‌لدی، اللها شوکور" دئدی .

۴ ـ جمله‌ء مرکب با "که"

"که" با تلفظ " کی" از فارسی وارد زبان ترکی شده‌است و موجب ترکیب دوجمله‌ء مستقل می گردد .چنین‌جمله‌ای درظاهر شبیه‌جمله‌ء مرکب زنجیری است .لکن این شباهت فقط ظاهری است .با دقت دراین‌مثال مسئله روشن می شود : " بو کتابدا گؤسته‌ریلمیشدیرکی یاخشی مخابرات یاخشی تئکنیک له ممکندور ".

این جمله برخلاف روال زبان ترکی است .درترکی جمله‌ء اصلی و فکر اساسی در آخرقرار می گیرد وجملات‌فرعی قبل از آن .

درجمله‌ء فوق که‌با " که (کی) " تشکیل شده وضع‌وارونه‌شده‌است .اگر " که" را برداریم جمله‌ء صحیح ترکی بدینگونه ساخته خواهد شد:

"یاخشی مخابراتین یاخشی تئکنیک له ممکن اولدوغونو بوکتاب گؤسته‌رمیشدیر."

با اینهمه برای تنوع از جملات مرکب که‌به‌کمک "که" ساخته می شود نیز از هرچندگاهی می توان استفاده کرد :

"ائله بیر راحات‌دؤشک اولمالی کی،یاتاندا آدامین بدنی دینج اولسون "،" بو بؤیوک حادثه‌ایدی کی، تیتره‌تدی منی ".

عبارات‌قالبی ازقبیل "نه‌وارکی"،" یئته‌رکی"،" ائله‌کی" سازنده‌ء جملات مرکب‌نمی شود،چنانکه مثال زیر جمله‌ء بسیط است :

" حئییف‌کی، داها اونو گؤرمه‌دیم "،" اونون اوچون دورکی، من چوخ احتیاطلی اولدوم ".

در ترکی با آوردن " که" درانتهای جمله ، کلام ناتمام و نگفته‌را وسیله‌ء تشدید انتظار ویا جلب‌دقت‌و برانگیختن احساس‌مورد نظر و تاکید قرار می دهند :

"بو باهالیق هئچ دورمور کی ..."،"سنی او قدر سئویرم کی ..." ، "یانیمدا دانیشماق اوچون اؤزومه مناسب‌بیریولداش‌تاپیلمادی کی..."

درمحاورات‌در آگهی ها در امثال و حکم واخطارها ودرسبکهای خاص ادبی جملات‌ناقص (بدون که) بکارگرفته‌می شود .

"ساتیلاجاق ائو" یا "کیرالیق ائو" که‌دراصل "کیرالیق ائو وار- دیر" بوده است. از امثال و حکم :

" بیر آنایا بیر قیز، بیر باشا ایکی گؤز ".

از محاورات :

" - سن اونو گؤردون مو ؟

- بلی . ".

مصدر درجملات ترکی باسه نوع پسوند بکار گرفته می شود :

" مک " ، " - مه" و " - ایش" . مصدر در جمله حکم اسم‌را دارد :

" گئج وقتلره قدر ایشله‌مک منیم عادتیمدیر "،" حسنین سیزی تانیماسی اونا چوخ فایدالی اولدو "،" گوللرین گولوشو، قوشلارین اوخوشو،سولارین آخیشی ایله باهارا اویاندیم ."

مصدر می تواند پسوند حالتهای اسم و ملکیت‌راهم بپذیرد،اگر هیچ پسوندی بر مصدر از نوع " - مه" افزوده نشود معمولا " - مه" ، تبدیل به "- مک"می گردد.درمثال : " هئچ سئومه‌دیگیم شئی،بیلیر- سینیز نه‌دیر؟ هدف‌سیز دیدینمک "، نمی توان گفت" هدفسیز دیدینمه".

انواع مصادر فوق الذکررا درحالت"- ای" چنین به‌کار می برند :

"باخماق - بیر دؤنوب باخماغیله کؤنلومو آلدین "

"باخما - بؤیوکلره حرمتله باخمانی ایسته‌ییرم ".

" باخیش- باخیشی جیرانا بنزه‌ر ".

ساخت جمله

در سبک ترکی قراردادی ،یعنی مکاتبات رسمی،متون علمی،درسی و کتابت‌ساده‌ء عادی ترتیب‌جای گرفتن عناصر جمله چنین است :۱- مبتدا ۲ - متمم ۳ - مفعول ۴ - خبر،یعنی مهمترین جزء کلام درپایان و مقدمات و فروع در آغاز :

" بعضی آتالار سؤزو(۱) قالا - قالا (۲) دگه‌رینی (۳) ایتیرمز (۴)".

لکن برای اینکه به‌گفتار رنگ و آهنگ خاصی داده‌شود،یعنی برای تولید پیچ و خم درکلام" برای القای پویائی وحرکت ،یا بطور ساده برای نزدیکی به زبان محاوره ازاین نظام سرپیچی می شود.جملات بقول صرفیون باژگونه می شود،یعنی مبتدا ازابتدا به انتها رانده می شود وخبر درصدر جمله یاهرجا که‌سبک نویسنده مناسب می بیندمی‌نشیند.مثال:

" دوگمه ائلین قاپیسینی دؤگرلر قاپینی ".

نظر به اینکه در ترکی پسوندها چون برچسبی عمل و وظیفه هر عنصری را درکلام مشخص و روشن می سازد، از بهم خوردن نظام جملهٔ رسمی باکی نیست، لکن برای کسانی که موج سواری نیاموخته اند و مرد میدان سخن نیستند مطمئن تر آنست که راه کوبیده و هموار نظام نحوی رسمی را رها نکنند وخودرا دردشت وبیابان سرگردان نسازند. لکن گشودن راههای جدید درشان سخنوران چیره دست است وبرآنها حرجی نیست.

بعلت امکان و فراوانی ابزار، ساختن جملات دراز و تودرتودرترکی بیم این می رود که با رها کردن شیوهٔ آزمودهٔ معمولی و هنجارگفتار به سر درگمی دچار گردیم ورشتهٔ پیوند را باخواننده یکبار بگسلیم. والا کار برد جملات دگرگونه و باژگونه آنچنانکه پنداشته می شود محصول و مد امروز نیست،

چنانکه ازاین دست از سنگ نبشته های " اورخون "نیز می توان سخنی چند به گواهی آورد. خلاصه، اگر بهم ریختن نظام سخن برای ایجاد تاثیر خاصی در خواننده نباشد و توانائی و نفوذ بیشتردرکلام را هدف قرار ندهد نشانهٔ ناتوانی و نادانی است، چه، همانگونه که فروغی بسطامی گوید :

مکن تشبیه زلفش را به سنبل پریشان تا پریشان فرق دارد!

آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش

﴿ ۳۳ ﴾

بازان: دکتر جواد هیئت

شیخ‌عبداله‌طارمی (شیخنا) : بختیار اوغلو شیخ عبداله ۱۲۸۲ شمسی‌ده آنادان اولموش و دینی- ادبی‌تحصیلینی زنجاندا کی استادلاردان آلمیشدیر. طنز شعرلریله و غزللریله مشهوردور. شعرلری طارم‌علیا وخلخال کندلرینده یک خلق آراسیندا معروف‌دور. بوراداییر لیریک وبیرده طنزغزلینی‌درج‌ائدیر

گونده بیر رنگ ائدیرن جلوه‌ی مستانه گؤزل
ائیله‌ییبدیر اودور عشقون منی دیوانه‌گؤزل
ای ائل آهوسو، چمن قومروسو، داغلار مارالی
گؤزلرین بیرباخیشی اوخشوری جیرانه‌گؤزل
کعبه‌ی وصلیوه حجاج کیمی شرط ائده‌رم
باخارام حسرتیله چاه زنخدانه‌گؤزل
یانارام آتش‌عشقینده دؤنوم باشیوه من
دؤور شمعینده‌وارام گؤرنئجه پروانه‌گؤزل
نه‌سبب‌دن دی، منه خشمیله هردم باخاران ؟
گول یوزون دؤنده‌ریسن قهریله ایوانه‌گؤزل
بیلیرم درد دلین من قوجا، سن تازه جوان
قوجا لازم‌دی لله درگه سلطانه‌گؤزل
حسرتی واردی بو شیخین دوشه یانینجا سنین
چیخا بیر سیر ائلییه کوی وخیابانه‌گؤزل

آجی چای

گل منیم یانیما، جانیم سنه قربان آجی چای
دیزیمین طاقتی‌سن، دردیمه درمان آجی چای
نه‌یه تشبیه‌ائله‌یم من سنی، یوخدور عوضین
قاریشیبدیر سه‌بیر کوثر رضوان آجی چای
هر او ائوده سن اولان، اوردا اولور بایرام،طوی
اولمایان ائوده اولورحمله‌عزاخوان آجی چای

تازه‌دم سن اولاسان، من ده اؤزوم یورقون اولام
شوقیله سندن ایچم بیر دولی فنجان آجی چای
رنگ یاقوته نه‌گلدی ، نیه رنگین سارالیب ؟
نئجه دؤندردی سنین رنگیوی گیلان آجی چای
نئجه معشوقه‌سن ، عاشق دی سنه پیر و جوان
بلکه اعیان و ناخیرچی ایله چوبان آجی چای
باشیم اوستونده سماور سحری قئینه‌مه‌سه
نئجه دوررام یوخودان من ائوی ویران آجی چای
عصر وقتینده اوشاقلار منه چای وئرمه‌سه‌لر
صبرو طاقت‌کسیلر الدن ایاقدان آجی چای
بیرنفر اؤلسه‌اگر، وئرمه‌سه‌لر قهوه و چای
بیری گئتمز اوخویا سوره‌ی قرآن آجی چای
سنین عشقینده مزین اولی هر عیش و عزا
سنین حبوندە اولورلار هامی خندان آجی چای
قوراسان باغدا سماور، پیشورن یاغلی پولوْو
سنیله داد وئره‌جک یاغلی بادمجان آجی چای
دئیه‌سن ساقی گلچهره گتیر استکانی
دوز بو بزم‌ایچره مسمای فسنجان آجی چای
بیلیرم سن رؤسا مجلسی‌نین زینتی سن
سنه‌پابند اولور هر خانیله سلطان آجی چای
نه‌سبب‌دن دی مینیبسن بئله جیران دالینا
خلقی ائتدین نه‌جهتدن بئله گریان آجی چای
تاپمادیم‌بیرگون ایچم، توتدی باشیمدان آغری
اونی درمان ائله‌دی بیر- ایکی‌فنجان آجی چای
او قدر اسنه‌میشم، دیشلریمی آغری توتوب
آز قالیبدیر چیخا انگیمله‌زنخدان آجی چای
من جهنم، یانارام خیردا اوشاقلار حالینا
موقع چای گلنده ائدر افغان آجی چای
نه‌قدر وصف‌ائله‌یيم من سنی آرتیق یارایشیر
گر اولا چایچی سنه حوری و غلمان آجی چای
بیر گؤره‌ایدیم او گونی قندیله‌چای اولدی سبیل
حسرتیم اوندا چیخار نئیله‌بیم‌الان آجی چای

شیخنا ، گؤنلوں اگر چای معطر آپارير
عزم گیلان ائله ،ایچ بیر چای لاکان آجی چای
ایچمه‌ریک خارجه‌نین چایین اگر همت ائدک
بیزه کافی‌دی فقط حاصل گیلان آجی چای

سیدباقر حرّی (اقبالی): سیدباقر حری سیدعلی‌اکبر نجفیانی نین اوغلو ۱۲۸۴ شمسی ده زنجاندا آنادان اولموشدور. بوشاعرین سوادی یوخدور. قوشدوغو شعرلریی باشقاسینا یازدیرار ویالنیز تورکجه‌شعرلر سؤیلر. شعرلری نوحه ،مرثیه ،قصیده ،غزل، هزلیات ومطایبات دان عبارتدیر .شعرلرینن بیرقسمی "غمنامه" آدیله زعفری طرفیندن زنجاندا چاپ اولموشدور. بورادا اوندان بیرغزل وبیرده مطایبه‌درج ائدیریک :

گلمه‌دیز ایمانه‌سیز

ای منی سرمست و مدهوش ائیله‌ین پیمانه‌سیز
سپمیسیز،جانا ، مگر رخساریزه پیمانه سیز
بیر نگاهیله منی ای لیلی، مجنون ائیله‌دین
شکر لله ،قالمادی بوملکت دیوانه‌سیز
آتش‌هجرایله یاندیرماقلیق آساندیر منی
واردی خوفیم‌کیم ، قالا شمع رخون پروانه‌سیز
اره‌ی جورایله قیلما شرحه‌ـ شرحه کؤنلومی
قیل یقین قالماز نگاریم قاره‌زلفون‌شانه‌سیز
بیر مثل واردیر ، دئیه‌رلر گنج اولور ویرانه‌ده
بیلمه‌رن جانا مگر چوخ گنج‌اولورویرانه سیز
حسن ورلف و چشم‌و ابروی و خط و خالین سنین
هربیری جان قصدینه‌بیر تور قورموش‌دانه‌سیز
کافر عشق ائتدیز آخرده عجب "اقبالی" نی
هر قدر اصرار قیلدیم گلمه‌دیزایمانه سیز

کبین کسدیر

بیرنفر شاهسئوه‌نلی تازه جوان * واریدی بیر آداخلی‌سی چوخدان
ملا تابمیردی کسدیره کابین * او جهت‌دن اولوبدی چوخ غمگین
بیر گونی گؤردو بیر نفرملا * کند آراسیندا ائیله‌یيب مأوا

هوول اولوب قاچدی سؤیله‌دی آتاجان * بیرنفر ملا کنـــــده وارالان
گئت‌گیلن وئر آخوت‌کسه کبینـــــی * یئتیر اول یار مهربانه‌منـــی
آتاسی سؤیله‌دی کی ای اوغـــــلوم * گؤروسن الده وار منیم شغلوم
سن اؤزون گئت ، ایکی ایشی‌ائله‌بیـر * هم‌اؤزون، هم آتـان کبین کسدیر
دئدی اوغلان آنـامـی ایسته‌میرم * آتاسی سؤیله‌دی اوغول بیلیرم
من ده بیر مـلا تاپمادیم او زمان * آناوا کسدیرم کبین بالاجان !

مریم‌جهانگیری : مرحوم حسین خان بیگلربیگی‌نین قیزی دیر ۱۲۹۵ ده اورمیه‌ده آنادان اولموش و ۱۳۳۱ ده‌وفات ائتمیشدیر.

مریم‌دن قالان شعر دفتری آرادان گئدیب ،قارداشیندا اولان شـــعرلری "بیادمریم" آدیله بیرجزوه شکلینده چاپ اولموشدور. بورادا ، اوندان بیر ترکی، بیرده فارسی غزل درج ائدیریک :

گل دولاشما گئنه اول زلف‌پریشانه کؤنول
صبرائله ، دؤز بو قارانلیق شب‌هجرانه کؤنول
باخما ناکس‌کیمی اول دلبریمین چهره‌سینه
یانما پروانه‌کیمی آتش‌نیـــــرانـه کؤنول
نئجه طرح ائتدی وفا صحبتینی غنچه‌لـــی
واقف‌اول ، ذوق ائله اول نکتهٔ‌پنهانه کؤنول
اولما نامرد و محبت‌ائله‌مه نااهـــــله
باغلاماز عاقل اولان الفتی نادانـــه کؤنول
وطن عشقینده گرک‌ال چکه‌سن جانینـــدان
چون سمندر یاناسان آتش‌ســـــوزانـه کؤنول
آرزوم‌دور یئتیشم وصلیوه ، اما نه‌ائدیم
باغلانیب ظلمیله زنجیره بو دیوانـــه کؤنول
فرقته باعِث اولاندان آلارام قانلی قصاص
آند اولسون او گؤزل پرچم ایـرانـــه کؤنول

ای شب‌چرا نرفته‌و تأخیرمیکنـــی * ای صبحدم در آمدنت‌دیر میکنی
گویا چومن اسیر کمند بتی شدی * کاندر شکنج بند چنین گیرمیکنی
ای ناله ، ساعتی برو ازتنگنای دل * ای سوز دل ، ز زندگیم سیرمیکنی
ترسم که نه‌فلک‌همه زیر و زبرشود * ای دل زبسکه ناله‌ی شبگیرمیکنی

ای ماهرو به‌جادوی خونریز شهردل * ازشش جهت گرفته وتسخیرمیکنی
باخال همچودانه‌و بازلف همچو دام * مرغ دلم گرفته ونخجیرمیکنی
بازآ برون و لشکر عشاق رابتاز * درقتل این گروه چه‌تأخیرمیکنی

ابولقاسم‌خطیبی (ناصر): ۱۳۰۲ ده‌زنجاندا آنادان اولموش‌و اون ایکی ایل فارسجا وعربجه‌علملری مکتبده‌اوخویاندان صونرا تحصیلینه ادامه وئره‌بیلمه‌میش و ایاق قابی‌چیلیق دکانیناگئدیب بو گونه‌دک بو ایشله مشغول اولموشدور. خطیبی بوش‌ساعاتلارینی علم‌وادب اهلی‌ایله‌کئچیریر و اؤزوده فارسجا وتورکجه‌شعرلر یازار. اونون تورکی شعرلریندن نمونه اولاراق (بهاریه) آدلی شعرینی بورادا درج ائدیریک :

مقیم‌باغ‌اول ای کؤنول ، فروغ حسن یاری گؤر
چمنده باخ طراوته ، علامت‌بهاری گؤر
سحاب رحمت‌ائیله‌ییب احاطه سطح عالمی
جهانه ریزش‌ائیله‌ین او درشاهواریگؤر
اریکه‌ی زبرجدی قیزیل‌گول ائیله‌ییب مکان
برابرینده نغمه‌و ترانه‌ی هزاری گؤر
بویاندا غنچه‌لر گلیب سروریلن تبسمه
اویاندانازونسترن توتوبدی کوهساری گؤر
اسر نسیم جانفزا ، فضای صحن گلشنه
شمیم‌عطر مست‌ائدیب تمام هوشیاری گؤر
تقاطرات ژاله‌دن ائدیبدی لاله‌لر عرق
اونا توتوبدی آینه ،زلال حویباری گؤر
صفا تاپیبدی بوستان ، اولوبدی شاد دوستان
تجلی‌ائیله‌ییب رخ نگار گلعذاری گؤر
اولوبدی صفحه‌ی زمین ریاض‌جنت برین
بهشته‌رشگ وئرمگه ، بویئرده‌افتخاری گؤر
جهانی روشن ائیله‌ییب ، شعاع نور احمدی
جمال احمدی ده سن، جلال کردگاری گؤر
اونون وجودینه‌خدا ، ائدیبدی خلق عالمی
او ذوالکرامه‌باغلی‌دیرسوعالمین‌مداریگؤر

اکرچه شرمسار دیر، گناهی چوخدی "ناصر"ین
حزا گونی شفاعته اولان امیدواری گؤر

فارسجا شعرلریندن نمونه اوچون بیر رباعی درج ائدیریک :

درگلشن زندگی بسی مست شدم * در سیر گهش بلند ،گه پست شدم
این عمر گرانمایه که در دستم بود * برباد فنا رفت و تهی دست شدم

حسن غریق : میرزا حسن غریق زنجانین مشهور شاعرلریندن دیر. او، باقا للیقلا گئچیرمیش و ۵۰ ایل بوندان قاباخ وفات ائتمیشدیر غریق قوشدوغو تورکی وفارسی نوحه لر ،رباعیلر وطنزلریله تانینمیش و بدیهه لریله شهرت قازانمیشدیر.

غریقین اثرلریندن ایکی‌جلد آقای زعفری بین طرفیندن چاپ اولونموش ،لاکن داها چاپ اولمامیش شعرلری چوخدور. بورادا نمونه اوچون بیر تورکی وبیرده فارسجا شعرلرینی درج ائدیریک .

دوغمایئیدین منی ایکاش ننه

ائشیمیز اولدوعجه یاش ننه — دوغمایئیدین منی ایکاش ننه
آلمایئیدی سنی ایکاش ددهم — کسمه‌یئیدی کبینین ملا قشم
ائتمه‌یئبدی سنی باتوی حرم — آتمایئیدین ائله گؤز- قاش ننه
دانیشئیدین نه ائله شهدوشرینگ — نه دئیه‌یدی سنه :ای یار قشنگ
نه باسئیدی سنی آغوشونا تنگ — نه دئیه‌یدی منه دیرماش ! ننه
دوتما توسؤزلری ایراد منه — دئمه بو سؤزلره یوخدی حسنه
آلماسئیدی ددهم البته سنی — بس ایدی آیدا ببر اویناش ننه
نه ائده‌ابدی ئیله‌بدخواب سنی — قازانئیدیز نه او ذلت‌له منی
آغزیما س نه‌سالئیدیس ممه‌نی — نه قیلئیدیز ئیله کولباش ننه
قویالی عرصه‌ی ایجاده قدم — یئدیغیم غصه‌دی،اندوه‌دی، غم
قالمادی حیف‌و دییاده ددهم — تا ائده‌ایدی منی داش‌باش ننه
منه یوخلوق مرضی ائتدی هجوم — اولدو بایقوش‌کیمی بختیم‌قوشی‌شوم
کیمه اؤز بختیمی تقصیردوتوم — چکدی بد نقشه‌نی نقاش ننه
تاقباحت سؤزون ادراک ائله‌دیم — حق سؤز اوسته‌دؤشومی چاک ائله‌دیم
چوخ‌عملدن‌دؤزوب‌امساک ائله‌دیم — باسدی کئجدی منی یولداش ننه
گئجه- گوندور ائله‌دیم‌سعی‌ونلاس — سهل اولا بلکه منه امر معاش
گنه‌شام‌اولدو ،نه‌آش وارنه لاواش — نه حؤره‌ک واردی، نه بوزباش ننه

. . . . . .

سالمایئیدین منی بوعالمه‌کاش آخ دوغایدین منی بیر داش‌ننه
نه اسئیدی بوخزان وقتی سازاق اوشویئیدی نه‌بئله‌ال نه ایاق
نه یاغئیدی بوقدر قار بوسیاق نه دولایدی بئله داغ ـ داش‌ننه
هرکسه یئتمه‌دی آسیب و گزند مختصر اولدو پلوودا الی بند
هم‌یئره ، هم‌آتیر افلاکه کمند مگر اولدو شاها فراش‌ننه
ننه‌گل ،قیش‌دی سویوق،همت ائله چوللانیب چرشابا ، بیرغیرت ائله
بو غریق اوغلووا بیررأفت ائله وئرگیلن کوفته‌لی بیر آش‌ننه !

ساقینامه

ای ساقی گلچهره بده باده‌ی گلبیز
مستم کن ازآن ساغر پی درپی لبریز
جاویدنشد دهر چو برخسرو پرویز
کو شوکت جمشید ، چه‌شدصولت چنگیز
زان جام که خوردند رسدقسمت مانیز

روزی بدرد گرگ اجل پیرهن من
چندی نکشد نشنوی ازکس سخن من
یا کوزه‌گران کوزه کنند از بدن من
یا خشت‌بسر خم شود از خاک تن من
یا نقش‌بدیوار ، ویا فرش‌به دهلیز

سروی که درافتاد ، چه‌بالا و چه پائین
رختی که‌بهم سوخت چه‌بیرنگ و چه رنگین
آبی‌که فروریخت چه‌بی‌طعم و چه شیرین
آن شیشه‌که بشکست چه باریک وچه سنگین
روحی‌که زتن رفت چه‌کاشان وچه‌تبریز

زان پیش‌که‌آید بسر این مدت معدود
تاهستی من گردد ازاین مرحله نابود
شایدنشده ملک بدن یکسره مفقود
گیرم زگلستان زمانه گل مقصود
زان گل که‌شود از گل فردوس دلاویز

در میکده دانم نه‌مکان است‌ونه‌جایم
دریوزه‌صفت‌رو به‌در میکده آیم
کن همچو مرا مست‌ندانم سرو پایم
باشد که رخی بر قدم یار بسایم
بازار محبت‌کنم از آتش می تیز

افسوس‌که ره برچمن راز ندارم
درگلشن دانش پر پرواز ندارم
در اوج هنر قوه‌ی شهباز ندارم
پروانه‌صفت سوزم و آواز ندارم
مبهوتم ازاین فکر و تمنای غم‌انگیز

. . . . . .
تنها نه‌منم‌عاشق آن دلبر طناز
بل ذی نفسانند ازاین عشق سرافراز
خود نامدگان و شدگانند هم آواز
در مکتب‌عشقند دراین مرحله همراز
جان بهر نثار قدمش‌خوانده‌بتجویز

عبدالواسع شهیدی :۱۲۷۹ دا زنجان دا آنادان اولموش،آخوند ملاحسنعلی‌نین اوغلودور. ایلک تحصیلینی آتاسیندان آلمیش صونرا شیخ ابراهیم‌نحوی و شیخ علیارصرفی‌دن ده درس‌آلمیشدیر.

ایلک شعرلرینی "محرر" تخلصو ایله‌یازمیش ،لاکن صونرادان، "شهیدی" تخلصونو سئچمیشدیر. دیوانی" گلشن عشق" آدی ایله چاپ اولموشدور.

شهیدی عطارلیق ایله کئچیمینی تأمین ائتمیشدیر. بورادا نمونه‌اوچون بیر تورکی وبیرده‌فارسی شعرلریندن درج ائدیریک:

بو بئش‌گون عمرو سن سانما اؤزونچون جاودان قارداش
گلیب‌بومنزله گئتمیش‌نه چوخ پیرو جوان قارداش
بو سؤزلر نثریله گرچی دئییلمیش ، نظمه‌چکدیم من
که جسم‌نثره هریئرده وئره‌ر چون نظم جان قارداش

نه‌چوخ اسکندر ورستم، نه چوخ فرعون ونمروده
وئریب توپراقلار آلتیندا اجل دائم مکان قارداش
... اویان بیرخواب عفلتدن گنه‌دقتله‌بیرباخ گؤر
اولوب‌آماده تا کؤچسون نه قدری کاروان قارداش
اگر چوخ وارلیسان یاآز، یقین ائیله گدا اوللان
اجل لیلاجی دؤردآشیق آتاجاق وار- یوخان قارداش
بوبئش‌گون عمر برق آساگئچیر، فرق ائیله‌مز هرگز
دوتوم‌کؤینک حریر اولسون ویا یول - یول کتان قارداش
اگر مینلر ضرر چکسن اؤز- اؤز عهدین وفا ائیله
قویوب بؤرکون یانین آلتدا، سؤزوندن چیخمایان‌قارداش
دئمه هئچ بیرکسه سرّین، ولو اؤز قارداشین اولسا
سؤزون ساخلا اوره‌کده تا بودنیاده واران قارداش
همیشه صبر قیل هربیر مصیبت گؤرسن عالم ده
بیرآز فکرائیله، گؤر کیم‌دیر بو دنیاده‌قالان قارداش
نه‌چوخ مجنونی لیلادان، نه‌چوخ فرهادی شیرین دن
فلک آیری سالیب بیر- بیرگئدیبلرساغری قان قارداش
تجاوز ائیله‌ییب‌هرگز گؤز اؤزگه‌مالینا تیکمه
خجالت‌چک‌خدادان ای صودان قایماق توتان قارداش
دوشوب‌بازاره هریانی گزیب‌بؤرک خلقدن قاپما
اؤزو بؤرکسوز قالیر آخر همیشه بؤرک‌قاپان قارداش
... نه‌موهوماته‌اول قائل ،نه‌اول بیدین و لامذهب
یولو دوز گئت ،کلکدن قورخ،اولور بیردن آذان‌قارداش
شهیدی ! شرم‌قیل، چک بیرخجالت ،سن گئدیب اول
اؤزون اصلاح ائدیب ائیله ملامت یولداشان قارداش

مثنوی

دیدم اندر باغ روزی بلبلی * درد دل میگفت نالان با گلی
کای وصال تو دوای درد من * رحم کن آخر به‌رنگ زرد من
گرنه سیمای تو بودی‌ارغوان * رخ مراکی میشدی چون زعفران
نیست‌هرگزبر توای آرام جان * ازمن عاشقتر بزیر آسمان
من چومنصورم به‌عشقت پایدار* می‌نترسم گر برندم پای دار

این سخنها چون زبلبل گل شنود * درجواب اولب نازک گشود
کای یگانه عاشق دلسوز من * ای نخفته شب بیاد روز من
ای بعشقم باوفا و یکدله * نی شکایت دارم ازتو، نی گله
من به وصل تو زجان مایلترم * من ترا دلداده و هم دلبرم
لیک داده فرصتم کی باغبان * تانشینم یک زمان با دوستان
روز وصلم را اگر داری امید * باید اول دست گلچین را برید
عشق آتش شد شهیدی را بجان * سوختن باشد جزای عاشقان

حدّاد: علی اکبر پاکزاد (حداد) آذربایجانین گؤرکملی طنز شاعرلرین دیر. او، ۱۲۸۰ شمسی ده تبریزده آنادان اولموش ویئددی یاشیندا ایکن آتاسینی وبیرآز صونرا دا آناسینی الدن وئرمیش و او گوندن صونرا چالیشماغا محبور اولموشدور. اؤزو بو بارهده شعرلرینین بیرینده بئله سؤیله میشدیر:

یئددی یاشیندا آتام قتله یئتیب، اؤلدو آنام
آز یاشیمدا من اولاردان صونرا گؤردوم پدرم

حدادین آتاسی مشروطه یولوندا اؤلدورولوب ائو ـ ائشیگی غارت ائدیلمیشدی. حداد سوادسیز اولدوغو حالدا چوخ قدرتلی ودرّاکه لی شاعردیر. اونون شعر استعدادی وشاعرلیک قابلیتی ایران شاعرلرینین شاطر عبّاسا بنزر. لاکن حدادین اسلوب وشیوه سی طنز وانتقادی دیر، و بوباخیمدان صابری خاطرلادیر وبیرچوخ شعرلری صابرانه دیر. حتی بعضی شعرلری صابرین شعرلرینه نظیره کیمی دیر، مثلا آشاغیدا درج ائله دیگیمیز "دمیرچی" منظومه سی صابرین "اکینچی" شعرینه بیرنظیره دیر

حداد شعرلرینده طنز وانتقادی اسلوبی سئچدیگی حالدا، اوخوجو ـ لارینا نصیحت وئرمگی ده اونودما میشدیر. او، اوخوما یازما بیلمه دیگی حالدا آچیق فکرلی، درین دوشونجه لی وگنیش گؤروشلو بیرآدام ایدی. حداد عینی زاماندا ائلینه ویوردونا باغلی بیرشاعردی. آشاغیدا درج ائله دیگیمیز "آخ نئیله ییم؟" آدلی منظومه سینده اونون ملت، ترقی، واستقلال حقینده دوشونجه و دویغولاری آیدین شکلده بیان ائدیلمیشدیر:

خواب غفلتده یاتان ملت اویانمیر گنه ده
اوجا یئردن یئخیلیب سانکی، دورانمیر گنه ده

یاتیری شب پره تک گوندوز و آخشامه کیمی
گئجه لر اوج سعادتده اوچانمیرگنه ده
نه امیدیله یاشار دهرده انسان گؤره سن
راه امیدی بولار ایندی تاپانمیرگنه ده
قرن بیستم دی دئییر، بمب آتوم دان دانیشیر
اؤز مدارین ایتیریب یاخشی دولانمیرگنه ده
هامی زنجیر اسارتدن اؤزون ائتدی خلاص
بو یازیق ملت او زنجیری آحانمیر گنه ده
بوطلسمات جهالتده هله قالمالی یبق
ساحر عصر بوجادونی پوزانمبر گنه ده
باشی نین بؤرکونه محتاج دی بیگانه لره
ینه بالیده له بیر، بیرجه اوسانمیر گنه ده
ساپی یوخ، ایگنه سی یوخ، تا تیکه اؤز شالوارینی
گؤرنه بیچاره دی، اؤز حالینه یانمیرگنه ده
اصطلاحین دگیشب "چوخساغ اول" ا "مرسی" دئبیر
سانکی بیگانه پرست دی، اؤزو قانمیرگنه ده
بیزه اسات نرقی اولوب عینک ـ کراوات
بو سؤزی من دئییرم، هئچکس اینانمیرگنه ده
قارغا ایستیر بئرییه غازکیمی، امّاکی یازیق
یئرییه نمیر، آتیلیر، یاخشی قاچانمیر گنه ده
گونده بیر مود دگیشیر، اؤزگیه تقلید ائله یبر
ایستیر آلمانلی اولا، لیک اولانمیر گنه ده
فکری لازم دی دگیشمک، نه لباسی، نه دیلی
کح گئدیر قافله میز، بولدا دایانمیرگنه ده
...نا امید اولماسین انسان نئجه بوملتدن؟
فکری مسموم دی، هئچ بیر سؤزی قانمیرگنه ده
نئجه ائل بودان ازل یاخشی یازاردی حداد
چونکی فکری یورولوب ائیله یازانمیرگنه ده

حداد حصوصی حیاتیندا یالقیزلیعی ترجیح ائدیب ائولنمه میشدیر شعرلری نین یاربده بوباره ده نئله دئمیشدیر:

تک من دگیلم ، چوخلاری ایراندا سوبای دیر
صد شکرکی، عیسادا سوبای دیر ،بیزه‌تای دیر

شاعر عمرونون مهم‌حصه‌سینی دمیرچیلیکله‌کئچیردیگی اوچون شعرلرینده "حداد" تخلصونو سئچمیش وشعرلرینین بیرینده‌دمیرچیلیگی حقینده بئله‌سؤیله‌میشدیر :

اوتوز بئش ایل بو ولایتده اولموشام حداد
گل اللریمده‌اولان بو قاباردان خبر آل

حداد شعرلرینی بیردفتره یازدیرمیش ، ودئییلدیگینه‌گؤره‌اون میندن چوخ شعرقوشموشدور. تأسف‌کی، اؤلندن صونرا بودفتر اؤگئی‌قارداشی طرفیندن آرادان آپاریلمیشدیر. (یحیی شیدا)

آقای یحیی‌شیدا چوخ آختاریشلاردان صونرا اونون شعرلرینی بیر حصه‌سینی توپلاییب و۱۳۵۸ ده (اودلی‌سؤزلر)آدلی کتابدا چاپا ئتدیرمشدر.

بورادا نمونه‌اوچون اوندان بیرغزل، بیرده دمیرچی شعرینی درج ائدیریک :

نئیله‌ییم ؟

بیلمیرم بو درد بی‌درمانه یارب نئیله‌ییم
دوشموشم بیرآتش سوزانه یارب نئیله‌ییم

چولقاییب بیر مهوشین عشقی سراسر جسمیمی
اولموشام مجنون کیمی‌دیوانه یارب نئیله‌ییم

ایستیرم اسرار عشقی گیزله‌دم بیگانه‌دن
بیلمیرم بو دیده‌ی گریانه یارب نئیله‌ییم

آغلارام بیت الحزن ده حضرت یعقوب تک
وار علاقه‌م یوسف‌کنعانه یارب نئیله‌ییم

شمع رخسارین گؤرنده بینوا حداد تک
دوره‌سینده اولماییم پروانه‌یارب نئیله‌ییم

دمیرچی

گلمه بوقده‌ر ناله وفریاده دمیرچی
گئت چال چکیشین آهن و فولاده دمیرچی

بسدیر بوقده‌ر فکر ائله‌مه دور و درازی
عمرون چوخی‌گئتمیشدی قالیب ایندی بیرآزی

دونیادا قضاو قده‌ره اول گنه راضی
سرمایه‌ی عمرون گئده‌جک باده‌دمیرچی
جانین چیخاجاق، چوخ چالیشیب‌آز یئیه‌جکسن
بیرتیخ دونو، بیرتیخ تومانی‌سن گئیه‌جکسن
بوندان صورا دونیادا داهی نئیلیه‌جکسن ؟
سنّین یئتیشیب یئتمیشه‌ـ هشتاده دمیرچی
باشین آغاریب ، گؤزلریوین نوری گئدیبدی
قددین بوکولوب قوللاریوین زوری گئدیبدی
باشیندا اولان عقل چیخیب ، شوری گئدیبدی
اؤز حالیوی سال بیرده اؤزون یاده‌دمیرچی
گئت چال چکیشین، ایشله‌داداش ،اول گنه‌خسته
بیردفعه‌ده چکمه داخی آسوده نفس‌ده
روحون بگه‌نیب‌چون بوایشی روز الست‌ده
اولدون او سببدن کیشی دونیاده دمیرچی
درویش‌کیمی هریئرده دوروب معرکه قورما
گاهی باشیوا ،گه دؤشووه بیخودی وورما
رد اول گؤزومون گئت‌قاباغیندان بئله دورما
اوقاتیمی تلخ‌ائیله‌مه ای ساده دمیرچی
عمرون قوتارینجا چکیشی سن چالاجاقسان
هرنئچه دئسم‌من دمیری، سن آلاجاقسان
هم‌پول وئره‌جکسن منه ، هم یالوارا‌جاقسان
بیجا یئره گلمه داهی فریاده دمیرچی
عقلین وارایدی سن ده بیزیم‌تک قازانئیدین
دولتلی اولوب ثروتیوه آرخالانئیدین
صون سیستَم (اوتول) سن ده مینئیدین، دولانئیدین
راحت‌یاشایئیدین داهی دونیاده دمیرچی
اولدون نیه‌بس روز ازل عاشق صنعت
چکدین نیه بیجایئره سن بیربئله زحمت
مجبورائله‌دی کیم ائده‌سن عمرونو غارت
سالدین اؤزونو ذلّته افتاده دمیرچی

آل ـ وئرچی‌لری گؤرمه‌دین آیا نه‌قازاندی
پوللار ییغیشیب بیر ـ بیرینین اوسته‌قالاندی
آل ـ وئر دئمک اولمازبونا ، واللاهی تالان دی
میلیونلی اولوب بیسر و بی‌پاده دمیرچی
تعریف ائله‌ییب آل ـ وئری چوخ سید ابرار
هرچند قویوب آل ـ وئر اوچون شرع‌ده معیار
راضی دگیلیک بیز او دئیه‌ن آل ـ وئره زینهار
بیز ایندی واریق اؤزگه‌تمنا ده دمیرچی
اوست اؤرتولو گئچ ، مطلبین اوستون داهی آچما
صبر ائیله‌گیلن، حوصله‌ن اولسون،هله داشما
ثابت‌قدم اول معرکه‌ی عشقده ، قاشما
عشق اهلی همیشه اولو غوغاده دمیرچی
فریاد وفغان ائیله‌مه (حداد) سؤزو قورتار
اولماز سنه‌قسمت داهی بو دولت دیدار
بیرگون اولاجاق قهر ائده‌جک خالق قهار
سن ده اوگونه اول بئله آماده دمیرچی

ابوالقاسم‌کامل : ۱۲۷۶= ۱۸۹۷ ده تبریزده‌تاجر بیرعائله‌ده آنادان اولموش و ایلک تحصیلینی اسکی مکتبلرده آلاندان صونرا ،اورتا تحصیلی نی یئنی مدرسه‌لرده بیتیرمیش وگنج یاشدا شعریازماغا باشلامیشدیر.

ابوالقاسم‌کامل تورکجه و فارسجا شعریازماقدا ماهر اولوب ،شعرین هر نوعیندا طبعی‌نی صینامیشدیر. کامل عینی‌زاماندا موسیقی‌ده‌استاد دئییله‌جک قدر نظرصاحبی اولوب موسیقی بیلیگی اونون شعرلرینده‌ده عکس اولونموشدور. نئجه‌کی بیرشعرینده بئله‌یازیر:

"عراق"اولسا "مخالف""شور"یمیز"مغلوب" ائدر"ناله"م
"عجم" ."اوج""حصار"یم"راست ""منصور"وم"عشیران"دیر

ابوالقاسم‌کامل گئچیمینی تجارتله‌تأمین ائتدیگی حالدا ، ادبیاتا چوخ مارا قلی‌ایدی و ۱۳۲۵ ده‌تشکیل تاپان شاعرلرمجلسینده "مؤسسلرهیئتی و صدر معاونی کیمی وظیفه‌گؤرموش وشاعرلرمجلسی دوام ائتدیکجه اونون توپلانتیلارینا دوام‌ائتمیش و بو ادبی‌محفلده‌چوخیارارلی‌خدمت ائتمشدیر.

کامل ۱۳۲۵ دن صونرا اورمیه‌یه‌کؤچوب ، اورادا یئرلشمیش و ۱۳۴۳

شمسی‌ده اورادا وفات ائتمیشدیر.

کامل دن اوتوز مینی آشان تورکجه وفارسجا دیوان قالمیش کی، هله لیک چاپ اولما میشدیر. اونون شعرلری وقتیله پیمان، آسایش، تبریز و وطن یولوندا غزه‌ته و مجله‌لرینده چاپ اولموشدور. ال یازما دیوانلاری قارداشیندا ایمیش (یحیی شیدا ـ فروغ آزادی ۱۰مهر۱۳۵۹)

ابوالقاسم کامل دن نمونه اوچون بیرغزل درج ائدیریک:

دوستان! یار شکرلب منیم، اغیار سیزین
گول منیم، غنچه منیم، لاله منیم، خار سیزین
یارده عشوه منیم، غمزه منیم، شیوه منیم
چمخم و نازمنیم، طعنه‌ی اغیار سیزین
می منیم، ساقی‌منیم، ساغرو صهباده منیم
تاروطنبور منیم، حسرت دیدار سیزین
دهن غنچه منیم، صورت گلنار منیم
گؤز منیم، قاش منیم، خنجرخونبار سیزین
مجلس بزم منیم، بوسه منیم، خال منیم
لب خندان دا منیم، دیده‌ی خونبار سیزین
خط منیم، خال منیم، عیش منیم، نوش منیم
صحبت یار منیم، زاهددیندار سیزین
چشم مخمورمنیم، غبغب گلگون منیم
زلف خوشبوی منیم، طره‌ی شهمار سیزین
"کاملم" عشق سیم، یار وفادار منیم
کوی دلدار منیم، قصر طلاکار سیزین

پروفسور غلامحسین بیگدلی

تصوف و ادبیات

(۱۵)

نقطه‌وی لیک

"حروفون اصالتینه "اعتقاد"کلمه‌نین مقدس" صانیلماسی ،قدیم آسمانی دین لرین هامی سیندا آز- چوخ موجود اولموشدور .اونون رشیمینی دینی کتابلارین هامیسیندا تاپماق اولور مثلا :

یهودی لر"کابالا اؤگره‌نیشی "آدی ایله حرف لرین مقدس اولماسی مسئله‌سینی او قدەر بؤیودورلرکی،اونو"نصوص مقدس "آدلاندیریب قلمه وئریرلر. مسیحی دینین ده ده حرفلرین مقدس لیگینه اینانیب ،اونا بؤیوک اعتبار قائل دیرلر .بئله‌کی،انجیل ده گلیبدیر: "باشلانقیچ‌فقط کلمه اولموشدور .کلمه آللاهین یانیندا اولموشدور و کلمه‌آللاه ایمیش" اینجیل یوحنا ایکینجی باب ...(۱)

حرف لرین مقدس لیگینه اینام یعنی حروفی لیگین کؤک لری چوخ درین دیر .ائله قرآن مجیدین اؤزونده بوبارەده چوخلو نمونه‌لره راست گلیریک .بیرنئچه سوره‌نین باشلانقیجی محض حروفلار وسائره‌لرله باشلا - نیر .حروف علمی نین اصالتی گئت- گئده مسلمانلار آراسیندا علی‌الخصوص متصوف لر یانیندا گئنیش صورتده انکشاف ائدیب بیرعلم‌شکلینی آلیب وعلم جفر آدیله سس‌لن دی و اونو علم حروف دا آدلاندیردیلار .بوعلمی رواج وئره‌نلره گؤره گویا اونو منیمسه‌ین لر گله‌جک حادثه‌لردن خبر وئره بیلرمیش .گویا جفر علمی‌نین اساسیندا وحرفلرین سرینی کشف ائتمک واسطه‌سی ایله ،آللاه کتابی اولان قرآنین حکمت واسرارینی آچماقا قادر اولار میشلار .(۲)

آنجاق رسمی صورتده حروفیلیگی بیرطریقت ،بیرعلمی جریان ومسلک مسئله‌سی کیمی میدانا چیخاریب ،یاییب ،انکشاف ائتدیره‌ن تبریزلی فضل الله نعیمی (۷۴۰ - ۷۹۶) واونون حسور ،اگیلمه‌ز وفدکارجانشینی سید عمادالدین نسیمی (۷۷۰ - ۸۱۹) اولموشدور .تمامیله سیاسی،انقلابی

---

۱) انفرق بین الفرق .عبدالقاهربغدادی ص ۱۷۵ ۲) نفایس الفنون فی عرایس العیون . ج ۲ - ص ۹۱ .

سجیه داشییان بوطریقت صوفیزمین مبارز قوللارینداان بیریسی سایبلسا دا آنجاق اودا اوزون بیرزامان عمور سوره بیلمه میش ،ماهیتجه زورا- کیلیقا ،اشغالچیلیقا ،غیر برابرلیگه قارشی عصیانکارا ولان بوجریان توپال تیمور واونون قان ایچن ظلمکار وغدارا وغلو میرانشاه طرفیندن محو اولوب وجریانین بانیسی اولان فضل الله نعیمی نین نخجوان یاخین- لیقیندا یئرله شن النجه یا النجق قالاسیندا باشی کسیلمیش وطرفدار- لاری نین چوخو اؤلدوروب ،اسیر توتولوب ،محو اولموشدور .دئمک اولارکی حروفی لیک ده بوحادثه ایله یاناشی سیرادان چیخیب آرتیق مستقل وجدی فعالیت ائده بیلمه میشدیر .

فضل الله نعیمی نین استعدادلی،و بیلیکلی مریدلریندن بیریسی گیلان ولایتی نین پسیخانی آدلی کندینده آنادان اولان محمود پسیخانی اولموشدور .دئیلن لره گؤره مراد ایله مرید آراسیندا اختلاف تؤره ندی- یگینه گؤره گویا محمود فضل الله دان آیریلیب ونقطه وی لیک آدی ایله یئنی بیرطریقت یارا تمیشدیر .بیزده بئله بیرقناعت یارانیرکی،یلکه ده فضل اللهین واونون آردیجیل لارینی تیمور دیسپوتو طرفیندن آمان سیز تعقیبینی ومحوینی مشاهده ائده ن حروفیلیگین عاقبتینی دویوب ،گؤرن محمود پسیخانی بوجریانی دیگر بیرآدلا،دیگر بیرتشکیلاتلا قورویوب ساخلاماق فکرینه دوشوب ونقطه وی جریانینی حروفی لیک جریانی یئرینده برپا ائتمک ایستمیشدیر .بوطریقتی ایزله ین لره نقطه وی لر،یا پسیخا- نی لر دئیرلرمیش .اونلارا تناسخیه و ملحد ده دئیرلریمیش .

نعیمی دن آیریلان محمود پسیخانی هجری قمری ۸۰۰ - نجی ایلدن نقطه وی لیگی یایماقا باشلامیش وآز بیرمدتده اونون بوتعلیمی ایرانین سرحدلرینی آشیب ،گئدیب غربدن تورکیه یه وشرقدن هندوستانا یئتیشمیشدی

حروفیه حقینده بیرسیرا کتاب ورساله لر تالیف اولونموشدور او جمله دن " رساله ء اسرار حروف "،" رساله ء بیان مراتب حروف "،"رساله ء بیان حروف اصلیه "،"رساله ء بیان معانی حروف "،"رساله ء ایجاد عالم وحروف منازل "و...

عمومیتله حروفیه جریانی فارس و تورک دیلینده نظم ونثر ایله دقته شایان بؤیوک بیرادبیات یارا تمیشدیر .

فضل الله نعیمی وعمادالدین نسیمی نین مختلف دیللرینده تصنیف ائتدیک لری اثرلرا ونلارین گؤرکملی لری دیرلر .

محمود پسیخانی اؤز معلیمی و مرادی فضل الله نعیمی کیمی بو فکری ایره‌لی سورووردو کی، "آرتیق عرب دینی اولان مقدس اسلام دینی گویا کهنه‌لمیش، اؤز اهمیتنی ایتیرمیش وگونون طلب‌لرینه جواب وئره بیلمیر. بودورکی، یئنی دین، یئنی مسلک، یئنی آیین یارا تماق گرک دیر. اؤزوده امکان دایره‌سینده عرب دینی یوخ، عجم دینی یارانمالی دیر. عکس تقدیرده قرآنی گؤتوروب یئنی دن تفسیر ائتمک، اونون حاضرکی شرایط له سس‌له‌سن حکم ومسئله‌لرینی ساخلاماق عصاره‌سینی چکمک و اونا یئنی ـ یئنی حکم‌لر ومسئله‌لر آرتیرماق کی، گونون معاصر طلب‌لرینه جواب وئره‌ن یئنی، معاصر بیردین، بیرقانون اورتایا چیخادیلسین" بو ایدی محمود پسیخانی نین اساس ملاحظه‌سی کی، اونون مرتدوملحدا ولدوقو نا اساس وئریردی ومحض بونا گؤره ده تکفیر اولونوب جزالاندی کی، بیز بوباره‌ده بیرآز صونرا بیرقده‌ر گئنیش دانیشمالی اولاجاییق.

بلی اولدوقو کیمی محمود پسیخانی چوخ گوجلو بیرعالم ودرین تجربه‌لی بیرشخص اولموشدور. او ۱۶ جلد کتاب و ۱۰۰۱ مقاله و رساله نین مؤلفی سایییلیر. اؤزوده معلمی فضل الله نعیمی کیمی قرآنی‌گؤتوروب اؤز سلیقه‌سینه اویغون ترجمه وتفسیر ائتمیشدیرکی، [1] بونلارصونرادان اونون اؤزوایله بیرلیکده آرادان آپاریلمیشدیر وچوخ احتمال کی یاندیرمیشلار.

اگرچه هله‌لیک نقطه‌وی لر قرآنین اساس احکام ومسئله‌لرینه توخونمالاردا، سؤزسوز کی، اونلارین فعالیت‌لری موفق صورتده دوام ائده بیلسه‌ایدی، اونون اساس احکام ومسئله‌لری ده بومداخله‌دن کنارردا قالمازدی آنجاق هله‌لیک اونلار او زامانا فده‌رکی، تفسیرلرین هامیسینی‌ردائدیب اؤز فکرلرینه اویغون تفسیرلر حاضرلادیلار. لکن بوایشین ظاهری طرفی وهله‌لیک اؤزلرینی هر جور تهلکه‌دن قوروماق خاطرینه ایدی، اصلینده ایسه اونلار: آللاهی، بهشتی، جهنمی، قرآنی وعلی الخصوص اودنیانی دانیمیش، رد وانکار ائتمیشلر. اونلارین فکرینجه یاخشی ویامان عملین مکافاتی آنجاق بودونیادا اولا بیلر. اونلار قرآن احکاملاری اساسیندا یاساق اولموش بیرچوخ حرام شئی لری ده مقبول وحلال حساب ائدیردیلر. اوجمله‌دن شراب ایچمگی حلال، رقص وموسقینی ضروری وفایدالی سایییردیلار. نقطه‌وی لرین فکرینجه بودونیادا موجود اولان هربیروارلیقین

---

۱) باخ تقی‌الدین محمداوحدی بلیانی "عرفات العاشقین" درشرح‌حال فضل الله نعیمی استرآبادی حروفی متخلص به نعیمی.

ذره‌لری ابدی اولاراق یاشاییر. آنجاق بوذره‌لر دائما اوز شکل لرینی دگیشیر، تغییرماهیت وئریر. مثلا تورپاق دان بیتگی، بیتگی دن حیوان یارانیر. صونرادا حیوان اؤلوب، چوروییوب اصلینه قووشور، تورپاغا چئوریلیر وبو جریان متمادیا دایانماز- دورمادان تکرار اولونور و تسلسل دؤورو کئچیریر. محض اونلارین بوکیمی دوشونجه وعقیده‌لرینه گؤره اونلارا تناسخیه آدی دا وئرمیشدیلر. حتی آللاهی انکارائتدیک لرینه گؤره اونلارا زندیق آدی دا وئریلمیش و ملحد اعلان اولونموشلار. مرتد ساییلمیشدیلار. (۲)

اونلارا اونا گؤره نقطه‌وی لر دئیه‌رلرمیش کی، بوطریقتین بانی سی محمودا گؤره هر شئی تورپاقدان یارانمیشدیر. تورپاق و اونون واحدی یئر کوره‌سی ده نقطه شکلینده دیر وبوتون یئراوزه‌رینده کی‌لر واحد اولمالی دیر. بودورکی نقطه اونلارین طریقتی‌نین رمزی، سمبولوو تظاهرو کیمی گؤتورولموشدور. نقطه یئرکوره‌سینی تمثیل ائتمیشدی.

بوفرقه‌نین ائولنمه‌ین لرینه واحد، ائوله‌نن لرینه ایسه امین دئیرلرمیش، عقیده‌لرینه گؤره یاشادیقلاری محیط وشرایط ده هله‌لیک ائولن مه‌مک، ائولنمکدن یاخشی دیر، مصلحتدیر. البته بوداونلارین‌نظره دوتدوقلاری قیام وعصیانلا علاقه‌دار اولموشدور. اونلار هرکامل بیرانسانی مرکب مبین (دؤرد عنصرون آدی) آدلاندیریب. اونلاین فکرینجه بوواختا قده‌ر آللاه آدلانان ذات ائله بومرکب مبین یعنی انسانین اؤزودورمحض بوناگؤره‌ده اسلامین اینام وشهادت چاقریشی اولان لا اله الا الله عوضینه لا اله الا مرکب المبین (۳) شعارینی ایره‌لی سورموش اولورلار. اونلارین فکرینجه گؤزه گؤرونمه‌ین الله رد ائدیلمه‌لی دیر" لم‌اعبد ربا لم‌یره "حکمونو وئریب یاماقا باشلامیشلار.

ویا نستعین بنفسک الذی لا اله الا هو (اؤزوندن کؤمک دیله اوندان باشقا قوه یوخدور) شعارینی بسم‌الله‌الرحمن الرحیم یئرینه یاماقا چالیشیردیلار.

---

۲) باخ: بستان المذاهب. بمبئی چاپی ۱۲۶۲ هـ.ق - سککزینجی تعلیم

۳) بقطه‌ویان یا پسیخانیان. ازصادق کیا تهران ۱۳۳۰ ص ۳۳

۴) کلمات مکنونه- مولانا محمدالمدعو بحسن الفیض قدس - چاپ بمبئی رجب ۱۲۹۶ هـ.ق ص ۴

البته بوکیمی الحادی و مرتد تفکر دوشونجه‌لر ،مدعا وملاحظه‌لر عصیانا حاضرلیق لار بوزمان حاکمیت باشیندا دوران توپال تیمورون اوغلو شاهروخون همده دولت منافعینه جور گلمیر .ائله‌جه‌ده اسلامیت خادملری وروحانی باشچیلاری وبیرسؤزله اسلام دینی اوچون صون درجه تهلکه‌لی ،دهشتلی ودوزولمزدیر .بودورکی ،چوخ احتمال دؤورون حکمدار شاهرخون امری ایله ۸۳۱ ـ نجی ایلده محمودپسیخانی اؤلدورولموش ، اونون آردیجیللاری وهوادارلاری دا شدتلی صورتده تعقیب اولونوب اله کئچه‌ن لران آخیر جزایا یعنی اؤلومه محکوم اولموش لار .تذکره‌چی‌لرین یازدیغینا اساسا محمودون جسدینی تیزاب کوپوندا تاپمیشلار و اونون نئجه اؤلدورولمه‌سی دقیق صورتده بللی دگیلدیر .

محمودون اؤلومونه ،اونون سلاحداش ومسلکداشلارینی چوخونون دوتولوب اؤلدورولمه‌سینه ،تشکیلاتلاری نین داغیلماسینا باخمایاراق ،هره‌سی گیزلی واوجقار نقطه‌لرده اؤز فعالیتنه دوام ائتدیریر .تورکیه‌ده هندوستان ایرانین مرکزی شهرلرینده اوجمله‌دن یزده ،شیرازدا ودیگر شهرلرده نقطه‌وی لیک اؤزسیاسی وعصیانچی فعالیتینی دوام ائتدیریر . صفوی سلاله‌سی سلطانلاری ،لاپ شاه اسماعیلدان باشلییاراق بیرینجی شاه عباسه قده‌ر بوتون بواوزون مدت عرضینده نقطه‌وی چی لیک تعقیب اولو ـ نور ،اونون آردیجیللاری ،توتولوب ،آخیر جزالارا معروض قالیب ،قتلو غارته معروض قالیرلار .نهایت بیرینجی شاه عباس دؤورونده بومبارزه داها کسکین وشدتلی اولوب ،نقطه‌وی لرین کؤکو کسیلیر وچوخ احتمال کی ،اونلارین یازیلی اثرلری نه‌وارایمیش سه ،یاخیب یاندیریلیروا ونلارین سیاسی ،کوتله‌وی ،مسلک وطریقت مبارزه‌لرینه‌صون قویولور .

بوگروهون معین بیرقسمی هندوستانا قاچیب جلال الدین محمداکبر شاهین جمایه‌سی آلتینا سیقینمیشلار .نقطه‌وی لراؤز دؤورلرینده بیر سیرا خیالی وصنعتکار وعلم صاحبلری ایچه‌ریسینده نفوذ قازانیب ،بیر عده عالم ،منور ،رسام ،خطاط ،منجم ،شاعر ودیگر علم وهنرصاحب‌لرینی اؤز طرف‌لرینه جلب ائدیب ،نقطه‌وی چی لیگه طرف سوق ائتدیرمیشلر . اونلارین ان گؤرکملی لرینده‌ن :ایاز ،پیراحمد کاشی ،کمال اقلیدی ، درویش شراب ،شیخ ابوالفضل ،میرشریف آملی ،میرشریف نیشابوری ، میرعلی اکبرتشیهی ،محمد صفر آملی ،حکیم عبادالله کاشانی ،عبدالغنی بزدی وباشقالارینی آد آپارماق اولار .آنجاق بوتون بونلار گئنیش خلق

کوتله‌لرینین خواهشی ودین باشچیلاری نین گؤسته ریشی ایله تدریجا اؤز معاصر حکمدارلارینین امری ایله قلینجدان کئچیریلیب قتله یتیریله‌ـ میشلر .دؤورون مسلمان و مخالف عالملری طرفیندن اونلارین سیاسی و مسلکی ملاحظه‌لری والحادی گؤروشلری آیری ـ آیری رساله‌لر وکتابلار واسطه‌سی ایله رد ائدیلمیشدی .(۱)

شاه عباسین کوره‌کنی داماد لقبی آلان سید محمدباقر الدامادالحسینی "جذرات (۲)" آدلی اثرینده نقطه‌وی لره کسکین اعتراض ائدیب جدی هجوما کئچمیشدی .اونلارین بوتون مدعالارینی رد ائدیب ،دونیا گؤروشلرینی افشا ائتمیشدی.گؤرونور شاه عباس دؤورونده سرای محیط‌ـ ینده اولان روحانی باشچیلاری وشریعت خادملری جدی صورتده پسیخانی‌لره قارشی مسلک وعقیده واینام میارزه‌سی آپاریب ونهایت حکمدارلارین الی ایله اونلاری صون نفرلرینه قده‌ر محو ائدیب ،یازیا آلینمیش‌اثر لری نین مهم بیرحصه‌سینی یاخیب ،یاندیرمیش ،آرادان آپارمیشلار .

بیرقده‌ر صونرا تقی الدین محمد اوحدی بلیانی اؤزونون "عرفات عاشقین " آدلی اثرینده نقطه‌وی لرحقینده آغیرتنقیدی وافشا ائدیجی ملاحظه‌لر سؤیلویوب .اونلارین یالنیش مدعالارینی علمی جهتدن ردائتمگه چالیشمیشدیر .

بو یاخینلاردا افغانستاندا "انجمن تاریخ افغانستان "آدلی بیر تشکیلات طرفیندن چاپدان چیخمیش "ملاتیان ،صوفیان وجوانمردان(۳) " آدلی بیرعرفانی اثرده تصوف ،اخی لیک ،جومردلیک ،وملامتی لرحقنده اونلارین تاریخی،تشکل تاپیب ،میدانا چیخما سبب لری،فعالیت ومبارزه لری و هدف لری حقینده گئنیش ایضاحات وئریلیب ،علمی،جدی ملاحظه‌لر سؤیله‌نیلمیشدیر .بو اثرده نقطه‌وی لرین دونیا گؤروشو وطریقت ملاحظه لرینی جدی ومنطقی کسکین تنقیده معروض قالمیش،اونلارین پوچ مدعا لاری باللتالانمیشدی.مؤلف ا x ـ نجی هجری قمری ایلی‌نین مؤلفیدیر .

هجریّ اون بیرینجی عصرین دیگر بیرمؤلفی محمدبن محمود دهدار

---

۱) دکتر صادق کیا ـ نقطه‌ویان یا پسیخانیان ص ۲۴۰

۲) السیدمحمدباقرالدامادالحسینی .جذوات . بمبئی ۱۳۰۲ هجری قمری

۳) کتابین بیرنسخه‌سی مسکو شهری نین لنین کتابخانه‌سی نین شرق بؤلمه‌سینده ساخلانیرکی،بیزاورادان استفاده ائتدیک .

اؤزونون "نفایس الارقام[1]" اثرینده نقطه‌وی لرباره‌ده یازیر: " ....
آللاهی انکار ائده‌ن ایکینجی طایفا تناسخیه ملحدلری دیرلر کی، اؤز
لرینی نقطه‌وی لر آدلاندیریرلار. اونلار اشیانین مبدأینی ذات مربع
(دؤرد عنصر) آدلاندیریب اونو انسان روحیله علاقه‌لندیریرلر. اؤزلر-
ینی آللاه بیلیب سؤیلویورلر. اونلار دئیرلر: "هرکس اؤزونو تانیماد -
یغینا کوله (قول) دیر."

"دبستان المذاهب[2]" اثری نین مؤلفی نقطه‌وی لر حقینده یازیر:
"محمود ۱۶ کتاب و ۱۰۰۱ رساله قلمه آلمیشدیر. اودا فضل الله کیمی
قرآنی ایسته‌دیگی کیمی تفسیر ائتمیش، اونو اؤز فکرینه، اؤزدوشونجه
سینه واؤز هدفینه اویغونلاشدیریلمیشدیر. نقطه‌وی لره پسیخانیلر،
محمودی لرده دئیرمیش، مسلمانلار اونلاری ملحد سانیب، تکفیرائتمیشلر
چونکی اونلار آللاهی، بهشتی، جهنمی، وعمومیتله اودونیانی دانمیشلار.
اونلارا گؤره یاخشی - یامانین جزاسی ومکافاتی آنجاق بودونیادا اولا
بیلیر و... سؤیلمه میشلر".

باشقا بیریئرده یازیر:

"نقطه‌وی لرشریعت قانونلارینی پوزور، حتی شراب ایچمه‌گی بیله مباح
بیلیرمیشلر، اونلاری عقیده‌لرینه گؤره تناسخیه ده آدلاندیرمیشلار.
چونکی اونلارین فکرینجه بودونیادا موجود اولان هربیرشئی، هربیر
وارلیقین ذره‌لری ابدی اولاراق یاشاییر، آنجاق دائمی اولاراق اؤز
شکلینی دگیشیر، جماددان، نباتا و نباتدان حیوانا تبدیل اولور.
بوایش تداول ده اولوب، ابدی اولاراق تکرار ائدیلیر."...

نهایت اصل تصوفون منفی بیرقولو اولان نقطه‌وی لیک گئنیش کوتله
لر طرفیندن ائله‌جه اؤز دؤورونون سیاسی، اجتماعی، مذهبی دایره‌لری
طرفیندن مقبول حساب ائدیلمیر، عکسینه عمومی تنفر وانزجار سایه‌سیند
ریشه‌کن اولوب سیرادان چیخیر وبوگون قورو بیرآددان باشقا اوندان
هئچ بیرایز، بیر اثر وعلامت قالمامیشدیر.

***

بوتون بوقلمه آلدیقلاریمیزدان نتیجه چیخارماق اولارکی، شرق

---

۱) نفایس الارقام. ص ۲۵ مجلس شورای نین خطی نسخه‌سی.
۲) دبستان المذهب. تعلیم هشتم.

اؤلکه لرینده ،مخصوصا اسلامیتده ن صونرا شرق ده و غرب ده بوتون اسلام عالمینده ،علی الخصوص یاخین و اورتا شرق ده صوفیسم جریانی سیاسی، دینی ،اجتماعی جریانلارین ان گوجلو وشدتلی دالقالاریندان بیریسی اولوب ،عصرلر بویو مختلف مضمون وشکل لرده اورتایا چیخیب مثبت و منفی فعالیت لر گؤسته ریب مفکوره وی ،انقلابی ،اخلاقی،اجتماعی،سیاسی، وطریقتی تعلیم وتربیه لر وئریب ،عصیانلار قالدیریب ظلمکارلیق و زوراکیلیقا قارشی قیاملار یارادیب ،عقیده ومسلک اوغروندا قوربانلار وئریب و بوتون بونلاردان مقصد انسان طالعی،انسان آزادلیقی،انسان سعادتی اولموش،انسان عشقی،انسان محبتی الهی عشق وآلهی محبتین رمزی کیمی گؤتورولموش ،نهایت انسان روحونون تصفیه اولوب آللاها قووشماسی اونلارین صون ویوکسک ایستهک و آمالاری اولموشدور. اصل تصوفون آردیجیللاری هله ده اؤز فعالیتلرینی دوام ائتدیرمکده دیرلر.

تصوف ادبیاتینا گلدیکده قید ائتمه یک ،یاخین واورتا شرق ادبیاتیندا تصوف تاثیری حدودسوز درجه گوجلو و مؤثر اولموشدو. صوفی ادبیاتی اؤزونه مخصوص بیرداییره ده ،اونو درک ائدیب دویانلار آراسیندا گئنیش وجدیتاثیر گؤسته ریب ،نتیجه ده اجتماعی حیاتدا درین ایز بوراخمیشدی.بیرتاریخی ضرورت کیمی اورتایا چیخمیش،اؤز رولونو اوینامیش و اوینا ماقدادیر.بیزجه تصوف لا ادبیاتین علاقه سینی، عرفان وتصوفون انسان روحونون تصفیه سینده رولونو ،متصوف ادبیاتدا علی الخصوص شعرده تصوفون تاثیرینی ،اورتا عصرلرده یارانان یاخین و اورتا شرق شعرینده تصوف و عرفان ادبیاتینی آرایب ،قیمت له ندیرـ یلمه سی قارشیمیزدا بیرواجب ،ضروری مسئله کیمی دایانمیش،دورموشدور. بونسوز اورتا عصرلرین شعرو ادبیاتینی دوزگون درک ائتمک چتین،بلکه ده محالدیر.همی ده اونلارین دوزگون ومقصده اویغون ومثبت تجربه ـ لریندن نتیجه آلماق اولماز .

حضرت محمّد(ص) ین اؤگود لری

لَیْسَ مِنّی اِلاّ عالِمٌ اَوْ مُتَعَلِّمٌ

بیلیکلی و اؤگره‌نجی‌دن باشقا کیمسه مندن دگیل .

لا اَجْرَ اِلاّ عَنْ حِسْبَتِهٍ وَلاعَمَلَ اِلاّ بِنِیَّتِهٍ

اخر خلوصه‌گؤره و عمل نیته گؤره‌دیر.

لا ایمانَ لِمَنْ لا اَمانَةَ لَهُ وَلادینَ لِمَنْ لاعَهْدَ لَهُ

امین اولمایانین و ایلغار توتمایانین دینی یوخدور.

لا تَحْرِقَنَّ عَلیٰ اَحَدَ سِتْراً

کیمسه‌نین اؤرتوسونو یئرتمایین (سرینی آچمایین)

لاتُخیفُوْا اَنْفُسَکُمْ بِالدَّیْنِ

اؤزونوزو بورجدان قورخوتمایین .

لاتَتَمَنَّوُا لمَوْتَ

اؤلوم دیله‌مه‌یین .

لاتَجْتَمِعُ خَصْلَتانِ فی مؤمِنٍ : اَلْبُخْلُ وَالْکِذْبُ .

مؤمن ده ایکی صفت اولماز: گیجیک و یالان .

لاتَرُدّوْا السائِلَ وَلَوْ بِشِقّ تَمْرَةٍ

دیلنجی‌یه بیر شئی وئرین ، خرمانین یاریسی‌دا اولسا .

لاتَرُوعُوا الْمُسْلِمَ فَاِنَّ رَوْعَةَ الْمُسْلِم ظُلْمٌ عَظیمٌ

مسلمانی قورخوتما

مسلمانی قورخوتمایین ،چونکی مسلمانی قورخوتماق بؤیوک ظلم‌دور.

لاتَشْرَبُوا الْخَمْرَ فَاِنَّها مِفْتاحُ کُلِّ شَرٍّ

چاخیر ایچمه‌یین کی، بوتون پیسلیکلرین آچاری دیر.

لاتَغْتابُوا الْمُسْلِمینَ وَلاتَتَّبِعُوْا عَوْراتِهِمْ

مسلمانلارین غیبتین ائله‌مه‌یین و اونلارین عیبلرین آختارمایین .

لاتَغْضَبْ فَاِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ

غضبلنمه ، غضب فساد تؤره‌در.

لاتَقُومُ السّاعَةُ حَتّیٰ یَکُونَ الزُّهْدُ وَالْوَرَعُ تَصَنُّعاً

قیامت قوپمایاز تا او وقته‌جن کی زهد وتقوی یالانجیق دان اولماسا

ترجمه‌ائدن: جواد هیئت

آنا دیلیمیز و ملی‌وارلیغیمیز اوغروندا خاطره‌لر:

(۴)

م.ع. فرزانه

مدرسه‌دن خاطره‌لر بیز، متوسطه‌ده اوخودوغوموز ایللر، و اوایللردن داها قاباق،بورادا آذربایجانلی‌معلملرو مدیرلرایله‌برابر، آرا- سیرا فارس‌مدیرومعلملرده وارایدی. بوفارس‌مدیرومعلملرین نه‌اوچون اؤز یورد- یووالارینی بوراخیب‌آذربایجاندا ایشله‌دیکلری هئچ زمان و هئچ‌کیمه‌مسئله‌ایجاد ائتمزدی، اولابیلسین کی،بونلار ایشه‌آلینانلار آذربایجانا گلمک اجبارینداقالمیشلار.لاکن اونلارین بورادا یئرلیلرله داورانیشی گؤزه‌چارپان بیرمسئله‌ایدی. بومدیر ومعلملرین بعضیلری باشی‌آشاغا،اؤز ایپی‌نین اوستونده‌دوران آدامدیلار. بونلار، نه آذربایجانلیلارا تاریخی‌وملی‌هویت‌قوراشدیرانلارلا سس‌سسه وئریر،نه‌ده بیزه‌و بیزیم‌ملی‌وارلیغیمیزا یوخاریدان باخیردیلار. پیسدن- یاخشیدا درسلرینی‌دئییب اوتورووردولار.اما، بونلارین بیرپاراسی، سؤزون دقیق معناسیندا، بورنو یئللی‌بیر مستعمره‌چی‌نین مستعمره‌ده آپاردیغی‌تحکم و هارت- هورتلا داورانیردیلار. بونلار هامینی لاغا قویور،جماعته یوخاریدان باخیر و تهراندان گتیردیکلری "شوونیستی‌سیستمی" یئرلش- دیرمک اوچون دیسیپلین خشابی‌ایشله‌دیردیلر.

آذربایجانلیلار بیرینجی‌روحیه‌ده اونلارا یئرلی یئرینده حرمت بسله‌دیکلری حالدا،ایکینجی‌جور تشبثاتا ال آتانلارلا باش- باشا قویور و یئری گلنده اونلارین قاباغینادا چیخیردیلار.

یاخشی یادیمدادی، بیرگون بوتون مدرسه‌اوشاقلارینی، قیزلی‌اوغلانلی نه‌بیلیم‌هانسی"جشن" دن ساری رژه‌گئچمک اوچون تبریزین سربازخانا میدانینا یییغمیشدیلار. رژه ساعات‌دؤرددهباشلایاجاق ایدی،اما ساعات اون ایکی‌دن اورایا گتیریلمیش‌اوشاقلارا یئرلریندن ترپنمگه اجازه وئریلمیردی . اوشاقلاردان چوخو گونون شاخلوسوندا برک سوسامیش،بیر چوخلاری‌دا سوباشینا گئتمک احتیاجی‌تاپمیشدیلار. اما،میداندا نه سودان، نه‌ده توالت‌دن هئچ‌بیرنشان یوخایدی .چوخ اویان- بویانا باش ووراندان صونرا،اوشاقلار چاره‌سیز ورزش معلملرینین بیرینه متوسل اولدولار. اودا بیرمدت اویانا- بویاناقاچیب، بو سروانی

او سرهنگی گؤرندن صونرا قاییتدی و سوسوز اولانلارین بئش-بئش‌گئدیب سو ایچیب قاییتمالارینا راضیلیق آلدیغینی‌بیلدیردی. بیرینجی‌بئش نفر صفلردن آیریلیب اوطرفه‌گئتمکده ایدیلرکی،بیردن"تربیَت بدنی" مسئول-لارینداندن آقای شایسته‌های باسدی :

- باشمام ،کجا دارین میرین،کی‌بشما اجازه‌داد ازصف خارج بشین ؟

سویاقاچانلار کوْر- پئشمان قاییتدیلار ودئدیلرکی:اجازه‌آلیب سوایچمگه

- فکر کردیدا ینجا خونه‌ی خاله‌ست ،اینجا سربازخونه‌ست ،اگه ازتشنگی‌هم بمیرید، حق ندارید از جاتون تکان بخورید.

اوشاقلاردان بیری اونون قاباغیناچیخدی :

- آقای شایسته ،درسته اینجا سربازخانه‌است ،ولی‌ماکه‌هنوز سربازنیستیم. شماخودتان جلوآفتاب چندساعت میتونیدتشنه‌بمانید؟

آقای شایسته قارا عینگی‌نین آلتیندان اوغلانی باشدان آیاغا سوزدو،

- فضولی‌موقوف ،بجای خود...

قاش- قاباغینی تؤکوب باغیردی :

- فضولی‌موقوف ، بجای خود...

بو سؤز آقای شایسته‌نین آغزیندان چیخارچیخماز دالی‌صفلردن بیرقالین سسین جینگیلتی‌سی هاوانی‌یاردی"**عمو ،سخت نگیر**" ،اونون دالینجادا ایکی اوچ مین اوشاغین بیرسسله‌گولوشمه‌سی‌آقای شایسته‌نی اوزدن آپاردی. او، قویروغو دالیناداگه- داگه اوردان اوزاقلاشدی.

منیم‌یانیمدا دوران اوشاقلاردان بیری کنایه‌لی‌سسله‌دئدی :

- غریب ایتین قویروغو هاردا گرک ؟

اوبیریسی جواب وئردی :

- ایکی قیچی‌نین آراسیندا.

اوچونجو آرتیردی :

- بس‌نیه‌بیزده علم‌دی ؟

دوردونجو سؤزه قاریشدی :

- آخی تبریز "غریبه‌دوشر" دی.

اونلارین‌هئچ بیرینی‌تانیمیردیم ،اما اؤز آرالارینداد انیشدیقلاری یئرلی- یاتاقلی آتماجا فکریمه‌یئر ائله‌دی، جانیما یایلدی...

گئجه‌ائوده ، سربازخانادا اولوب- گئچنلری نقل ائده‌نده ،اوشاقلارین اوره‌گه‌یاتان بو آتماجاسینی دا سؤیله‌دیم ،آتام‌معنالی- معنالی

گولومسه‌دی و اوشاقلارین بو ایشیندن دریندن خوشلانیرکیمی دئدی:

آخ‌بو اوشاقلار نئجه‌بد ذات دیلار- لاپ دئیه‌سن جین کیمی‌بیر زاد دیلار!

ایللر بوماجرادان صونرا ، من آقای شایسته‌ایله‌ایکینجی دفعه ده ۱۳۲۶ - نجی‌ایلین باهارییندا اوز به اوز گلدیم. آذربایجانین قارا ودهشتلی‌گونلری‌ایدی. دار آغاجلاری هله‌شهرین آراسیندا تازا قوربانلیق گؤزله‌ییردی. هریئره اؤلوم توزو قونموشدو. تالانمیش وقیزیل قانا بویانمیش آذربایجانا سوخولان "فاتحلر" چمدانلارینی دولدورماقدا ایدیلر "شاه "تؤره‌تدیگی‌جنایتلری و تؤکدوگو ناحق قانلاری گؤرمک اوچون"آزاد اولموش" آذربایجانا گله‌جک ایدی .اوندا ، من تبریزین"تربیت "کتاب- خاناسیندا ایشله‌ییردیم. کتابخانا ایندی کیمی دانشسرایا یا پیشقلی- ایدی . دانشسرا میدانیندا "ابراز احساسات شاهدوستانه ومیهن پرستانه" اوچون بیر ییغینجاق اولاجاقدی . بیرهفته‌ییغینجاغا قالمیش میدان بو ایش اوچون حاضرلانیردی. بیرگون"ابراز احساسات" قالمیش من ناهاردان صونرا ایشه‌قاییدانda کتابخانانین همیشه‌ساکت و حینقیرچیخمایان سالونوندا برک های - کویه‌شاهدا ولدوم. های - کوی ائدنلرین بیری کتابخانانین قوجا خادمی‌ایدی،اما اوبیریسی طرف‌کیم‌اولساگرک ؟آقای شایسته‌ایدی! هرایکی‌طرف اؤزوندن چیخمیش،آغیزلارینا گله‌نی بیری ببر- لرینه‌دئییردیلر. من بیرینجی نوبه‌ده‌خادمی‌بیرطرفه‌چکیب ساکت ائله‌مگه چالیشدیم. او، بیرآز اؤزونو تاپاندان صونرا اوندان های - کویون علتیی سوروشدورم. او ،دئدی:

"بوگون بوآدام ناهارچاغیندان منی‌ایشیمدن - گوحومدن ائله‌ییکی گرک من کتابخانانیی هرطرفین بازرسلیک ائده‌م. او، حیطدن ناشلاییب آشاغیداکی سو آنبارینا ،کهنه‌میز- صندللر ییغیلان بئره ، قفسه‌لرین دالینا ،گنجه‌لرین ایچینه‌باخیب ،ایندی ده دئییرکی،گرک نردوان گتیره سن ،چیخیب شیروانی‌نین آلتینا باخام. دئییرم نردوانی هاردان گتیریم؟ دئییر، نردوان گتیرمه‌سن سنین اؤزونو نردوان ائدیب‌چاخاجاغام ... صونرا من آقای شایسته‌یه‌یاناشدیم. آقای شایسته رنگی‌قبزارمیش، دوداقلاری تیتره‌ییردی. او ،منیم‌خادمله‌دانیشماغیمدان سرشئیلرسئزمش کیمی منه یؤنلدی :

- آقا ، شما مسئول اینجا هستید؟

- تقریبا .

ـ آقا ،این کیه اینجا کاشتید ،این اصلا زبان حالیش نمیشه .
ـ نه ، او زبان شما را حالی‌نمیشه ، نباید‌هم‌حالی‌بشه ، شما مگه‌ساعت‌کار اینجا را نمیدونید؟ آمدید مزاحم‌استراحت پیرمرد شدید ، حالاهم بیخودی دور برمیدارید .

آقای شایسته گوجو گلدیکجه باغیردی :

ـ من دور برمیدارم؟ حالا بهتون نشون خواهم‌داد!

او ، دؤنوب ،قویروغو دالینا دگه ـ دگه اورادان اوزاقلاشدی .من اونون دالینجا باخدیم ، خیالیم ایللر دالییا ، سربازخانا میدانینا قاییتدی.

ایستر ـ ایسته مز اوشاقلارین دئدیکلری آتماجا یادیما دوشدو :

"غریب ایتین قویروغو هاردا گرک ؟...."

ایندی ، اجازه‌وئرین بورابطه‌ده ، منیم‌اؤز باشیماگلن بیرماجرانی‌دا سیزه‌دانیشیم :

۱۳۱۹ـ نجوایل،من ۹ـ نجو کلاسدان امتحان وئرمه‌لی‌ایدیم . بوایللرده ۹ـ نجوکلاسین امتحانی"رسمی" آلینیردی. امتحانلار تهراندان گؤنده‌ریلن "رئیس امتحانات "ین نظارتی آلتیندا گئجیریلیر وبیرچوخ حـــــاللاردا سؤاللاردا مرکزدن گؤنده‌ریلیردی . او ایل ۹ـ نجوکلاسین امتحانـــلاری اوچون طالبیه‌نی(جمعه مسجدی) نظرده‌دوتموشدولار . جمعه مسجدده ایکـــی بؤیوک مسجده :بیری سوتونسوزمسجد ،او بیری ده‌پله‌کانلی‌مسجده ردیـــــف نیمکت دوزموشدولر . امتحان ناظرلری عموما دولتی‌مدرسه‌لرین‌معلملرینـ تعیین ائدیلمیشدی. ناظرلرین‌ایچریسینده بیرنئچه‌فارس معلمده وارایدی. بو فارس معلملردن اوچو ، بیری‌ادبیات معلمی‌گرکانی ،بیری نقاشـــــلیق معلمی‌شهابی وبیری ده دانشسرانین سرپرستی‌عدیلی، بؤلگوده پله‌کانلی مسجده‌دوشموشدولر . من ده بومسجدده امتحان وئرمه‌لی‌ایدیم . اوشاقلار جلسه‌یه‌یول وئریلمه‌دن ناظرلر قاپی‌نین قاباغیندا صف‌چکیب دورموش ـ دولار . امتحانات رئیسی ناظرلرین آراسیندان بو اوچنفری(لابدفـــــارس اولدوقلاری‌اوچون یاهرنه‌ایسه) شاگردلری یوخلاییب ،جلسه‌یه بوراخمـــاق اوچون سئچدی. اونلاردان ایکیسی ،یعنی گرکانی‌وشهابی‌چوخ‌عادی حالدا وبیر آزدا احتراملا اوشاقلاری امتحان جوازینا یاپیشدیریلمیش عکس ایـــــله یوخلایير ،اونلارین‌للرینده‌کی‌دوات ،قلم‌و ال آلتی‌مقوایا اؤتهری نظـــر سالیب ایچری بوراخیردیلار . اما ،مسجدین آستانا سیندا دورموش آقـــای عدیلی هئچکسی بو آسانلیقلا بوراخمیردی. او ، امتحانچیلاری بیربه‌بیـــر

باشدان آیاغا سوزور، بیرمتهمی زندانا سالاندا اونون هریئرینی آختارد- یقلاری کیمی اوشاقلارین جیبلرینی و اویان - بویانلارینی گزیر، حتی بعضیلری نین باشماقلاری نین ایچینه کیمی باخیردی. بئله بیراهانتلی "آختاریش" دان صونرا، اوشاقلار هرحالدا جلسه یه گیریب هربیری اؤزیئرین تاپیب اوتوردولار. ناظرلرده هرکس اؤز مسئول اولدوغو قسمته گئچدی. اما، آقای عدیلی نین "نمایشی" هله قورتارمامیشدی. او، بیرصندلی یه دیرمانیب، هامی نین توجهی نی قازاناندان صونرا، مسجدین حیطینده بؤیوک قارا خط ایله یازیلیب یاپیشدیریلمیش "مقررات امتحانی" نی بیر داها باشدان آیاغا خیردالاماغا باشلادی. صونرادا هرکسین باشی اؤز ایشینده اولدوغونو، هئچ طرفه باخمادیغینی، ساغا - صولا آخمادیغینی، یئرینه دن قالخمادیغینی وبیرچوخ بوکیمی تاپشیریقلار وئردی. او، بونادا کفایت- لنمهییب آرتیقدان آرتیغا گؤز قورخوسو وئرمک اوچون "ائله میکنم، بئله میکنم" خشابی نی دا ایشلتدی. اونون بو حرکتی هله ناظرلرین سیماسیندا آجی بیر گولونج و استهزا یا یئر آچماسی بیرطرفده دورسون، امتحان تشویشی ایله ال بایاغا اوشاقلارین دا چوخونو معنالی معنالی بیر- بیرینه باخماغا، و خیسین - خیسین گولمگه وادار ائدیردی.

سوالللار وئریلدی، اوشاقلار باشلاری آشاغا یازماغا مشغول اولدولار. ناظرلرده هرکس اؤز قسمتینده دایانمیشدی. اما، آقای عدیلی هئله ده یئللی ایدی. او، گئدیر، گلیر، گاهدان آیاق ساخلیر، بیرینه اوزبه اوزده ن اوبیریسینه یاندان گؤز قویور. من ورقه نی یازا یازا آتدان آتدان اونا باخیر، هم آجیغیم توتور، هم ده بیر کمدی فیلم تماشا ائدیرکیمی خوشلانیر- دیم. ورقه لرینی یازیب قورتارانلارا آقای عدیلی نین نشان وئردیگی یول ایله، باشلارینی اویان - بویانا چئویرمه دن جلسه دن چیخیب گئتمه لی- ایدیلر. من ده سئوالللاری یازیب ورقه نی وئرمک اوچون آیاغا قالخدیم منیم آیاغا قالخماغیملا کاسکتیمین نیمکتین اوستوندن فیرلانیب یئره دوشمگی بیر اولدو. کاسکت دیغیرلاندی، ساغ طرفده کی نیمکتین آلتینه دا دوردو. نیمکتده اوتوران اوغلان بؤرکو گؤتوروب منه وئرمک ایسته ینده من "او، یئرینده دورماسین" دئیه، ایره لیله ییب الیمی بؤرکه طرف اوزاتدیم. هله الیم بؤرکه چاتمامیشدی، آقای عدیلی منی آیاق اوسته گؤرن کیمی اوزاقدان هایلادی "**شما همونجا باش**" و جلد اوستومه یومولدو:

- شما اونجا چه کار داشتید؟

ـ کاری نداشتم ،میخواستم‌کلاهم‌را بردارم .
ـ کلاه شما اونجا چه‌کار میکرد؟
ـ خوب ، افتاده‌بود دیگه .
ـ افتاده‌بود یا خودتان عمدا انداخته‌بودید؟
ـ انداختم‌که‌چی؟
ـ حالا معلوم‌خواهدشدکه‌چی!

او ، بو سؤزلری دئیه‌ـ دئیه‌باشلادی باشدان منیم قولتوق جیبلریمی ، صونرا ، یان جیبلریمی،آخیردادا شالوار جیبلریمی‌گزمگه . قان باشیما وورموشدو ،اؤزومدن چیخمیشدیم ،امتحان جلسه‌سینده اولدوغومو بئللە اونوتموشدوم . او ، شالوار جیبیمده‌بیرشئی‌الینه‌توخونموش‌کیمی اونون نه‌اولدوغونو یوخلاماق اوچون اوبیری الیندن کؤمک آلدی. من دارتی وئریب‌اؤزومو دالی‌یا چکدیم‌و ایسترـ ایسته‌مز بیرلحظه‌ده آغزیمدان قاچدی :

ـ اونجا تقلب‌گیرتان نمی‌یاد ، چیز دیگه‌گیرتان می‌یاد .او ، دیسکینن کیمی اللرینی‌چکدی و اؤزوندن چیخمیش‌حالدا هایقیردی:

ـ چی‌گفتی ؟ ـ گفتم...

دالیدان قوتلی‌بیر ال آغزیمی‌قاپایيب‌دانیشماغیما مانع اولدو. چؤنوب‌باخدیم ،نقاشلیق معلمی شهابی‌ایدی. دئمه مرافعه‌نین اولیندن اوردا ایمیش . او ، منی بیرطرفه‌چکه‌ـ چکه‌عدیلی‌یه‌طرف چؤنوب‌دئدی :

ـ ایشان ازشاگردان خوب مدرسه‌هستند ،اهل این حرفها نیستند ،حتما سوء تفاهمی‌پیش‌اومده...

او ، بو سؤزلری دئیه‌ـ دئیه‌منیم بؤرکومو آلیب‌باشیما قویدو ،اؤزوده موده گتیریب‌قاپی‌دان یولا سالدی. او ، عصبانیت‌حالیندا آغزیمدان قاچان آخرنجی سؤز باره‌سینده هئچنه دئمه‌دی.

من جلسه‌دن چیخاندان صونرا ، او سؤزون اختیارسیز آغزیمدان چیخماسیندان اؤزوم اؤزومدن اوتاندیم . فکرله‌شیردیم ،نه‌یاخشی‌کی شهابی اونو ائشیتمه‌یيب ،یوخسا هرجور اولسااونو اوزه چکردی. لاکن،ناهاردان صونرا جلسه‌سینه‌قاییداندا باشا دوشدوم‌کی، سؤز دیله‌دوشوب ،اوشاقلار گؤزآلتی منه‌باخیب بیرـ بیرلرینه‌دئییردیلر : **آنجا تقلب‌گیرت می‌یاد...**

آخشام‌جلسه‌سیندن چیخاندادا مسجدین دهلیزینده جرگه‌باغلاییب ، دوران معلملر منی‌گؤرجک گولمگه‌باشلادیلار. لابد اونلاردا منیم "شاهکاریما"

× × × ×

۱۳۱۹ـ نجوا یلده ،هله ۹ـنجو کلاسین امتحانیندان چوخ اول ،من معلم اولماق اوچون دانشسرایا یازیلماق قرارینا گلمیشدیم. او زمانلار دانشسرا بیرچوخ حاللاردا آزاد تحصیل آلماغا امکاناتی اولمایان جوانلارین سیغینا جاق یئری ایدی. بونلار چوخ آز زماندا بیرایش اله ائدیب، عائله لری نین یاشایيشینا یاردیم ائتمک اوچون دانشسرایا یازیلیردیلار من دانشسرانین حال ـ هوا سی ایله آشاغا کلاسلاردا اوخودوغوم ایللرده ن یاخیندان ـ اوزاقدان تانیش ایدیم .تبریزدن یا آذربایجانین آیری شهرلریندن بورایا قبول ائدیلمیش جوانلار اوخویور و درسلرینی قورتارا ـ ندان صونرا دا وئردیکلری تعهداسا سیندا ، اؤلکه نین اوزاق یا یاخین شهر یا قصبه لرینین بیرینده معلملیگه مشغول اولوردولار. دئمک اولارکی، او ایللرده آذربایجانی فارسلاشدیرماق سیاستی بورادا عمومی حالدا اؤزون گؤسترسه ده هله چوخ قیزغین حال آلابیلمه میشدی. دانشسرادان چیخیب آذربایجانین آیری ـ آیری یئرلرینده درس وئرمگه باشلایان جوانلار ،اویری درسلر اؤز یئرینده دورسون،حتی فارسی درسینی ده یاخشی باشا سالماق اوچون، بوتون توضیحلری تورکجه اولوردو. اما ،من ۱۳۱۹ـ نجوا یلده آدیازدیرد ـ یغیم دانشسرا بو باخیمدان وآیری جهتلردن قاباقجا گؤردوگوم دانشسرا ـ دان فرقله نیردی. بو فرقلنمه داها دوغروسو، بیر یا ایکی ایل اول دانش سرانین دؤرد اوطاقلی کهنه ساختماندان، تازا تیکیلمیش اؤزلوگونده مفصل و مجهز بنایا کؤچورولمه سی ایله باشلامیشدی. بوساختمان یاتیللی (شبانه روزی) قسمته مجهز اولدوغوندان گئجه ـ گوندوز آذربایجاندا شوونیزم یوخوسو گؤره نلری اؤزگه خیالا سالمیشدی. اونلار آذربایجانین آیری ـ آیری شهرلریندن گلن یوخسول اوشاقلاری مدرسه نین یاتیلی قسمتینه گؤتورمک عوضینه ،ایرانین اوزاق شهرلریندن فارس جوانلارینی بورایا قبول ائدیرلر بئله لیکله ده من دانشسرایا یازیلان ایللر ،اورادا شاگردلر ایکی دسته یه بؤلونوردو: دانشسرانین یاتیلی قسمتیندن استفاده ائدن فارس اوشاقلار، گوندوزلر دانشسرادا اوخویوب گئجه لر ائولرینه قاییدان آذربایجانلیلار

سؤز یوخکی،فارس منطقه لریندن قبول ولونان اوشاقلاردا چوخ حالدا یوخسول عائله لردن ایدیلر. بونلاردا عمده صورتده "**بدی حادثه**"دن بورایا پناه گتیرنلر ایدیلر. بوناگؤره ده اونلارلا آذربایجانلی اوشاقلارین آرا ـ

سیندا بوجهتدن گؤزه چارپان آیری ـ سئچگینلیک یوخ ایدی. لاکن دانشسرایا باشچیلیق ائدنلر، اؤز سیاستلریندن آسیلی اولاراق، بو ایکی دسته آراسیندا بیرچوخ تضاد وآنلاشیلماز لیقلارا یول آچیردیلار. گونده لیک ایشلرده یئرلی ـ یئرسیز فارسلارا اوستونلوک قازاندیرماق، اونلارلا دوغما، آذربایجانلی ـ لارلا اؤگئی کیمی رفتار ائله مک، اونلارین عیب ونقصانلارینی اؤرتمک، و بوبیرلره عیب قوندارماق، حتی بیرچوخ حاللاردا آذربایجانلیلاری "آداب بیلمه ین" و "غیر اجتماعی" آدلاندیرماق کیمی یاراماز وچرکین رفتار یورودوردولر.

بو رفتار، یاراماز وچرکین اولدوغو قده رده حقیقتدن اوزاق ایدی. آذربایجانلی شاگردلرین بیرچوخو اخلاق ورفتار جهتیندن نمونه ومعلملیگه یارایان آداملار اولدوغو حالدا، فارسلارین ایچینده اؤزلری دئمیشکن "ارقه" و "تله چرتمیش" لری آز دگیلدی. بونلارین ایچریسینده بعضیلری درس اوخویان اولسادا، بیرچوخلاری هئچ بیر نظم ونظاما بویون قویمایان، سوروشگن، وحتی چوخ وقتلر سسلری پاساژ میخانالاریندان ویا تبریزده اوگون عمومی ائولر یئرله شن" قره دام ـ داش" دان گلن "آداب بیلن" و "اجتماعی" آداملارایدیلار.

آذربایجاندا تبریز دانشسراسینا یازیلماق اوچون کفایت قدر داوطلب اولدوغو حالدا، بو جوانلار نه اوچون ایرانین آیری ـ آیری اوزاق شهر ـ لریندن، یزددن، کرماندان، کاشاندان، کرمانشاهدان بورایا گتیریلیردیلر؟ شبهه سیز بونلاری تبریزه گتیرمکده آذربایجانا "اخلاق" صادر ائله مک مقصدی نظرده اولماسا، بوایشدن آذربایجانی فارسلاشدیرماق سیاستینه کؤمک آلماق ایدی. بو جوانلار دانشسرادان چیخاجاق، آذربایجانین یاخین یا اوزاق یئرلرینده بیرینده معلم اولاجاق وجماعتین، خصوصیله درس اوخو ـ یان اوشاقلارین دیلینی دگیشدیرمگه چالیشاجاقلار. لاکن گولمه لی بوراسی ـ ایدیکی، بوتشبث عملده تمامیله عکس نتیجه وئردی. بونلار، دانشسرانی قورتارار ـ قورتارماز قویوب قاچیردیلار، وقاچاندا اؤزلریله آذربا ـ یجانی فارسلاشدیرماق دلخوشلوغو یوخ، بلکه اؤزلرینین تورکی اؤرگه شیب، تورکی دانیشماق دلخورلوغونو، آذربایجانی فارسلاشدیرانلارا قویوردولار.

بیز هن و منله بیرلیکده اوخویان یئرلیلر، بیرینجی درس ایلی نی بئله بیر بوغونوق شرائطده گئچیردیک. فارس اوشاقلارا یئرسیز اوستونلوک وئرمک، اونلارین دالیسینا ال چالماق، آرابیر بو اوشاقلارین اؤزلری ایله بحثلره و توقوشمالارا باعث اولوردو. بوبحثلربیرچوخ وقتلر اولدوغومو

درس محیطینده باش وئرن کیچیک مسئله‌لردن باشلار وعمومی‌مسئله‌لره چکیلردی. بحث‌هرهانکی‌نتیجه‌یه نتیجه‌له‌نیرسه ،خصوصا سؤاللارا جواب تاپمایاندا اونلار بیرطرفه‌چکیلیب "سرود " اوخوردولار. اوخودوقلاری سرود بیرچوخ وقت‌بو ایدی :

"پر ازمهرشاه‌است مارا روان ـ بدین کار داریم شاها توان
که‌جاویدیادا سرتاجدار ـ خجسته‌براو گردش روزگار..."

اما ، دانشسرانین ایکینجی درس ایلی‌هله‌باشلامامیش اوضاع بوسبوتون قاریشدی . ۱۳۲۰ ـ نجی‌ایل شهریورین اوچونده‌ایرانین شمال وجنوب ایالت‌لری متفق دولتلرین قوشونلاری طرفیندن اشغال ائدیلدی. شوونیز بایراغینی باشی‌اوستەگزدیریب "هل من مبارز!" دئییب‌باغیرانلار، بیر گؤز قیرپیمیندا دولو چمدانلارلا قاچمیشدیلار. استبدادین پایالاری لخله‌میش و ایگیرمی‌ایل سینه‌لرده حبس اولموش ناله‌لر بیردن بیره‌نعرەیه چئوریلمیشدی. مملکتین سیاسی دورومو بوسبوتون دگیشیلمیشدی.

ایکینجی درس ایلی‌باشلایاندا فارس اوشاقلاردان بئش ـ آلتی نفردن ساوای ،هامیسی قویوب‌گئتمیشدیلر. قالانلار بودفعه‌تهراندان" مهرشاه" سرودیله‌یوخ،بلکه‌بیر اؤزگه نغمه‌ایله‌قاییتمیشدیلار. اونلار بیرچوخ‌وقت گیزلینده‌ـ آشکاردا بونغمه‌نی اوخوبوردولار :

"ازچه‌ای پست‌دون همت ـ ای مایه‌ی ننگ ملت ـ اکنون نداری بجز خواری
وگرفتاری وغم، مال ملت‌خوردی ـ جان عجب دربردی..."

ایندی یئرلی‌اوشاقلاری یاتیلی‌ائتمک اوچون هئچ بیر بهاناقالمامشدی اما ، تبریز دانشسرا سیندادا ، بیرچوخ مؤسسه‌لرده‌اولدوغوکیمی هله‌ده شوونیزم‌فضاسی ساخلانیلیردی. دانشسرانین مسئوللاری بیرمدت قویوب گئدنلرین وگئدنده‌ده اللرینه‌دوشن شئیلری اؤزلریله‌گؤتوروب‌آپارانلارین یولونو گؤزله‌دیلر. اونلارین قاییتماسیندان مأیوس اولونجا یاتیلی قسمتی تعطیل‌ائتمک فکرینه‌دوشدولر و یئرلی‌روزنامه‌لر بوایشه باش قوشماییناجا یئرلی‌اوشاقلاردان یاتیلی‌قسمته‌گؤتورمگه‌بویون قویمادیلار. بو ایشه‌مجبور اولدوقدان صونرادا اللی‌نفرتوتاری اولان یاتیلی قسمته قیرخ نفردا وطلب‌قبول‌ائتمک اوچون اونلارین آراسیندا "کنکور" قویولما مسئله‌سی اورتایا چکیلدی.

بو"کنکور"یئرسیز ومعناسیز اولدوغو اوچون،یاتیلی‌قسمته داوطلب اولانلارا آغیرگلیردی. بوناگؤره‌ده داوطلبلر اول بئله‌بیر"کنکور"دا

شرکت ائتمه مک قرارینا گلدیلر، لاکن صونرا اله عنوان وئریلمه سین دئیه، بو یئرسیز "کنکور" دا شرکت ائدیب ورقه لری آغ وئرمگی، یادا، باجاردیقجا پوزغون وعلط یازماغی قرارا آلدیلار. اوبیریلردن یاخشی خبریم اولمادی، اما مسیم ورقه لریمین چوخو صفر آلمیشدی.

نیز دانشسرادا اوخودوغوموز ایللردا نشسرانین مدیری (یا اووقت تازا مد اولموش کیمی: رئیسی) معروف علی دهقان ایدی. دهقان، او ایللرده، هر یئرده اوحمله دن تهران دانشگاهیندا حاکم اولان قیزغین شوونیزم روحیه سی ایله آلبشیب صونرادا اونو عمله گئچیرمگه جان آتانلاردان ایدی. دهقان او گونه قدر گؤردوگوم مدیرلرین هامیسیندان باجاریقلی وایشه یارار آدام اولدوغو حالدا، اؤزونو وار قوه سیله فارس شوونیزمینه یاپیشدیرانلار- دان سبربسی ایدی. او، اؤزو آذربایجاندا دوغولوب، بئشیکده آناسینین شیربن لایلالاریله یوخلادیغی و دنیایا گؤز آچار- آچماز دوغما آنادیلی ابله حیاتلا الفت قاتدیغی حالدا نه دنسه، آذربایجاندا مدیرمدرسه ده ن توتموش استاندارلیعاقدر اولدوغو مقاملاردا، هریئرده اؤزملی وارلیغینا و آنادیلینه خور باخمیش واعتقاد باخیمیندان گئجه لر آذربایجانلیلاری فارسلاشدیرماق رؤیاسی گؤرنلردن اولموشدو. دهقان و اونون کیمی اعتقادلا اولان آذربایجان روشنفکر و اوخوموشلارین مسئله سی منی بیرچوخ وقتلر دوشوندورموشدو. انسان نئجه اولابیلر اؤز دامارلاریندا داشیدیغی قانا آناسی ایله دانیشدیغی، حیات یولداشی ایله دیللشدیگی، اوغلونون- قیزینین دیل آچدیغی دیله خور باخسین، اونو نه بیلیم هانسی حکومتین یادولتین بیزه گتیردیگی دیل آدلاندیرسین؟ دهقان اگر آذربایجاندا استاندار اولدوعو ایللر ایشین چوخلوغوندان، یاهردلیله گؤره قره داغی، سرابی، ساوالانی، خلخالی، نه بیلیم هارانی، هارانی دولاشابیلمه یب و اورالاردا خلقین نسلدن نسله بو دیلده دانیشدیغینی وتاریخ بویو اؤز غمبنی، حسرتینی، سئو- یجی نی و آرزولارینی بودیلده اولان مینلر و اون مینلرله یاتبلارا، نغمه لره، قوشمالارا، مثللره جالادیغینی گؤرمه یب، حتما اوشاقلقدا ارومیه ده و مراغا اطرافیندا گزیشدیگی ایللرده بونلاریس حالی نمونه لریله اوزاقدان- یاخیندان تانیش اولموشدو.

مطلبدن اوزاقلاشدیق. دانشسرادا اوخودوغوم ایللر اورادا باش وئرن حادثه لردن دانیشبردیق. دانشسرادا یاتیلی قسمتین سرپرستی نیرینجی ایل

فخرالدینی آدیندا بیرفارس معلم ایدی. کلاسلارین ادبیات و پداگوژی درس‌لری ده اونون عهده‌سینه ایدی. بوآدام خابیناتومارلایان اولسادا ،یوزدفعه قاباخدا آدینی‌چکدیگیم عدیلی‌دن یاخشی‌ایدی. اونون عادتلرینندن بیری گاهدان کلاسدا اوشاقلارین‌آراسیندا مناظره‌قویماق‌ایدی. کلاسدا ،فارسلار بیرطرفده و تورکلر اوبیری طرفده اولدوقلاری‌اوچون،چوخ‌وقت مناظره‌بوایکی طرفین آراسیندا گئدیردی. بیرگون مناظره‌اوزون چکدی. اوشاقلارین چنته‌سینده‌اولان شعرلر اوخونوب قورتاردی. فارسلاردان بیری دئدی :

ـ آقا ،محلی شعرده اوخوماق اولار؟

ـ نیه‌اولمور.

بیریسی بیلمه‌دیم‌سنگسری ، یا سمنانی‌بیرشعر اوخودو. صونرا دئدیلرشعری فارسجا یا چئویردی. گؤزه‌ل غنائی شعرایدی. بیزلردن من دئدیم :

ـ بیزده تورکی شعر اوخویا بیله‌ریک ؟

فخرالدینی بیرآز دوروخسوندو. صونرا ، اون بئش ـ ایگیرمی جوت اونون اوزونه‌تیکیلمیش‌گؤزلردن اوتانیرکیمی‌دئدی:

ـ البته ، اوخویون ،اما سیاسی‌اولماسین،غنائی‌اولسون،من ائشیتمه‌میشم ، آذربایجانی‌شعرلربن چوخو سیاسی‌دی! ایندی سیز بیرشعر اوخویون، اولی "گ" ایله‌باشلانسین...

اوشاقلار منه‌باخدیلار. من آستاجا اودقونوب اوخودوم :

گئچمه‌نامرد کؤرپوسوندن، قوی آپارسین سئل سنی

یاتما تولکو دالداسیندا ،قوی یئسین‌آصلان سنی

صونرا ،شعری فارسجا یا چئویردیم :

"ازپل نامرد نگذر ،بگذار تاسیل ببردترا

درپناه‌روباه‌نخواب ،بگذارتا شیربخورد ترا"

فخرالدینی واوشاقلار قولاقلارین شاخلامیشدیلار.

صونرا اونلاردان بیری"ی" حرفی‌ایله‌باشلانان بیرگیلکی‌شعر اوخودو. شعر "خ" حرفیله‌قورتاریردی. بیز"خ" گتیرمه‌لی‌ایدیک .باخیشلارگئنه‌منه یؤنلدی. فخرالدینی‌دئدی:

همیشه‌کی بیرنفر اولماز ، بیرآیریسی جواب وئرسین .

بیزلردن یادیمدا دگیل کیم‌دیللندی :

"حوبان شهری بیز دئییریک تاری ساخلاسین

مقصودوموز بودورکی، بیزیم‌یاری ساخلاسین"

ـ ترجمه ائدین :

"ما میگوئیم خدا خوبان شهررا نگهدارد

منظور براینست که ،یار ما را نگهدارد"

بودفعه اوطرف"ن" گتیرمه لی ایدی. بیریسی بیلمه دیم کرمانشاهی یا بختیاری بیرشعر اوخودو .ایندی بیز"ش" گتیرمه لی ایدیک . هامی بیری بیرینه باخدی بودفعه ، چاره سیز ،گئنه من دینلندیم :

"شب هجران یانارجانیم ، تؤکرقان چشم گریانیم

اویادیرخلقی افغانیم ،قارا بختیم اویانمازمی"

بودفعه شعرین ترجمه سینی ایسته ین اولمادی. ائله بیل فارس ـ تورک هامی اونو باشا دوشموشدولر. کلاسداکیلار ال مداد ـ کاغاذا ، شعری یادداشت ائتمک ایستیردیلر. فخرالدینی بوحالی گؤرونجه مشاعره نین"بس" اولدوغونو اعلان ائتدی. صونرا شعرین کیمدن اولدوغونو سوروشدو. شعرین"فضولی"دن اولدوغونو دئدیم ،اما شاعر هانکی عصرده یاشایيب ،ونه کیمی اثرلریازدیغی بیلمه دیم. بیزه اؤرگتمه میشدیلر. هله شعرین فضولی دن اولدوغونودا بیر گون چؤرکچی خانادا ، چؤرک آلدیغیم زمان، آتامین یاخین دوستو ، وصیغا قرده شی شاطرعبدالعلی دن ائشیتمیشدیم. شعرین اؤزونوده **اوندان اورگنمیشدیم**

غفاربردی نین قالانی:

ی قدر قارداشدان قدرلی یادهم

نادان دوستدان دانا دوشمان یخشی دیر (ذلیلی)

۷ـ اخلاص بیله (ایله) آغلاسانگ ، سوقور گؤردن یاش چیقار .

اخلاص بیله بیرکامله ال برگن(وئرسن)

یئتر بیرمزله ، بیتماین قالماز (مختومقلی)

۸ـ اوجاق باشی اوغولسیز ، ساچاق باشی گلین سیز .

قارداشسیزه قوت یوقدیر

اوغولسیزه دولت یوقدیر (مختومقلی)

۹ـ ایل بیله گلن تویدا بایرام .

قوچ ببگیده تویدیر بایرام

هرایش گلسه ایل بیلانی (مختومقلی)

۱۰ـ ایت هم آربیق دیعینی قورده بیلدیرمز

،البته دوشمانه سیاست یخشی (مختومقلی)

۱۱ـ ال بیله اورلان(وورولان) بقیلار قالار ،دیل بیله اورلان هئچ قالماز.

محنومقلی هرگز تاپمادی امان ـ یامان دیلینگ زهری تیغلاردان یامان.

آقای غفاربردی دن خواهش ائدیریک گؤندردیکلری شعر ومتنلرین ویا بیزه آشنا اولمایان سؤزلرین ترجمه لرینی ده یازسینلار .

اسکی تورک شعرینده وزن، شکل وقافیه

یازان : دوقتورجوادهیئت

تورکلرده شعرقوشماق عادتی چوخ اسکی‌دیر. تورکلر شعره قوشوق یا قوشقو دئیه‌ردیلر. ایلک شاعرلر "شامان" ویا دین آداملاری اولموش و اللرینده ساز لاریله ،رقص ائده‌رک شعر سؤیلردیلر. بوساز لا " قوپوز"، و اونو چالاراق شعر اوخویانلارا : اوزان،باقسی،شامان و...دئیه‌ردیلر.

اوزانلار دینی‌مراسملرده وهرایل تکرار اولان اوْو مراسمینده (صیغیر) ،هابئله ماتم‌مراسملرینده وساواشلاردا قوشدوقلاری شعرلری اوخویار وساز لاریله شعرلرین تأثیرینی قوتلندیره‌رک خلقی هیجانا گتیره‌ردیلر.

تورکی‌شعربا ره‌سینده‌ان قدیم‌نمونه ومعلومات‌چین قاینا قلارینداموجوددور. بوشعرین ترجمه‌سی‌بیزه‌معلوم‌دور و میلاددان ۱۱۹ ایلقاباق حون شاعری طرفیندن سؤیلنمیش‌دیر. بوشعر" دؤردلوک "شکلینده‌دیرو حونلارین ساواشدا یئنیلدیکلرینی و تورپاقلارینین بیرپارچاسینی الدن وئردیکلرینی آغلایاراق شرح وئریر. بو گونکو تورکجه‌میزه‌گؤره بوشعر بئله‌دیر:

" ین چی‌شان"داغی‌نی ایتیردیک
قادینلاریمیزین گؤزه‌للیگینی آلدیلار
"سی‌لان شان"یایلاسینی(فلات)ایتیردیک
حیوانلاریمیزی بسلیه‌جک یئری آلدیلار

ایکینجی تورک شعری اورخون آبده‌لرینده‌یازیلان ویوللوق تیگین طرفیندن قوشولان ۸ـ اینجی میلادی عصره‌عاییددیر.

"دیوان لغات‌تورک "ده یازی یه‌آلینان اسکی تورک شعرلریندن نمونه‌لر واردیر. بونلاردان آلپ ارتونقا (افراسیاب)مرثیه‌سی اوچون سؤیلنمیش ماتم‌شعری (صاغو) چوخ ماراقلی دیر. بو صاغو میلاددان یئددی یوزایل اول یاشامیش واسکی ایرانلیلارلا ساواشمیش تورکلرین تاریخی ـ افسانه‌وی قهرمانی افراسیاب اوچون خلق شاعرلری طرفیندن قوشولموش و اوزون قرنلر دیلدن ـ دیله‌و آغیزدان آغیزا گئچه‌رک نهایت ۹۰۰ ایل قاباق محمودکاشغری نین کتابیناآلنمشدر.

بورادا نمونه‌اوچون‌بو صاغودان بیرپارچاسینی بوگونکو تورکجه‌میزله‌بیرلیکده درج ائدیریک :

آلپ ارتونقا اؤلدی می	آلپ ارتونقا اؤلدومو
ایسیز عجون قالدی می	پیس دونیا قالدی می
اؤزلک اؤچین آلدی می	زمانه‌اوچون(انتقام)آلدی می
ائمدی یورک یئرتیلور	ایندی اورک یئرتیلیر.
+ + + +	+ + + +
اؤزلک یاراق کؤز تتی	زمانه‌فرصت‌گؤزه‌تله‌دی
اوغری توزاق اوزاتدی	اوغری توزاق (دام) اوزاتدی
بیگلربیگین آزیتتی	بیگلربیگین آزیتدی
قاچسا قالی قورتولور	قاچسانئجه قورتولار
+ + + +	+ + + +

بومنظومه‌چوخ‌اسکی‌دیر و قوتلی، احتمالاگؤره‌میلاددان قاباغاعاییددیر. منظومه بایاتیلارکیمی یئددی هجالی‌وزنله‌قوشولموش وشکیل باخیمیندان دا اسکی‌تورک شعری شکلینده ، یعنی دؤردلوک لر مجموعه‌سیندن تشکیل تاپمیشدیر. ایندی اورخون مزار داشلاریندا یازیلان گؤک تورک آبده ـ لرینده‌ن بیرپارچانی‌اله آلاق . بو یازیلار ۱۲۶۰ ایل بوندان قاباغا یعنی ایکی‌یوز ایل تورکلرین توپلو حالدا مسلمان اولماقلارینـــدان قاباغا عاییددیر.

بونجا بیتیگ بیتیگمه	بو قدر یازیلار یازان
من کول تیگین آتیسی	من کول تکین آتاسی
یوللوق تیگین بیتیدیم	من یوللوق تکین یازدیم

بیگیرمی گون اولوروب	ایگیرمی گون اوتوروب
بوتاشقا بوطامغاکوپ	بوداشا دامغا قویوب
یوللوق تیگین بیتیدیم	من یوللوق تکین یازدیم.

بوشعر یوللوق تیگین طرفیندن یازیلمیش و دیوان لغات تورک ده یئددی هجالی شعرلرین عینی‌دیر. اوچونجو مصراعین نکرات شکلنده تکرارلانماسی دا عاشق شعرینه اویغوندور. تورفان دا (شرقی‌ترکستان) کی قازمالاردان اله‌گلن یازیلار آراسیندا یئددی اسکی تورک شعری تاپیلمیش، بوشعرلر اویغور یازیسی‌ایله‌یازیلمیش و مانی دینینه‌اینانان تورک شاعرلری طرفیندن سؤیلنمیشدیر. بونلارین بیرقسمی تانری نین مدحینده‌یازیلمش وهامیسی دؤردلوکلر شکلینده، ویئددی هجالی‌دیر. نمونه‌اوچون الّهی دئدیگیمیزبیرشعردن ایکی بندی بو گونکو تورکجه‌میزله‌بیرلیکده درج ائدیریک:

تانگ تنگری کلتی	دان (شفق) تانری گلدی
تانگ تنگری اؤزی کلتی	دان تانری اؤزو گلدی
توروقلار قاموغ بیگلر قاداشلار	دورون هامی بیگلر،قارداشلار
تانگ تنگریگ اؤگه‌لیم	دان تانرینی اؤوه‌ک
گؤروگمه کون تنگری	گؤره‌ن گونش‌تانری
سیز بیزی کؤزه‌دیگ	سیز بیزی گؤزه‌تله‌یین
کؤرونوگمه آی تنگری	گؤرونن آی تانری
سیز بیزی قورتارینگ	سیز بیزی قورتارین.

بوشعر ایلک دفعه پروفسور فون لوکوک (V. Le Coq)، صونرا پروفسور رشیدرحمتی‌آرات طرفیندن نشر ائدیلمیشدیر(۱)

اویغور تورکلری نین بودائی شاعرلریندن ده بعضی شعرلر اله‌گچمیش کی، بونلارین ان مهمی"آپرینچور تیگین" آدیندا شاعرین شعرلری دیر.بو شاعردن ده‌بیر الّهی، بیرده عشق شعری نمونه‌سی درج ائدیریک:

بیزیم تنگریمیز ائدگوسی ردنی تییور
(بیزیم تانریمیزین یاخشیلیغی جوهردیر دئییرلر)
ردنی‌ده بیگ منینگ ائدگو تنگریم‌آلپیم بیگره‌کیم
(جوهردن داها اوستون منیم‌یاخشی‌تانریم قهرمانیم بیگ راغیم)
بئلئگؤسوز ییتی واژیرتی یور
(بیلؤو سؤز ایتی الماس‌دیر)

واژیردا اؤتوی بیلیگلیکیم تؤزونوم یاروقوم
الماس دان داها ایتی بیلیگلیم ،اصیلیم ،ایشیغیم
کون تنگری یاروقین تگ کؤکؤزلوگوم بیلگه‌م
گون تانری ایشیغی‌کیمی کؤگسوم بیلگینیم
کؤرتله‌تؤزون تنگریم بؤرقانیم بؤلونچسوزوم *
گؤزه‌ل اصیل تانریم شهرتلیم قورویوجوم
" " " " بورقانیم (۲) "
آپرینچوردان بیرعشق شعری:
یاروق تنگری‌لر یارلیقازون (نورلو تانری لار بویورسون)
یاواشیم بیرله (یوموشاق خویلوم ایله)
یاقیشیپن آدریرمالیم (یاخین اولوب آیریلمایاق)
کؤچلوک بیریشتیلر کؤچ بیرزون(گوجلو فرشته‌لر گوج وئرسین)
کؤزی قارام بیرله (گؤزو قارام ایله)
کؤلوشوگین اؤلورالیم (گوله‌گوله اؤتوراق)

آپرینچورون شعرلری ده ایلک دفعه "فون لولوک ، پروفسور :و. بانگ (W. Bang) و رشیدرحمتی‌آرات طرفیندن تدقیق ونشر ائدیلمیشدیر (۳) بوشعرده گؤک تورک کتیبه‌لرینده یازیلان" یوللوق تیگین"ین شعری کیمی اوچ مصراعلی‌دیر. بوشکلین ایزی هله‌ده تورکیه ادبیاتیندا "اوچله‌مه" آدیندا شعرده‌قالمیشدیر. صونرا مصراعلار هربنده عینی‌حرفلرله‌باشلانیر مثلا بیرینجی‌بنده (ی) و ایکینجی بنده (ک)ایله‌باشلایرلار. بودا ،قافیه‌لنین مصراعلارین صونوندادگیل ،باشیندا اولدوغونو گؤسته‌ریر. بوخصوصیتلر اسکی‌تورک شعرینه‌عائددیر. ایندی بونوع سس تکرارینا "آلیتراسیون"دئییلیر یوخاریداکی شعرده‌عشق دویغوسو الٰهی،دینی دویغولارایله بیرآرادا سؤیلنمیشدیر. بعضی‌شعرلرده مصراعلار تکرار اولونور ،بودا شعرین موسیقی‌آهنگینی و تأثیرینی قوتلندیرمک اوچون دور.

وزن ـ شعر وزنی هردیلین اؤزوه مخصوص موسیقی‌سیندن و سس‌هارمونی‌سیندن عمله‌گلن بیرآهنگ اؤلچوسو ، وبیرشعر قالیبی‌دیر. عروض وزنی‌ان‌باشدا سؤزلرین اوزون وقیصاهجالی اولماقلارینا واولارین گروپلار حالیندا عروض قالیبلاریا گیرمکلرینه باغلی‌دیر.

هجا وزنی هجالارین صابی‌سینا و اونلارین معین شکیلده بؤلونمه‌لرینه تابع‌دیر واسکی تورک شعرینه ، هم‌ده‌خلق شعرینه (اوزان ـ عاشیق) مخصوصدور.

*) بو مصراعلار ایکی دفعه اوخونور.

هجا وزنی صون عصرلرده کلاسیک شاعرلر طرفیندن ده ایشلنمیش ویئنی شعریمیزده ان چوخ ایشلهنن وزن اولموشدور.

تورک شعری باشلانقیجدا سس باخیمیندان عروضلا اویوشاجاق دورومدا دگیلدی، چونکی اورتا آسیا تورکجه سینده اوزون هجا یوخ ایدی. اسکی تورک دیلینده سؤزلرین هجالاری عمومیتله باغلی (قاپالی) ایدی وبیر- بیرینه مساوی ویا یاخین ایدی. مثلا بوگون "داماق" دئدیگیمیز کلمه: تامگاک، قاپاق، قاپگاک، قولاق، قول قاق، گؤنول و کؤن گول تلفظ ائدیلیردی.

بئله بیردیلده شعروزنی البته کی هجا وزنی، یعنی هجالارین صایی سینا باغلی اولمالی ایدی. عرب وفارس دیللرینده هجالار قیصا ویا اوزون دور، حتی بعضا چوخ قیصا ویا چوخ اوزون اولابیلر. بئله دیللرده آهنگ، هجالاری صایماقلا دگیل، اوزون وقیصا هجالرین سسلرینه گؤره ترتیب لنمیش قالیب- لارلا تأمین ائدیلیر. عروض وزنلری بئله سس قالیبلاریله ترتیبلنمشدیر. اورتا آسیادا، ایلک دؤوره ده یئددی - سگگیزهجالی شعرلر دئییلمیش، صونرالار داها چوخ اون ایکی هجالی معمول اولموش ومیلادی ۱۲- نجی عصرده ملی وزنی تشکیل ائتمیشدیر. آذربایجان وتورکیه ده بو وزنین یئرینه ۱۱ هجالی وزن حاکم اولموشدور.

۸- ۱۰ - اینجی میلادی عصرلرده تورکجه نین آچیق وباغلی (قاپالی) اولاق ایکی جور هجاسی وارایدی. مثلا: واریر یا گئدیر کلمه لرینده بیرینجی هجا (وا)، (گئ) آچیق، و (ریر)، (دیر) هجالاری باغلی دیر. باشقا سؤزله دئسک سسلی حرفله بیتن هجا آچیق و سس سیز حرفله بیتن هجا باغلی هجا ییلیردی.

اسکی دن شعر سازچالان شاعرلر طرفیندن دئییلیب، سازلا بیرلیکده اوخوندوغو اوچون شعرلرین آهنگی وموسیقی سی وارایدی. شاعرلر قوشدوغو چئشیتلی شعرلرینی (داستان، مرثیه، طبیعت وعشق شعرلری) معین مراسملرده ساز چالاراق اوخوردولار وشعرلرین آهنگی هجالارین صایی سینا، وآچیق- باغلیلیغینا و دوراقلاماларینا دایانیردی.

یئددی و سگگیزهجالی وزنلرده دوراقلاما (تقطیع) یا احتیاج یوخدور، بونونلا بئله تورک شعرینده چوخ دفعه بو وزنلرده ده دوراقلاما (۴ + ۴ ویا ۳+۴) واردیر. مثلا "یوللوق تیگین" ین شعرینده دوراقلاما بئله دیر:

ییگیرمی کون + اولوروب
بوتاشقابو + تامقاکور
یوللوق تیگین + بیتیدیم.

اوزون وزنلرده دوراقلاما ضروری دیر. دوراقلاما هردیله‌گؤره‌دگیشیر. مثلا فرانسیزلار ۱۲ هجالی‌وزنلرده دوراقلاماللاری داها چوخ ۶+۶شکلینده ائله‌مگی سئوه‌رلر، حالبوکی تورک شعرینده‌بو ۴+۴+۴ شکلبنده اولور، یعنی‌مصراع اوچ بؤلومه‌آیریلیر.

تورک شعرینده ۵ هجالی‌دان ۱۶ هجالی‌یاقده‌ر شعرقوشولموشدور. زمانلا شعرانکشاف ائده‌رک باشدا حوخ،وصوندا آزهجالی دوراقلاماللار بو وزنلرده خصوصی آهنگ یاراتمیشدیر.

۱۱ هجالی‌وزن اول ده ۴+۷ دوراقلاماللارلا بؤلونردی. اسلام‌دینی‌نی قبول ائده‌ندن صونرا عروضون ۱۱ هجالی وزنلرینین(فعولُ،فعولُ،فعولُ، فعول)ویا (فاعلاتُ ،فاعلاتُ ،فاعلُ) وهائله (مفاعیلُ،مفاعیلُ، فعولُ) تأثیریله ۵+۶ و ۳+۴+۴ دوراقلاماللارا بؤلونموشلر و سازشاعرلریمیز ده بووزنی قوشماللاریندا ئجمبشلرو ۱۱ هجالی‌یئنی‌وزن یئزیم‌شعریمیزین ملی وزنی‌اولموشدور.البته‌خلق شاعرلریمیز بو وزن دن باشقا اسکی تورک شعری‌نین وزنلری اولان یئددی وسگگیزهجالی‌وزنلری ده شعرلرینده بول ـ بول ایشلتمیشلر.

تورک دیلینده ایلک دفعه ۱۱ هجالی‌عروض ورنیده ،بوندان دوققوز بوز ایل قاباق ترکستانلی(بالاساغون) یوسف خاص حاجب شعر قوشموش و" فوتادقوبیلیگ" آدلی‌شعرکتابینی بو وزنله‌یازمیشدیر. بووزن عینی زماندافردوسی‌نین شهنامه‌سی‌نین ده وربی‌دیر، و تورک هجاوزنینه ان یاخین عروض وزنی‌دیر. یوارادا نمونه‌اوچون قوتادقوبلیگ دن بیرنئد درج ائدیریک :

کؤنول کیمنی‌سئوسه کؤرور کؤزده‌اول

(کؤنول کیمی سئوسه ،گؤزده اونو گؤره‌ر)

کؤزین قانچاباقسا اوچار یوزده‌اول

(کیشی گؤزیله هارا باخسا ، اورادا اونون خیالی‌اوچار)

کؤنول ده ، نگو ائرسه آرزو تیلک

(کؤنولده آرزو ـ دیلک نه اولورسا)

آغیزآچسا بارچا تیلین سؤزده اول

(آغیز آچاندا دیلین سؤزونده او واردیر)

بو وزن (فعولُ فعولُ فعولُ فعول) بحرمتقارب مقصور وزنی‌دیر.بو مصراع‌لاردان ایلک ایکیسی‌نین وزنی"نفعله" لربه‌بؤلونوشو بوشکلده‌اولار:

ف عو لون ف عو لون ف عو لون ف عول
کؤ نول کیم نی سئو سه کؤ رور کؤز ده اول
کؤ زین قان چا باک سا او چار یوز ده اول

بورادا (سئوسه) و (باقسا) کلمه‌لری نین صون هجالاری اوزونا وخونور ونتیجه‌ده شعر سئچیلن عروض وزنینه مطابق اولور.

بیزده عروضون قیصا هجالاری یئرینه تورکجه‌نین آچیق هجالاری وعروضون اوزون هجالاری یئرینه تورکجه‌نین باغلی (قاپالی) هجالاری ایشله‌نیر، و یئرینه گؤره آچیق هجادا یوخاریداکی شعرده اولدوغوکیمی اوزونا وخونور.

زمانلا تورک شعرلری عروض قاعده‌لرینه داها چوخ اویموش وتورک عروضی میدانا چیخمیشدیر. مثلا سس سیز حرفله بیتن بیرکلمه‌دن صونرا سسلی حرفله باشلایان بیرکلمه گلیرسه بیرینجی کلمه‌نین صون حرفی، ایکینجی کلمه‌نین ایلک حرفیله بیرله‌شیر ونتیجه‌ده بیرینجی کلمه‌نین صون هجاسی آچیق، یعنی قیصا اولور و بو. دا عروضون قیصا و اوزون هجالارینا گؤره ترتیبلنمه سینی آسانلاشدیرار. بوحادثه‌یه وصل (Ouisan) دئییلیر ولازم اولاندا شعرده اوندان استفاده اولونور. عروضدا، بیرهجانی داها اوزون اوخوماغا اماله، یا اوزاتما دئییلیر. اگرباغلی و اوزون هجادا اوزون اوخونورسا مدلی اماله (امآله) دئییلیر. هجانی قیصیب داها قیصا اوخوماغادا "زحاف" دئییلیر.

شعرشکیللری :تورک شعری‌نین اسکی‌شکلی دؤردلوک دور. منظومه‌لر دؤردلوک‌لر مجموعه‌سی‌دیرلر. اسکی‌تورک شعرینده شعرواحدی دؤردلوک دی اسلامیت‌دن صونرا عرب ادبیاتی‌تأثیریله تورک وفارس شعرینده‌ده شعر واحدی بیت اولدی.

بو دؤردلوکلر (بند)ده قافیه‌ترتیبی بئله اولموشدور:
بیرینجی بنددده بیرینجی و اوچونجومصراعلاردا قافیه‌آزاددیر. ایکینجی و دؤردونجو مصراعلار بیر- بیرلریله قافیه‌لی‌دیر. اوبیربندلرین هامیسیندا ایلک اوچ مصراع اؤز آرالارینداقافیه‌لی‌دیر، دؤردونجو مصراع ایلک بندین ایکینجی- دؤردونجو مصراعلاریله‌هم‌قافیه‌دیر.

اسلامی‌تورک ادبیاتیندا شعرشکیللری انکشاف ائتمیش وقصیده، غزل، مثنوی‌و رباعی شکیللری یایقین شکیلده اورتایا چیخمیشدیر. قصیده و غزل عرب شعرینیدن، مثنوی ورباعی ایران (فارس) ادبیاتیندان آلینمیشدیر. بیرده طویوق وتصیف واردیرکی، بونلاردا خلق شعرینیدن واسکی تورک

شعرشکلیندن الهام آلینا راق کلاسیک شعرده ایشلنمیشدیر .

قافیه : قافیه مصراعلارین صونوندا بیرحرف ویا هجانین تکرارینداں عبارتدیر . اگربوتون کلمه تکرار اولورسا "ردیف" ،واگر یالنیز صون حرف عینی اولوب اوندان قاباقکی سسلی حرف آیری اولورسا "یاریم قافیه" (میش وموش ـ قوش وگوموش کیمی) دئییلر . اگر مصراعلاردا سس تکراری (صامت لر) اولورسا آلیتراسیون دئییلر .

ددهقورقود دا آلیتراسیون نمونه لری چوخدور مثلا :

قارشی یاتان قارلی داغلار قاریبوبدور اوتی بیتمز
قانلی ـ قانلی ایرماقلار (چایلار) قاریبوبدور صویی گلمز .

شعرده قافیه ایشلتمک داها چوخ تورک وپهلوی دیللرینده عادت اولموشدور. اروپا دیللرینده واسکی عرب شعرینده قافیه یوخ کیمیدیر . ردیف ده بئله دیر. تورک شعرینده اسکیدن بری قافیه ،یاریم قافیه ،ردیف ،جناسلی قافیه ، ایچ قافیه وآلیتراسیون چوخ ایشلنمیش وقافیه شعرده حاکم بیرعنصر کیمی اولموشدور . شعرده قافیه نین وظیفه سی، موسیقی بسته لرینده کی قوتلی نغمه لرین صیخ ـ صیخ تکراری کیمی ،تمامیله موزیکال بیرسس تکراری دیر .

نتیجه : اسکی تورک شعرینده وزن،هجا وزنی و یئددی ،سگگیزوبالاخره ۱۲ هجالی اولموش، عروض وزنی آنجاق اسلام دینی تورکلرآراسیندا یایلاندان صونرا عرب وفارس شعر وادبیاتی تأثیریله تورک شعرینه گیرمیش و گئت ـ گئده انکشاف ائده رک بو گونکو تورک عروضونو میدانا گتیرمیشدیر .

تورک شعرینین اسکیشکلی دؤردلوک دور . بعضا ده اوچ مصراعلی شعرلر سؤیلنمیش و شعرمنظومه لری بو دؤردلوکلرین ویا اوچلوکلرین مجموعه سیندن یارانمیشدیر .قافیه قدیم تورک شعرینده چوخ دفعه باشدا ، وصونرا ـ لاری مصراع صونوندا گلمیش وهرزامان حاکم بیرعنصر کیمی تورک شعرینه اؤزونه مخصوص آهنگ وئرمیشدیر .

---

۱ ـ A. V. Le Coq. Turkisch manichaica aus chotscho, II, PAWA. 1919. phil, hist. kl, NY, 3

۲ـ تانری،پیغمبر ،شامان،دیندار

۳ـ پروفسوردکتر رشیدرحمتی آرات . تورک یوردومجموعه سی. شوبات ۱۹۶۰

ت . پیر هاشمی

آذربایجان شعر و ادبیاتی ایله تانیش اولاق

آذربایجان فولکلورونداعروض وزنی

﴿ ۳ ﴾

بعضی لر بئله دوشونور کی، آذربایجان فولکلورونون کؤکو ،تاریخین درین لیک لرینه چاتدیغینا گؤره بو فولکلورلر یالنیز هجا اصولوایله یازیلیب و یا سؤیلنمیش دیر .لکن بوگونکی آرایيشلار گؤسته ریرکی تاریخ اعماقیندان سو ایچمیش و دونیادا نظیرسیزویانظیری آز اولان فولکلور- لاریمیز عروض وزنینده،سؤیله نیب ویازی یا آلینمیشدیر .

بیلیرم فولکلوردان دانیشاندا هامی نین ذهنینده بایاتی جانلانیر . بلی،بایاتی بیزیم ان اسکی عصرلردن سینه لرده یاشامیش،آغیزدان - آغیزا کئچیب اؤزونو بیزه یئتیرن ، بابالاریمیزین اوره ک چیرپینتیلاری دیر . صوروشورسوز بایاتی عروض وزنینده اولا بیلرمی؟دئییرم البته بایاتی: " دؤردلوک مقصور مُجتث" یعنی (مفاعلن فاعلات) بحرینده گیره ر بونا اؤرنک اولاراق آشاغیدا نئچه بایاتی اوخویوروق :

عزیزیم سن نرگیز در	*	بنفشه در ، نرگیز در
ارسه میش ،مایا گؤردوم	*	دالداسیندا نر گز در
عزیزیم قار قالانـــدی	*	قار یاغدی قار قالاندی
قارقالار لاچین اولدو	*	لاچین لار قارقالانـــدی
سو گله ر آخار گئـــدر	*	وریانی بیخار گئـــدر
بو دونیا بیر باجا در	*	هر گله ن باخار گئدر

ایسته رسیز تقطیع ده ائله ییم؟ من بو مقاله ده تقطیع ائله میه جگم چونکی قاباقکی مقاله میزی یاخشی اوخوموش اولساز بونلاری اؤزوز تقطیع ائده بیلرسیز .بومقاله میز کئچن مقاله ایچین سورو (مسئله و تمریـــن) حساب اولور .و بیرده بوندان صونرا فولکلوردان دانیشاندایالنیز بار- ماغینیزی سایماياجاقسیز کی، گؤروم نئچه هجالی دیر ،بلکه اونو عـروض بحرلریله ده توتوشدورا بیلرسینیز .

بیزیم فولکلور منبع لریندن،پیری ده عاشیق لاریمیزدیر ،عاشیق لار - یمیز دیلیمیزی و سؤزوموزو ساخلاماقدان باشقا ،شعرلرین مختلف صنعت لر ینده طبع لرینی سینامیشلار و اؤز ماهنی لاریندا گؤزه ل تجنیس لر ،جیغالی

شعرلر ،قوشا یارپاقلار ،گؤزه للمه لر ... یاراتمیشلار .دئمک اولار کی،بونلا-
رین تقریبا حوخونو عروض وزنینده دئمیشلر .بو عاشیقلار ماهر موسیقی
حی اولدوقلاری حالدا قدرتلی شاعردیرلر ،باخین بولار دوزلتدیگی تجنیس
لرین تایینی هر بیر شاعر دوزه لده بیلمز .بورادا عاشیق علعسکر بن
گؤزه للمه لری نین بیربنی کی،" آلتیلیق مطوی موقوف سریع " بحرینده
یعنی (مفتعلن مفتعلن فاعلان) وزنینده دئیب دیر اوخویوروق :

آی نازنین ،آی قاباغین آلتیندان * نه گؤیحک چکیلیب قارا قاشلارین
گؤزلرین سوزولدو ،جانیم اوزولدو * ووردو اوره گیمه یارا قاشلارین

گؤزلرین گؤره نین جانینی آلیر * حسرتینی چکه ن واخسیز قوجالیر
سرداری،سلطانی تختیندن سالیر * برهم وورور او روزگارا قاشلارین

گؤزوم قالدی هلال قاشین طاغیندا * محنون اولدوم ،قالدیم لیلی داغیندا
یازیق علعسکری قوحا جاغیندا * ظلمیله چکدیریر دارا قاشلارین

بودا عاشیق علعسکرین اوستاسی "عاشیق عالی"دان همین بحرده بیرتجنیس :

صراف گؤزو سئیر ائیلییه زبانی * نادان اصلا بیلمز آی بئله سی نه ؟
حمالین شوقوندان آی- گون خوفائدر * گونش بئله سینه ، آی بئله سینه

سن ایچینده اوخوموشام آغا ،لام * یار صدرینه مقابلدی آغ آلام
ایندیله قوللوغوندا (آ) قالام * قول اولام ایلینن آی بئله سینه

عاشیق"عالی" جیخ گلشنه نرگیزدر * صراف مایا آغوشوندا نرگیز در
اولماز تایی زلیخالار ، نرگیزدر * اصلا یوخ کیمسه ده آی بئله سینه

عاشیق لاریمیز باشقا بحرلرده ده ماهنی اوخوموشلار کی،عاشیق عالی
دان گؤزه ل بیر تجنیس "دؤردلوک سالم رجز" بحری (مستفعلن مستفعلن)
وزنینده اوخویوروق :

سئیرانگاهدا جوت گؤزه لین * حئیران اولدوم بیریسینه
درد منده دیر درمان اوندا * بیری لب دیر ، بیری سینه

صوردوم آدین گولخوار اولدو * گول دره نده گول خوار اولدو
بیری دئدی گول خار اولدو * بیلمم دئدی بیریسی نه ؟

زیبا گؤردوم قوجاغینی * آتسین دئیین قوج آغینی
ظالم آحماز قوجاغینی * عالی سینه ، بیر ایسینه

عاشیق علعسکردن ده بو بحرده گؤزه ل بیر ماهنی اوخویوروق :

قدم قویوب آستا- آستا * سن بو دیارا خوش گلدین

سوزدوروب آلا گؤزلـــــــری * قاشلاری قارا خوش گلـــدین
اوغرون دوروب قیـــیا باخدین * مژگانین سینه‌مه چاخـــدین
جســـمیمی یاندیریب یاخـدین * سالیبان نارا خوش گلـــدین

سینه‌م دی عشقین دفتـــــری * سنسن دیلیمیـــن ازبـــری
یازیق عاشیق علعســـــکری * چکمه‌گه دارا خوش گلـــدین

عاشیق علعسکر تانیدیغی گؤزه‌ل بیر قیزی،سئومه‌دیگی بیر کیشی له ائولندیگینی گؤروب آحی بیر و بو شعری کی: " آلتیلیق محذوف هـزج) بحرینده و (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) وزنینده‌دیر اونون حقیـــــنده اوخویور :

او غملی گؤنلونو مشکل حالینی * دوشونن ده یازیق،بیلن‌ده یازیق
آغلاسان آغلارام من سندن بتـــر * داغلادین سینه‌می گولنده یازیق

بیرمردی سئوه‌یدین سرداش اولایدین * گؤنلون ایسته‌ینه‌پئشکش اولایدین
یادا قورویایدین‌بیرداش اولایدین * بزه‌نیب‌بوائوه گلنده یازیق

علعسکر دورارمی متاع ساتماسا * ایگیت‌سارسیلارمی بختی یاتماسا
ایکی گؤنول بیر- بیرینی توتماسا * آلان دایازیق دی،گلن ده یازیق

گئده‌ک بیرآز قدیم‌لره ،گئده‌ک دده قورقود چاغینا ،خلق ائله‌دوشونور کی هرشئیین آدینی دده قورقود قویوب‌دیر،اونا گؤره دده‌قورقـــودون قویدوغو بعضی آدلاری بگه‌ن میرلر و اونا اعتراض‌ائدیرلر،بو اعتـــراض دؤرد مصراع ده : " سککیزلیک‌مطوی منسرح " بحرینده (مفتعلن فاعلات مفتعلن فاع) وزنینده افاده ائدیرلر :

ایگنه‌یه تیکن دئمه‌دی او دده‌قورقـــود
تیکانا سؤکن دئمـــه‌دی او دده‌قورقـود
گلنه آیبران دئمـه‌دی او دده قورقود
آیرانا دویران دئمـــه‌دی او دده‌قورقـــود

بیر سیرا فولکلورلرده واردیر شاید تاریخی دده‌قورقوددان دا قاباغا گئجیر، بو فولکلورلر چیلغا تورکی دیر.یاد بیرکلمه‌ایچینده یوخدور و یا اولسادا بیر- ایکی کلمه‌دن آرتیق دگیل .

بو خصیصه بو فولکلورلرین قابناغی ان قدیم زمانلاردا اولدوغونو گؤسته‌ریر. تعجب‌لی بوراسیدیر کی،بونلاردا عروض وزنینه اوبغوندورلار.

بو فولکلوردان بیرینی کی،آذربایجانین صویوق و شاختالی قیشیندا

خلقین سارسیلیب و اوره‌ک داریخماسینی افاده ائدیر :

" دؤردلوک مطوی منسرح " بحرینده یعنی (مفتعلن فاعلان)وزنینده دیر آشاغیدا اوخویوروق :

اوشودوم آ اوشـــودوم	*	داغدان آلما داشـــیدیم
آلماجیغیـــمی آلدیـــلار	*	منی یولا سالدیـــــلار
من بو یولدان بئـــزه‌رم	*	درین قویو قـــازازام
درین قویو بئش کئچی	*	بئشی ده ارکک کئـــــچی
ارکک قازاندا قاینار	*	قنبر یانینـــدا اوینـــار
قنبر گئتدی اودونـــا	*	قارغی باتدی بودونـــا
قارغی دگیـل قمیش دیر	*	بئش بازماغیم گوموش دیـــر
گؤموشو وئردیم تاتا	*	تات منـــه داری وئـــردی
دارینی سپدیم قوشـــا	*	قوش منـــه قانات وئـــردی
قاناتلاندیم اوچمـــاغا	*	تات قاپی سین آچمـــاغا
تات قاپی سی کلیـدلی	*	
کلیـد ده‌وه بوینـــوندا	*	ده‌وه شـیروان یولونـــدا
شیروان یولو قومسـاللیق	*	قومساللیق دا یول ساللیـــق
آجـــی قیشـــی کئچیرریک	*	گؤزه‌ل یازا یئـــتیررییک

قاییداق اؤز زامانیمیزا ، بوعصرده ائله شاعرلریمیز وارکی،اؤز شعرینی فولکلوریک شعرلر سبکینده و هجا اصولوندا یازیرلار.لکن بوشعر لرین بیر پاراسی نهایت منسجم و آهنگدار اولوب عروض وزنینه ده اویغو- ندورلار . بونون کیمی دیرکی ببر نفر دانیشیر،سؤزلری کسیک و قیـریق - قیریق دیر ائشیدنی یورور، بو آدام مناسب کلمه‌لر انتخاب ائدیب یئری گلدیکده دایانیب و لازم اولدوقدا سرعتله کئچیب دانیشیغینی نظمـــه سالسا سؤزو آهنگ تاپیر،دینله‌ین ده‌اونون صحبتیندن لذت آپاریر، بـــو نظم وآهنگ آرتیب کمال ذیروه‌سینه چاتیرسا ،موسیقی دوزه‌لیر.

شعر ده بئله‌دیر،بیر آزاد شعر مرتب و منظم اولدوقجا هجا شعرینـه و بیرهجا شعری منسجم و آهنگدار اولدوقجا عروض شعرینه یاخینلاشیـر. ائله‌کی بو انسجام و آهنگدارلیق کمال حدینه چاتیر عروض شعری اولور(*)

بو قبیل شعرلردن استاد شهریارین " حیدر بابا " منظومه‌سینی مثال گتیرمک اولار، بومنظومه هجا اصولوندا نظیرسیز بیر شعردیر، ۱۱ هجالی و (۴ - ۴ - ۳) بؤلومدن عبارتدیر .

بو خصیصه بوتون منظومه‌ده دقت‌له مراعات اولوب‌دیر. بوشعر غایت درجه‌ده منسجم و آهنگداردیر. اونا گؤره عروض‌شعرینه چئوریلیب ،
" آلتیلیق مطوی سریع مکشوف " بحری (مفتعلن مفتعلن فاعلن) وزنینده دیر.

نمونه اوچون بو منظومه‌دن اوچ بندینی مقاله‌میزین صونونا زینت قرار وئریریک :

حیدر بابا گون دالووی داغلاسین
اوزون گولسون بولاقلارین آغلاسین
گؤزه‌ل لرین بیردسته گول باغلاسین
یئل گلنده وئر گتیرسین بویانا
بلکه منیم یاتمیش بختیم اویانا

من سنین تک داغا سالدیم نفسی
سن ده قایتار گؤگ‌لره سال بوسسی
بایقوشون دا دار اولماسین قفسی
بوردا بیر شیر داردا قالیب‌باغیریر
مروت سیز انسانلاری چاغیریر

"حیدربابا" سنین کؤنلون شاد اولسون
دونیا وارکن آغزین دولو داد اولسون
سندن کئچن تانیش‌اولسون یاد اولسون
دئینه منیم شاعر اوغلوم " شهریار"
بیر عمردیر غم اوستونه غم قالار

* صون *

---

*) شعرده آهنگ و انسجام وزنین عروض و یا هجائی اولماغینا تابع دگیلدیر. هجا وزنیله قوشولان بیر چوخ تورکی شعرلرینده ده عروض‌شعری قده‌ر آهنگ و انسجام واردیر. بونون نمونه‌لری خلق شعریمیزده چوخدور. تورک دیلینده شعر اولجه هجا وزنیله قوشولوب یالنیز اسلامدان صونرا عروض‌وزنی ده ایشلنمگه باشلامیشدیر. " اسکی تورک شعرینده وزن ،شکل و قافیه " آدلی مقاله‌میزده (صفحه ۴۹) بوباره‌ده داها چوخ ایضاحات وئریلمیشدیر. " وارلیق "

کهله یه ســـــلام

(کهله یه سلام) آدلی منظومه آقای پروفسور غلامحسین بیگدلـــــی طرفیندن قوشولموش فولکلوریک بیر اثردیر .آقای پروفسوربیگدلی مجله میزین دائمی و بیلیگـلی یازیچیلاریندان دیرو اوخوجولاریمیز طرفیندن ده تانینمیش و تقدیر ائدیلمیش بیر شخصیت در . او ، گنج کن شـــــاه رژیمنه قارشی آپاردیغی قیزغین مبارزه نین نتیجه سینده ۳۴ ایل ایسته میه رک آنا یوردوندان اوزاق دوشموش و بومدت ظرفنده حیاتین دولامبا ـ چلی یوللاریندان کئچیب ایللر بویو سیخینتلی و اضطرابلی گونلـــــر کئچیرمیش و گینه ده تحصیلینه دوام ائدیب و نهایت ادبیات تاریخی استادی اولموشدور .ایراندا انقلاب اسلامی سایه سینده اسکی رژیـــــم یئگیلدیکدان صونرا عائله سیله بیرلیکده وطنه دؤنموش و ایلک فرصتده آنا یوردو اولان کهله یه گئدیب اورادا بوراخدیغی اسکی قووم‌قبیلـــه سی ایله گؤروشموش و ۳۴ ایللیک نسگیللرینی کهله یه سلام منظومه سیله دیله گتیرمیشدیر .بو گؤزه ل و زنگین ادبی منظومه دن بعضی پارچالاری مجله میزده درج ائتمگی اوخوجولاریمیزا نسگیل ائله دیک بو منظومـــــه سیزلره شهریارین حیدربابا سینی دا خاطرلاداجاقدیر . " وارلیق "

غلامحسین بیـــگدلی

* کهله یه ســـــلام *

شهریارلا * تهـــراندان یولا دوشـــدوک
ایکیـــندی ایدی بیز قیدارا یئتیشدیک
اوردا دوشوب دینجلدیک،یئدیک،ایچدیک
بیز قیـــدار دا خسرو خانلا گؤروشـــــدوک
یوز یاشیندا قوجایلا برک اؤپوشـــدوک
قیدار شرقین اشراق علـــــمی یوردودور
انفس ایله آفـــاق علـــــمی یوردودور
سهروردی مشـــــتاق علـــــمی یوردودور
قیدار سهرورد له یان ـ یانا دوروب
شیخ اشراق دا سهروردده دوغـــــولوب

*) شهریار بیگدلی منیم کیچیک قارداشیم .

قولاغ آسین شیخ اشراقین سؤزونه
هره بیر پای قوی گؤتورسون اؤزونه
بوندان صونرا ، سورسون یولون دوزونه
اینجی دن ده باهالی دیر سؤزلری
اؤزو گئدیب ، قالالی دیر سؤزلری

شیخ اشراقین یازدیغی یگانه رباعی بئله‌دیر :

هان تاسررشتهٔ خرد گم نکنی * خودرا زبرای نیک وبد گم نکنی
رهرو توئی وراه‌توئی،منزل تو * هشدار که ،راه‌خودبخود گم نکنی

شعرین آنا دیلیمیزه بیزیم طرفده‌ن ترجمه‌سی :

"حالیش عقل ایپی نین اوجون ایتیرمه
یاخشی پیس دن اؤترو اؤزون ایتیرمه"
" یول سن ، یولچو سن ،منزل ده سن سن
یولونو آزدیرما ، اؤزون ایتیرمه"

دؤنوب گله‌ک بیز قیدارین اؤزونه
کج اوتوروب ،دوم- دوز باخاق گؤزونه
قولاغ آساق خسرو خانین سؤزونه
او دا بیرواخت جوانمیش ،گنج ایمیش
دوغرودان دا خزینه ایمیش ، گنج ایمیش

بیلسن بیزه نه‌لر، نه‌لر دئدی او
آجی - شیرین خاطره‌لر دئدی او
گاه آغلایار ،گاه دا گولر دئدی او
شئوه کیمی ایشیلدیردی ، گؤزلری
عبرت درسی اؤگره‌دیردی سؤزلری

اوردان دوردوق ،گئتدیک ،چاتدیق کهله‌یه
سوردوک بیر باش بیزیم قالا محله‌یه
سلام وئردیک ، اکینچی یه ، فهله‌یه
کهله ،گؤزه‌ل کهله ، قوجاما‌ن کهله
تاریخ بویو ، ایگید ،قهرما‌ن کهله

آتا- بابا یوردو بوتون بوش ایدی
اوجاقلار کور، چراغلار سؤنموش ایدی
هر دیوار اوستونده بیر بایقوش ایدی

گؤردوم نئجه بی وفایمیش بو دؤوران
قورولان ییخیلیب ، محو اولوب قوران
آقا اؤلوب ، قالا قالیب باشینا
توز قونوبدور تورپاغینا داشینا
خیال یئتیشمزدی ،اونون باشینا
قهرمانلار یولا سالدین آی قالا!
ایندی باخ نه گونه قالدین آی قالا؟
آقا یوخ ، قالادا کیمسه یوخ ایدی
بوردا بیر واخت یوزدن آدام چوخ ایدی
انسانلارین کؤنلو ـ گؤزو توخ ایدی
ایندی بوردا نه بیرتوخ وار ،نه بیر آج
بایقوشلار اولموشلار قالایا لیلاج
خان سارایی گؤرنه گونه قالیبدی
فلک اونو گؤرنه حالا سالیبدی
آصلانلار یئرینی تولکو آلیبدی
قارقیش سنه ای وفاسیز روزگار
گؤزلریمدن یاش یئرینه قان یاغار
کهله سن ـ سن آتا ـ بابا اوجاقیم
یوردوم ، یووام ، مسکنیم ،ائل دایاغیم
کؤوشنیم ، گلشنیم ، چمنیم ، باغیم
گؤزه‌ل کهله ، گؤیچک کهله ، جان کهله
شرف کهله ، شوکت کهله ، شان کهله
نه گؤزه‌ل دیر کوللوگون ده ،کولون ده
چمنین ده ، چیچگین ده ، گولون ده
چایلارین دا ، کهریزین ده ، گؤلون ده
کهله منیم اوشاقلیق بئشیگیم سن
اوولاغیم سن ، ائویم سن ،ائشیگیم سن
اجدادیمین دوغما اوجاقی کهله
جولانگاهی ، یایلاق ،قیشلاقی کهله
یورد ـ یوواسی ، مسکن ، اولاقی کهله
کهله منیم اولوسومسان ائلیم سن
اوشاقلیقدا آچان شیرین دیلیم سن

سن ـ سن منیم خاطره لر بئشیگیم
قرارگاهیم ،یوردوم،یووام، ائشیگیم
کیم چکیبدیر، سندن باشقا کئشیگیم
طویوم سنده، یاسیم سنده ، اولوبدور
سوموگ ایلیک ، دامار قانلا دولوبدور
مقدس دیر قایان ،داشین تورپاغین
صفالی دیر، آرخین ، چمنین ، باغین
مرجان دیر قوملارین،اینجی دیر داغین
قارتال لار یوواسی، مردلر قالاسی
گول چیچک خرمنی ، غنچه تارلاسی
کهله گلدیم سنه سلام وئرمگه
باغچاندان گول دریب ، چیلنگ هؤرمگه
یونجالیغین ،باغ ـ باغچانی گزمگه
آلقیش سنه گؤزه‌ل کهله ، خان کهله
آنا یوردوم جان سنه قربان کهله
گلدیم بیرده قوجاغیندا دینجه‌لم
گؤزه‌ل لشه‌م ،ظریف لشه‌م، اینجه‌لم
بیر گؤروشم، بیر اؤپوشم ،بیر گولم
قووم قارداشدان کیمسه‌نی تاپمادیم
من بو طبیعی آرزومدا چاتمادیم
سید علی اوسط* گیلده منزل سالدیق
بیر نئچه گون اونون ائوینده قالدیق
گئجه ـ گوندوز درین خیالا دالدیق
او منیم‌له اوشاقلیق یولداش ایدی
یولداش نه‌دیر ،ائله بیل قارداش ایدی
زامان اونون قاش باشین دا آغاردیب
دیشین تؤکوب ، رنگ و روخون آغاردیب
آق گونونو نامرد دونیا قارالدیب
آنجاق سیماسیندا بؤیوک بیر وقار
اوز ـ گؤزوندن گول توکولور ،نور یاغار

---

*) حاجی سیدعلی اوسط مرحوم آقا سیدحسنین اوغلو کهله‌نین معتبرسیدلر- یندن و نفوذلو شخصیت لریندن بیریسی .

های دوشدو کی، غلامحسین گلیبدی
فرهاد کیمی فراق داغین دلیبدی
کهله کندین یئمه کعبه بیلیبدی
گلیب گؤرسون ائل ـ اوبادان کیم قالیب
کیم قوجالیب ، کیم صولوب ، کیم‌سارالیب
قوجا ، جوان ،آرواد،اوشاق گلدیلر
آغلادیلار ، سئویندیلر، گولدولر
هجران توزون کؤنول لردن سیلدیلر
شکر اولسون کی،گلیب بیرده گؤروشدوک
وصال شربتینی بیرلیکده ایچدیک
گله‌ن گلدی حرارت‌له گؤروشدو
باشیمدان گئچندن صوردو،صوروشدو
عومور ده کی، ائله بیل اوچار قوشدو
اوتوز دؤرد ایل * ترک ائتمیشدیم‌کهله‌نی
اوزاغا قاچمیشدی عومور کهله‌نی**
من یولومو نئجه آزدیم دانیشدیم
بو دونیانی نئجه گزدیم دانیشدیم
حیاتیمدان نئجه بئزدیم دانیشدیم
دونیا منه دار قفس ایدی دوزدو
قویون دئییم من سیزه دوغرو سؤزو
اوزون ایللر من هارا ، سیبیر هارا ؟
زندان هارا ،من هارا ، معدن هارا ؟
کالما***هارا ، چووقون هارا ، چن هارا ؟
لاپ گناهسیز زندانلارا دوشدوم من
عزرائیل لا مین دفعه گؤروشدوم من
آردی وار

---

*) من دوز اوتوز اوچ ایل اضطراری مهاجرتدن صونرا عزیز وطنیم‌ایرانا قایتدیم وبیر ایل ده‌ایراندا اولدوقدا‌ندا صونرا کهله‌یه گئتدیم.

**) کهلن = آت

***) کالما = اوزاق شرقده ،قطب شمالدا یئرله‌شن ابدی بوزلار و۷۳ درجه صویوق ایله مشهور اولان یاریم آدا .من یئددی ایل اورادا زندانی اولدوم

* دنیانی ئیلیرم *

سونبول ساچونلا سونبول بوستانی ئیلیرم
گول تک جمالین ایله گلستانی ئیلیرم

عشق اؤلکه‌سینده جنت مأوانی تاپمیشام
ناصح بوراخ منی داها رضوانی ئیلیرم

وار بیر گؤزه‌ل یاریم کی،مسیحایه‌جان وئره‌ر
من بو گؤزه‌ل یار ایله مسیحانی ئیلیرم

آب حیاتی وی منه ای خضر وئرمه گئت
لعل لبیله چشمهٔ حیوانی ئیلیرم

عاقل دئییر منه سروسامان گئدیم تاپیم
من عاشقم اوغول سروسامانی ئیلیرم

عشقین منه کرامت ائدیب گؤزیاشین گؤزه‌ل
بو گوهر ایله گوهر غلطانی ئیلیرم

ویرانه کؤنلومه دولوب عشقین خزینه‌سی
عشق اولماسا بو گوشهٔ ویرانی ئیلیرم

عشقین اگر نصیب اولا دونیا منیم کی دیر
دونیاده عشقین اولماسا دونیانی ئیلیرم

اوخ کیپریگین دئدی تؤکره‌م عاشقین قانیز
توک قانیمی اسیرگمه من قانی ئیلیرم

جانان یئرین آلوولی کؤنوللرده تاپمیشام
دئیری، کنشتی، کعبه ، کلیسانی ئیلیرم

فقرین غناسی گؤر نه منی محتشم ائدیب
بو حشمتیله ملک سلیمانی ئیلیرم

شیطان گره‌کسه "حامد "ی یولدان چیخارتماغا
یولدان چیخارتمیسان منی شیطانی ئیلیرم

اوستادیمین بؤغازی نین جراحلیق عملیندن
صونرا ،تلفن دا حالینی سؤروشارکن .....

* اؤغـــول دئمـــه‌لی! *

****

سسسمه‌سس وئردی توتقوں سسی‌ایلن * سس‌کی یؤخ، نفسله‌منلن دانیشدی
نئجه‌دویمایایدیم اؤ نفسی من ؟ * اؤ نفس‌قیرخ‌ایلدیر منه‌تانیش‌دی
یارادان،هر زادی الوان یاراتدی * هامی آرزولاری ، هوســـــلری‌ده
ساهارلا باشلانیب قیشلا قورتاران * ایللره اؤخشاتدی نفســـلری‌ده
نفس‌وار، "میشؤو"ون بوزلاغی کیمی * کدرلندیره‌نمز سؤیوق آینانی (۱)
نفس‌وار گونشین اؤجاغی کیمـــی * نور ساچیب‌قیزدیرار بیزیم‌دنیانی
حیانین یؤللاری داش ـ چانقیلدیسا * محبت‌کاروانی هر یؤلدان کئچر
نفس‌وار ترپتمز گول یارپاغینی * نفس‌وار یوز آغاج مفتولدان کئچر
گوشی دا (۲) سسله‌نن هنیرتی‌نی من * ساندیم‌کی عطرلی یاز نفســی دیر
اوجا داغلار آشیب‌مني دیندیـــرن * اوزاق بیر سئوگی‌نین یاخین سسی‌دیر
سؤزونو فورتاردی،ائله‌بیلدیم‌کی، * گوشی‌نی الیندن آلدی اؤزگه‌ســی
آخدی قولاغیما بیر نغمه‌کیمی * ارکؤیون بالاسی" طه "نین ســسی
اؤ، دئمک ایسته‌دی تانیشا ، یادا * بوسس بیرآن ائله کسیلمه‌مه‌لی!
بیرینجی مصراعدا آتا سوســادا * ایکینجی مصرانی !وغول دئمه‌لی!
قارداشیم‌بالاسی، سنی مین یاشا * سن کیمی اوغولا قوربان دئیه‌رلر
آصلانین بالاسی کؤرپه اؤلســادا * گئنه‌ده آدینا آصلان دئیه‌رلر
بیزسفراوستەییق، من ده ، بابادا * ساچلارا الەنیب قوجالیق قـــاری
بابانیں چراغی ســؤنن دگیلدیر * چالیش‌اؤ چراغی سن یاندیر باری
فکرلر،دویغولار آیری اؤلســادا * بیر اوستادیمیز وار،تاریخ‌دیر آدی
بابالار یؤلونا خوْرباخان کیمسه * عمرونو بهره‌سیز، ایزسیز یاشادی

شهریور- ۱۳۶۲

---

۱ ـ میشؤو= تبریزین قارلی‌داغی‌نین آدی ۲ ـ گوشی = تلفونون دستگی

باهار بایرامی پۆیئماسیندان بیر پارچا

(۴)

۱

یۇردۇموزۇن گۆزەللیگی * یاد گۆزلری قاماشدیرێب
قۆرخماز ایگیت بالاسی ایله * نانکۆرلاری ساواشدیرێب

۲

ایندی آرتێق هر جیچەکدن * بیزیم حۆخلۇ لاله میزوار
صانکی اۆلکەم گئیبدیر آل * بۇ ایلک باهار، اۆ صۆن باهار

۳

اۆیله حیچەکلەنیب وطن * قیزیل گۆلۆ صانکی قاندیر
مانی دگیل بۇ گۆل جکەن * مانی لری یارادان دیر

۴

دۆغما ائلدن مُلهَم اۆلموش * قیزارمیش شفق ، دانیمیز
دۆزۆملۆیک بیز دۆنمەریک * دامار دا تا وار قانیمیز

۵

گۆرەرسن هر جتین ایشده * قیزغین اۆلۇب ، جان آتمیشیق
حاسات[1] قیلیب چتین لری * اۆلمز اثر یاراتمیشیق

۶

هر مسلکی تۇتاریقسا * اۆزۆمۆزۆ آتاریق بیز
دۆنمز اۆلۇب یۆلۇمۇزدان * بۆکسک لره چاتاریق بیز

۷

ائلیمی صان بیر گۆنشدیر * شعاعلاریٚ صاچاق ـ صاچاق
بیز ایله شرق ایشیقلانیب * بیر نئجه سیندن سۆز آچاق

۸

" شمس " ایله " فارابیٚ "مٚ گۆر * "صائب" و "قطرانیمه " باخ
هر هانسیٚ بیر یگانه درّ * " نظامی "یه سن اۆل قۆناق

۹

سئیر ائله یاخشیٚ سینج[2] سال * شعر ایله سۆز نبی لرین
سس لری دۆنیا دۆلۇسۇ * گۆر ائلیم ایجره بۆش یئرین

۱۰

قالخ سۆز ایله سماده گۆر * اۇلدۇز آشیب فلک[3] یاریر
دۆنیانی حئیران ائیلەین * "مولوی " مرشد آختاریر

۱۱

تۆرک دۆ بۇلار ، تۆرک لۆگۆنۆن * ثبۇتۇ چۆن گئدیم هارا ؟
قۆلتوغا بیر قرآن ووروب * هئی آند ایچیم ائللر آرا ؟!.

۱۲

بیزیم بۆیوک باشلاریمیز * هر هانسی بیر شئیله اۇیۇب
ائلدن ایراق یۆلدا گئدیب * ائلین قارا یئرده قۆیۇب

۱۳

بۇنلاری بیر سئچنمیرم * فاجیر (۴) می؟!. افتخاردیلار
آتالاردان قالما بئله * ائل آغزیندا مثل ده وار

۱۴

ائوده گرهک (۵) اۆلان چراغ * مسجده ده حرام اۆلۆب
اۆز ائلینی آتان کیشی * خائن اۆلماسا ، خام اۆلۇب

۱۵

دۇیغۇم (۶) ایچیمده اینله‌ییر * دئییر دۆشۆن گۆر نه سس دیر
اۇیما آیئل اۆزگه‌لره * آلداندیغین داها بس دیر

۱۶

سنین ائلین فقیر ایسه * چالیش اۆنۇ غنی ائله
طامارزی بیر اوشاق کیمی * تیکمه گۆزۆن هر بیر اله

۱۷

اۆزۆن قازان ، اۆزۆن یارات * ای انسان اۆغلۇ اۆل اۆزۆن
طفیلی لیک باشیندان آت * بسدی داها بیر آچ گۆزۆن

۱۸

اۆگره‌نیشیک لی ، اۆلموشوق * اۆولانیرثیق هر اۆوسونا (۷)
بۇ گۆنده بیر دۇرۇمدایئق * گرهک دی صۆن قۆیاق بۇنا

۱۹

بۆیله دۇرۇم اۆلۆم ـ دیریم * آنلاشیلیب دیر ائل آرا
اگر بۇ گۆن آیئلماساق * آیئلماریق بیرده صۆرا

---

۱) حاسات = آسان . ۲) سینج = دقّت . ۳) فلک = گۆگۆن دۆققۇزنجی قاتی
۴) فاجیر = فسق وفجور صاحبی ۵) گرهک = لازم ۶) دۇیغۇ = وجدان حسی
۷) اۆوسۇن = افسۇن .

اورمیه‌لی شاعریمیز" آدسیز" دان :

قورو بوداغیماقون آی بولبولوم * دئمه :صونا بولبول گوله باغلی‌دیر
بوکیچیک داملادان گن گزمه‌صونام * دئمه :گؤزه‌ل صونا گؤله باغلی‌دیر

سؤزبیردرین قاب دیرمعنالار درین * درینه‌گئت دا ییم وارسا هنـــــرین
گل کی،قوشاگزه‌ک فکیر چؤللـــــرین * بومجنون اوره‌گیم چؤله باغلی‌دیر

ملتین فیکرینی سن بیرزمی سان * بوزمی‌یه‌دیلی سن بئل کیمی قان
بئل بیروسیله‌دیر،من سنه‌قوربان * زمی‌نین محصولو بئله باغلی‌دیر

یاخشی ساخلاماسان بو وسیله‌نـــی * وئره‌جکسن الدن زمی‌نی ، دنـــــی
تاریخ ثابت‌ائدیب‌حقیر دئیه‌نی * دئمه :هاوا سؤزدوریئله باغلی‌دیر
البت
باخ!یئر بارلی اولمازسورمه‌سن * تورپاغی‌بوشلاسان داش اولار قت‌قت
تزه‌فکیرلری سن جوته بنـــــزه‌ت * بوجوت‌دیل آدلی بیرکله‌باغلی‌دیر

ائلیمین،خلقیمین مین نسگیلی‌وار * "یاخشی‌حیات"آدلی بیرسئوگیلی وار
ایللرتاپدالانمیش زنگین دیلی‌وار * سئوگیله چاتماسی دیله باغلی‌دیر

آنادیلده یازاق اؤز خلقیه‌بـــزه * میلیونلوق کوتله‌لرگؤزتیکیب بیزه
جهالت داغلاری چؤکه‌جک دیـــــزه * آنجاق گوحلوآخان سئله باغلی‌دیر

هرخلقین اؤزدیلی اؤزونه‌خوش دور * هرکیم‌بونو دانسابئینی ناخوش دور
اما بیربیناکی سارسیلیب بوش دور * بیخیلماسی آیا ایلـه باغلی‌دیر

آذربایجان دیلی یامان حالدادیر * اینان دئیه‌بیللـه‌م قالماقالدادیر
ایللردیرظلم‌ایله‌چال هاچالدادیر * حیاتی بیر نازیک تئله باغلی‌دیر

گلین تورکی،فارسی آز گولشدیره‌ک * آز قیچ قولوموزا بندایلیشدیره‌ک
گلین دیلیمیزی علمی لشـــدیره‌ک * بوایش‌چیرمالانمیش اله باغلی‌دیر

قورخون او گوندن کی،ائل دیل سیز قالا،
ساوادسیزلیق اوندا مین بیر کؤک سالا.
چالیشسین کی " آدسیز" مطلبیـــن آلا،
چون او دا سیز کیمـــی ائله باغلی‌دیر.

﴿ حصیر شاپقالی قیز ﴾

حصیر شاپقا باشیندا
اون ، اون ایکی یاشیندا
بابا باغوانین قیزی
اول سحرین اولدوزی
گون چیخمادان ،گئده‌ردی
باغدان گیلاس دره‌ردی
اتک‌لرین دولدوروب ،
سئرچه‌لره وئره‌ردی .

* * *

صانما ، او قیز قوشبازدی
قوشلار اوندان قاچمازدی.
اول سئویملی " ببک[1]" له
قوشلار ایدی آشنا
ایپک یوماقلار[2] تکین
قوناردیلار باشینا
قیز اتگین آچاردی
گوله ، گوله او آرا
یئم وئره‌ردی قوشلارا

* * *

ملکه تک قیزجیغاز
کوچه باغدان گئچه‌ردی
دالیسیجا سئرچه‌لر
بیردن سوری چکه‌ردی !

* * *

گوجه ، گیلاس موسمی
.هله باشا چاتمادان
گئجه یاتدی قیز جیغاز
آییلمادی یوخودان !..
قارا گئیدی آناسی
ائو ماتمه بورونوندی
لکن قوشلار هر سحر ،
دام ،باجادان گؤروندی

* * *

گئچیرتمک چین ، نهایت
" قورخولوغی[3]" سیناقدان[4]
باغوان آسدی قیزی نین
شاپقاسینی بوداقدان ....

* * *

ظن ائتدیلر سئرچه‌لر
قیز ، دیرماشیب آغاجا !
قاناتلانیب ، قوندولار
بوداقلارا ، آستاجا ...
سوت گؤلونده یاتاندا
هم انسانلار ، هم ایت‌لر
گیلاسلاری ، یاراماز[5]
قوشلار یئما ائتدیلر.

* * *

تهران آخشام

۶/ آبان / ۱۳۶۲

---

۱) ببک = عروسک . ۲) یوماق = کلاف ۳) قورغولوق = مترسک
۴) سیناق = تجربه ، امتحان . ۵) یارامااز = بدذات ، شیطان

منظوری‌خا منه

بیرینجی درس

سس‌لی حرف (مصوت)لر باره‌سینده

وارلیق مجله‌سی نین ۱۳۶۲ ـ نجی ایل فروردین ـ اردیبشت صایی‌ـ سیندا ۹۸ـ نجی صحیفه‌ده آذری تورکجه‌سی نین سس‌لی حرف (مصوت)لرینه دایر پیشنهادی بیرجدول عرب الفباسی اوزه‌رینده مخصوص‌علائم واشاره لرایله وئریلمیشدی.بو جدولدن استفاده ائده‌ره‌ک بیرینجی درسی آذرـ بایجان تورکجه‌سی نین سس‌لی حرف (مصوت)لرینـدن باشلاماقایسته‌یه‌ریک.

بونو بیلیریک کی،کلمه‌ده اولان سس‌سیزحرف (صامتْ)لر،سس‌لی حرف ویا حرکه‌لر یاردیمی ایله اوخونمالی دیر.خوشبختانه دیلیمیـــز ده دوققوز سس‌لی حرف (مصوت) وار و بوجهتدن دیلیمیز چوخ زنگیـــن و غنی دیر.

سس‌لی حرف (مصوت)لر،ایکی دسته‌یه : الف ـ اینجه‌مصوّت .

ب ـ قالین مصوّته بؤلونور

الف ـ اینجه‌مصوت‌لر عبارتدیر : ۱ـ اَ/ه/ـه :(اَمکداش ، دده ، ننـه) ۲ ـ ای/ـیـ /ی : (ایگیت ،بیر ،ایکی) ۳ـ ائ /ـئـ/ئ :(ائـــل ، سئوگی،دئی) ۴ـ اؤ/ ـؤ/ ؤ : (اؤلکه ، گؤز ، دؤرد) ۵ـ اۆ/ـۆ/ ۆ (اۆره‌ک ، سۆزۆ ، اۆزۆم) .

ب ـ قالین مصوت‌لر عبارتدیر : ۱ـ آ/ ـا/ ا : (آنا ، بوغـدا) ۹

۲ـ ـێ/ێ :(قێزێل ،قاپێ ـ بو مصوت‌کلمه‌لرین اولینده گلمه‌ز)

۳ ـ اۏ/ ـۏ/ۏ :(اۏغلو ، کۏر ، دۏغرو)

۴ ـ اۇ/ ـۇ/ ۇ : (اۇیدۇرما ، سۇ)

کلمه‌لری دوزگون اوخویوب و املاء جهتیندن دوزگون یازماق اوچون

بو نکته‌یه توجه ائتمک لازیمدیرکی، اگرکلمه‌لرین بیرینجی هجاسی اینجه سس له باشلانسا، قالان هجالاردا، اینجه سس له، اگرقالین سس له باشلانسا، قالان هجالاردا قالین سس له بیته‌جک. دیلیمیزده بو هجا هم‌آهنگ لیگی کلمه‌لرین دوزگون یازیلماسیناو هابئله دوزگون اوخونماسینا یاردیم ائده‌جک.

کلمه‌لرده هجا هم‌آهنگ لیگینی آیدینلاشدیرماق اوچون م.ی. لئرمونتو - فون یازدیغی "عاشیق غریب" حکایه‌سینی کی، یوسف اوغلو طرفیندن ترجمه اولونوب آشاغیدا گتیریب، بعضی کلمه‌لرین هجا هم آهنگ لیگینی اتک یازی دا (پاورقی ده) گؤسته‌ریب ولازمی آیندیلاشدیرمالار (ایضاحات) وئریله‌جکدیر.

حرمتلی اوخوجولار بوحکایه‌نی دقتله اوخویوب اؤزنظریه وپیشنهادلارین "وارلیق" مجله‌سی نین دفترینه یازمالی دیرلار. بوسیرْ وبودا "عاشیق غریب" حکایه سی:

چوْخ - چوْخ اوّل تفلیس شهرینده دؤلتلی بیرتوّرک یاشاردیْ. الله اوْنا چوْخلوُ مال - دؤلت وئرمیشدی. آنجاق ماه‌المهری آدلی یگانه قیْزیْ اوْنوُن اوّچوّن بوُ مال - دؤلتدن ده قیمتلی ایدی. گؤیده‌کی اوُلدوُزلار قشنگدیر، لکن اوُلدوُزلاردان اوْیانا ملک لر یاشاییْرلار، بوُنلار، داها قشنگدیر. ماه‌المهری ده بوّتوّن تفلیس قیْزلاریْندان گؤزه‌ل ایدی. تفلیسده عاشیْق غریب آدلیْ یوْخسوُل بیر نفرده وارایدیْ. الله اوْنا گئنیش قلب له عاشیْقلیْق استعدادیْندان باشقا هئچ بیر شئی وئرمه‌میشدی. اوْ طوْی مجلس لرینده گزیب سازچالار، قدیم توّرکستان پهلوانلاریْنی تعریف لر، وارلیْ و خوْشبخت آداملارا کئف وئره‌ردی. طوْی مجلس لریندن بیرین‌ده اوْ، ماه‌المهری نی گؤردو و اوْنلار بیر - بیرینی سئودیلر. قیْزیْن وصالیْنا چاتماغا عاشیْق غریبین اوّمیدی آز ایدی، اوْنا گؤره‌ده اوْ، قیْش سماسیْ کیمی غمگین - غمگین دوْلانماغا باشلادیْ.

یاشاردیْ - بوکلمه‌ده اوچ قالیْن هجاوار: (ی ا + ش ار + دیْ = یا + شار + دیْ)
بوکلمه‌ده ایش له‌نن سس لی قالیْن حرف لر: (ا. ا. . یْ)
وئرمیشدی - بوکلمه‌ده اوچ اینجه هجاوار: (وئ ر + م‌ی‌ش + دی = وئر + میش + دی)
بوکلمه‌ده ایش له‌نن سس لی اینجه حرف لر: (ئ. . ی . . ی)
اوُلدوُزلاردان - بوکلمه‌ده دؤرد قالیْن هجاوار: (اوُل + دوُز + ل ار + دان = اوُل + دوُز + لار + دان) بوکلمه‌ده ایش له‌نن قالین مصوتلر (اوُ. . وُ. . ا. . ا.)

بیردفعه اوْ،اوْزوْم باغیْنداتنه‌ک آلتیْنداتنه‌ک‌لرآلتیْندا اوُزانمیْش نهایت ،یوُخوُیا گئتمیشدی .بوُ زامان ماه‌المهری اؤز رفیقه‌لری ایله اوْرادان کئچیردی ،قیْزلاردان بیری یاتمیْش عاشیْقیْ گؤردوْ ،آیاق ساخلایْیب قیْزلاردان گئری قالدیْ وعاشیْق غریبه یاخیْنلاشدیْ .قیْز :" نه یاتمیْسان تنک‌لرین آلتیْندا ،اوْیان ،آی ده‌لی،کئچیر سنین جیرانیْن"- دئیه اوْخوُدوُ .عاشیْق اوْیاندیْ ،قیْز قوُش‌کیمی سیْچرایْیب اوُزاقلاشدیْ.

ماه‌المهری قیْزیْن نغمه‌سینی ائشیدیب ،اوْنوُ دانلاماغا باشلادیْ . قیْز :"آه ،- دئدی،- بوُنغمه‌نی کیم اوْچوْن اوْخوُدوُغوُموُ بیلسسئیدین،منه تشکر ائده‌ردین ،اوْ اوْغلان سنین عاشیْق غریبین دیر " .

ماه‌المهری :

- منی اوْنوُن یانیْنا آپار ،- دئدی و برابر گئتدیلر.

ماه‌المهری اوْنوُن اوُزوُنوُ غمگین گؤروْب ،سببینی صوْروُشدوُ و اوْنا تسلّی وئرمه‌یه باشلادیْ .

عاشیْق غریب :

- آخیْ، من نئجه درد چکمه‌یم ،- دئیه جواب وئردی،- من سنی سئویرم ، اوْنوُدا بیلیرەم کی، سن هئچ واخت منیم اوْلمایاجاقسان .

ماه‌المهری :

- منی آتامدان ایسته ،- دئدی.- آتام اؤزوْ اؤز پوُلوُنا بیزیم طوْیوُ- موُزوُ ائده‌ر،هم ده منه اوْقده‌ر جهیز وئره‌ر کی، هرایکیمیزه چاتار.

عاشیْق غریب :

- یاخشیْ ،توُتاق کی، آیاک‌آغا اؤز قیْزیْندان هئچ نه‌اسیرگه‌مه‌دی، - دئیه جواب وئردی ،آنجاق کیم بیلیرکی،منیم هئچ بیرشئیم اوْلمادیْ -

---

اوْزوْم - بو کلمه‌ده ایکی اینجه هجا وار:(اوْ+ زوْم= اوْ+ زوْم)
بوکلمه‌ده ایش‌له‌نن اینجه‌سس‌لی حرف‌لر :(اوْ .وْ.)
اوُزانمیْش - بوکلمه‌ده‌اوچ قالین هجاوار:(اوُ+ زان +م یْ ش = اوُ+زان + میْش) .بوکلمه‌ده‌ایش‌له‌نن قالین سس‌لی حرفلر: (اوُ.ا..یْ .)
ساخلایْیب - بوکلمه‌ده‌اوچ قالین هجاوار:(س‌آخ + ل ا + ی یْ ب = ساخ + لا + یْیب).بوکلمه‌ده ایش‌له‌نن قالیْن سس‌لی حرفلر:(.ا. .ا .یْ .).
اسیرگه‌مه‌دی - بوکلمه‌ده‌بئش اینجه‌هجاوار:(ا + س ی ر+ گ ه + م ه = ا + سیر + گه + مه +.دی) .بوکلمه‌ده‌ایش‌له‌نن اینجه‌سس‌لی حرف‌لر :
(ا .ی. .ه .ه .ی) .توجه بومثاللاردا نقطه‌لر صامتلرین یئرین توتوب .

غیندان منی دانلاما یاجاقسان .یوخ،عزیزیم ماه المهری،من تؤبه ائله ـ میشم،سؤز وئریرم کی،یئددی ایل دؤنیانی گزیب ـ دؤلانا جاغام،اؤزؤمه مال ـ دولت توپلایاجاغام،یادا اؤزاق صحرالاردا محو اولوب گئده جگم، بؤنا راضی اولسان، عهدیمیزین تاماميندا منیم اولارسان .

قیز راضی اولدوُ ،آنجاق علاوه ائتدی کی،اگر او،تعیین ائدیلمیش گؤنه قایتمازسا ،چوخدان بری دالیجا ائلچی سالان خورشیدبیگین آروادی اولاجاقدیر .

عاشیق غریب اؤز آناسی نین یانینا گلدی،سفره چیخماق اوچون اونون خئیر ـ دوعاسینی آلدی،بالاجا باجی سینی اؤپدؤ هئیه سینی چیگنیندن آسدی وسفر اثاثینی اؤزؤنه دایاق ائده ـ ائده تفلیس شهر ـ یندهن چیخدی .

بؤدوُر ،اونون دالیجا بیرآتلی قاچیر ،عاشیق غریب باخیب گؤردوکی، گلهن خورشید بیگ دیر .

بیگ اونا :

ـ یاخشی یول ! ـ دئیه چیغیردی،ـ آی غریب ،دئدی،ـ هارا گئتسن، من سنیله یولداشام .

عاشیق غریب اؤز یولداشیندان راضی دگیلدی،آنجاق الیندن نه گلهردی.اونلار بیرلیکده چوخ یول گئتدیلر ،آخیردا اؤز قارشیلاریندا بیرچای گؤردولر .چایین نه کؤرپوسو ،نه ده کئچیلهجک دایاز بیر یئری وار ایدی .

خورشید بیگ اونا :

ـ سن قاباقجا اوز، من ده دالینجا اوزوب گلهرهم ،ـ دئدی .

اولما دیغیندان ـ بوکلمه ده بئش قالین هجا وار :(اول + ما + دی +غ ین+ دان = اول + ما + دی +غین + دان)

بوکلمه ده ایش لهنن قالین سس لی حرف لر :(او . ا .ی .ی . ا .)

کؤرپوسو ـ بوکلمه ده اوچ اینجه هجا وار :(کؤر+ پ وُ+ س وُ= کؤر+پوُ+ سوُ

بو کلمه ده ایش لهنن اینجه سس لی حرفلر : (ؤ. .وُ .وُ)

عاشیق ـ بو کلمه ده ایکی قالین هجا وار : (ع ا + ش ی ق = عا + شیق)

بوکلمه ده ایش لهنن اینجه سس لی حرف لر : (ا .ی .)ـ آردی گلهن صایید

مجله میزه گلن مکتوبلار

مجله‌یه گله‌ن مکتوبلاردان بیری ده اردبیلدن آقای عبدالله بهمنی نین محبت‌له دولو مکتوبو ایدی. ایکی شعری ده وار ایدی. بیری میرزه علی اکبر صابرین " نئیلیردین الهی " شعرینه نظیره ،بیری ده "وارلیق یازیر " تیترلی بیر شعر ایدی. قارداشیمیز عبدالله بهمنی نین بو شعرلری نشان وئریر کی،گله‌جکده دوغما دیلیمیزده یازیب ـ یاراتماق استعدادینا مالکدیرلر. وبیزده بورادا اونون هر شعریندن نئچه بیتنی گتیریریک :

دیل آنلاماز انسانلاری نئیلیردین الهی
خلق ایچره بو نادانلاری نئیلیردین الهی
انسان اؤزو جسم ایسه دیلی بیرجانابنزه‌ر
دیل سئومه‌زی،بی جانلاری نئیلیردین الهی

وارلیق یازیر :

ائلده یولون چوخلار آزیر — وارلیغیمیز دوزون یازیر
خان بهروزوم * اونو ساتار — وارلیق آلان قصده چاتار
دیلین سئوه‌ن وارلیق آلار — شیطان الی بوشدا قالار
حیات یولو چالا چوخور — تورک بالاسی وارلیق اوخور
بوگون هرکس اولسا فاغیر — باشینا بیل غم لر یاغیر
یادلار بیزه قویو قازیر — اما وارلیق دوزگون یازیر

حرمتلی اوخوجوموز آقای جلال محمدی

مکتوبونوزو آلدیق . شعرینیزی طاهرا " عروض" وزنینده یازماق ایسته‌میش‌سنیز ، لکن وزنی یوخدور ، سئچدیگینیز ردیف و قافیه‌دن ده دئمک اولماز کی سربست (آزاد) شعر یازماق قکرینده ایدینیز .سیزه فضولی دیوانینی و وارلیق دا چیخان آقای پیرهاشمی نین عروض‌وزنی باره‌سینده مقاله‌لرینی اوخوماغی توصیه ائدیریک .

امیدیمیز وار بیر مدت چالیشاندان صونرا یازاجاغینیز شعرلردن بیزه گؤنده‌ره‌سینیز . سیزه باشاری دیله‌ریک "وارلیق "

---

* بهروز کتابخاناسی اردبیل ده " وارلیق " مجله‌سی و دیلیمیزده‌اولان کتابلاری ساتان کتابچی دیر .

ایکینجی گله‌ن شعرلی مکتوب اردبیلین (ننه‌کران)کندیندن دیر. بو هوسکار دوستوموزون شعری معنا و شاعرین دویغوسو باخیمینـــدان یاخشی دیر.اما ، او گؤزه‌ل دویغولاری،گؤزه‌ل بیر شکیلده شعره‌چئویرمک گره‌ک .

البته ،گؤزه‌ل شعرلر قوشماق اوچون انساندا شعر ذؤقو و شعرطبعی اولماقدان باشقا ،گنج لریمیزه چوخ اوخوماغی،وکلاسیک شاعرلریمیـــزین اثرلرینی دؤنه ـ دؤنه مطالعه ائتمه‌لری توصیه اولور.چونکو بیرشاعر ـ ین شاعرلیک و هنر استعدادیندان باشقا قوتلی ذکاء و حافظه‌صاحبی اولماغی گره‌کدیر .مثلا اقلا مین بیت‌شعر حفظ ائله‌مه‌لی دیر. بورا دا (ننه کرانلی) دوستوموزون شعری نین نئجه بندینی گتیریریک :

علی کیشی [1] ائللر سنی یاد ائیلر
اؤگوت‌لرین اوره‌ک‌لری شـاد ائیلر
دوشمن لرین حیله‌سی بیـــداد ائیلر
ننـه‌کران سنله باشـــــی اوجـالار،
دوغمـــا ائللین سن سیزلـــکدن قوجالار.

علی کیشـی دور ایندی باخ ایرانـا
عزیز دیـــار آبادان ، خوزســتانـا
هـای ویریریق ، جار سالیریق هریانـا
دوشمـــان شومون اؤز باشینا چالاریـق.
دؤنمـز ایگیت‌لریک قصـــاص آلاریـــق.

---

۱) علی کیشی ننه‌کراندا عاقیللی کیشی ایمیش .

ترکمن شعر و آتالار سؤزلریندن نمونه‌لر:

****

ترکمن شاعرلریمیزدن آقای غفار بردی بیرمکتوبلا برابر ترکمن شاعرلریندن،ترکمن آتالارسؤزلریندن الهام‌آلیب قوشدوقلاری شعرلردن بیزه نمونه‌لر گؤنده‌ریب ،بیزده سئوینه‌رک اونلاری عینا " وارلیق"دا درج ائدیریک :

۱ـ آد یاخشی،دنیا یه‌گلن زادیاخشی، قدربیلمز قارداشدان، قدربیلن یاد یاخشی .

اوتوروشی بیرکؤنگلی(کؤنلو) آیری قارداشدان

شیرین ملاقاتلی بیگانه‌یاخشی (ذلیلی)

۲ـ آقساغی تایاغ ساقلار.

آقساغینگ الیندن آلسانگ آغاجین

یامان درده دوشر تاپمازعلاجین

بیرگویشلی دوشمنه‌دوشسه مکاجین

چوجوغینی گیزله‌ماین بولارمی (مختومقلی)

۳ـ آلتی‌نینگ آغزی بیربولسه (اولسا)آسماندا کینی‌آلار، آلتمیشینگ آغزی آلابولسه‌آغزیندا کینی آلدیرار.

آلابولسا آغزی اگر بیرائلینگ

آیاقلار باش بولار (اولار) ،باشلارهم آیاق(مسکین قلیچ)

۴ـ آلتین(قیزیل)آلما ،آلقیش‌آل (دعاوآفرین)

یخشی (یاخشی) سؤزه‌قولاق سالفیل

سحروقتی بیدار بولفیل

یخشیلاردان آلقیش آلفیل

عمرینگ آرتیب زیاد بولسون(مختومقلی)

۵ـ آیرالیق (آیریلیق) اؤلومدن آجی.

آیرالیق اودینا یانیب بیشمه‌یان

ظالیملار ظلمندن دولیب داشمایان

وطندان آیریلیب غریب دوشمه‌یان

اؤلکه‌سینده‌ائلینگ قدرین هئچ بیلمز (مختومقلی)

۶ـ احمق دوستدان عقللی دوشمان یخشی‌دیر.

قالانی ۴۸ـ نجی صفحه‌ده

یازان : ساوه‌نین خرقان بخشی نین بندا مبرکندیندن
بیرینجی درجه‌لی عدلیه وکیلی علی کمالی
==========

* مداح *

گئچمیشده ، گون اوزونه پالچیق سورتوب ،ایران جمعیتی نین یار- یسینا قده‌ر تورک لرین ، مدنیت ،دیل وادبیاتی نی دانمیشدیلار .حالبو کی، مدنیت باخیمیندان دا تورک لرین مدنیتی ،آیری ایرانلیلا رین مدنیتیندن یؤکسک اولماسا ، اسکیک ده دگیلدیر .

قورتاریجی اسلام مکتبی قرآن کریمین شریف آیه‌سی " إن أکرمکم عندالله أتقیکم " ی، نظره آلاراق و اساسی قانوندا ، ایران خلق لری نین هره‌سی نین،دیلینده ،یازیب - اوخوماقی ،آزاد ائده‌لی، بو هامی یا ،بللی اولوب کی،یاد اؤلکه‌لردن گله‌ن مدنیت‌لرین قارشی سیندا ،اول ایران خلق لری نین تامام باجاریقلارین ایشه سالیب ، اون - لارین کسه‌رلی قیلینج لری نین قانشاریندا ،اؤز وارلیغیمیزی قوروماق اوچون ،فرهنگی قارت‌قالخانلاری باشا چکمک ،صونرادان ،یوروشچیلارین باشلارین علمی و مدنی آغیر چماقلاریمیز ایله ازمک گره‌کدیر .

کئچن ایللرده ،فئودالار کندلرین باغلارین یییه‌له‌نیب ،کندلی لری تامارزی ساخلاردیرلار ،ائله ،بونا گؤره‌ده ، کندلرین جاهیل - جومردلا ری اؤز امک لری ایله تؤره‌تن باغ - باغاتین عمله گله‌نینی ،گیزلین حال دا ، اله کئچیریب یا گؤرمه‌میش قالیب ،اربابلارا تاپدالاماق واؤزلرینه باسقین یولون آچاردیرلار ،اما ایندی یوخسول ساخلانمیش کندلی لر ،اسلامی انقلابین برکتیندن، اکمه‌لی یئرلرین و آغاجلیقلارین یییه‌لری‌اولموشلار ، کی هله بو بیرقیراقا ،داها ،اؤزگه‌لر الینده‌کی شئیلره‌ده‌یئریک له‌مزلر .

تورکی ده " ائل لره یالوارینجا ، الله یالوار" - دئیه ،بیرمثل واردیر .ایندی بیزیم ،کوردو ،بلوچی،عرب لری و تورکی دانیشان ایران- لی قارداشلاریمیزدا ،بونون - اونون آغزینا و دیلینه باخانجا انقلا - بین بؤیوک یولا آیارانی بویوردوغو کیمی اؤزلرینه سؤیکه‌نیب و اؤز آیاقلاری اوسته دوروب و اؤز دیللری ایله یاشایشلارین برکیتسه‌لر ، بو ایشین هرنه دئیه‌سن ده‌گری واردیر .

آنجاق سئوینیب و ایسته‌ییریک کی،ایران اسلام جمهوریتی نین اؤندر - لری ،اسلامین کؤک لو ،برابرلیک و قارداشلیک حقوقونو نظره آلاراق

تورک لرین اوزون مدت تاپدالانمیش ایسته‌ک ودیله‌ک لرینی گؤزه‌لجه‌سینه حیاتا کئچیریب ،دیلیمیزین آچیلماغینا و مدنیتیمیزین دبرچلمه‌گینه هرجور شرایط یارادیب واونو قانون اولاراق ،آیری دیللرله بیر گؤزده گؤروب ،یاییلماسینا داها آرتیق امکان یاراتسینلار.

وزین " وارلیق "مجله‌سی نین بوراجن تحصیل ائتدیک لری یوخاریدا دئییلن یاردیملاردان بهره‌سیز دگیلمیش،بیز ده اومان یئردن کوسمه -ییب ،بلکه گون به گون اومیدیمیزی آرتیراریک .

تاری یارادان انسانلار حقوقون وئرنلری،تاری اؤزو ساخلاسین،بیز ده بو یولدا چالیشیریک کی،تاری نین یاراتدیغی تورک حرمتلی بیلی- جی وشاعرلری،یولسوز فلک زده اؤزلرین باشا دوشمه‌ین لره و هابئله اؤزلرین تانییانلارا تانیتدیراک .

اورتا ایران ملی و مذهبی تورک شاعرلرین ساوا کندلرینندن:مرغی لی تلیمخان و تورکمن محمود ،سنگک لی عاشیق رضا علی،قیرمیزین لی فقیر ،مزلقانلی آثم ،مسلم آبادلی قدسی، سوسنقین لی مهدی منتظر، الویرلی محمد خوشنویس ،زرگر ائللی لی قلیخان ،مصرقانلی اکبر رزاقی،سولو دره‌لی عندلیب ،ورچندلی پناهی،بند امیرلی شیخ حسن محترمی،مصرقانلی عاصی،آجانلی عاصی وهمدان کندلرینندن عین آبادلی داوری،کهاردلی فانی، درگزین لی ملا احمد ،نییرلی افشار و ملایرین قلی کندینندن یادگاری نی بو گونه قده‌ر تانیتدیرمیشیق .بوندان صو- نرا ،آیری یئرلردن ،هله بیر چوخلارین تانیتدیراجاغییق ،ایندی ایسه خرقانین کولونگون (کلنجین) کندینده دونیا گلیب و بیر مدت اورا- دا یاشایان ،صونرا خرقانین (ایلدرجی)آدیندا بیر آیری کندینده عؤمرون سوره‌ن و کرج ده وفات ائدیب و قم شهری نین وادی السلام مزار - ستانیندا توپراقا تاپشیریلان ،اقتدارلی شاعر رحمتلی میرزا محمد علی (مدّاح) قدیانی نی تانیتدیرماق ایسته‌ییریک .

خرقانین تاکستان اوستونه یازیلان منطقه‌سی نین کولونگون (کلن- جین) آدلی بیر کندی وارکی، اورادا ۱۲۸۰ هـ. شمسی ده مهرعلی اوغلو محمد علی دونیایا گلیبدیر .محمدعلی سجل وئره‌نده اؤزونه (قدیانی) شهرتی نی سئچیب و کند مکتبخانالاریندااوخویوب یازماق ایله خلق طرفیندن (میرزا) لقبین آلیب ومیرزا محمدعلی آدلانیبدیر. شعر دئمه‌گی ائمهء اطهار وسید ابرارین مدح لری ایله باشلاییب، بونا

ـ گؤره ده تخلصون (مدّاح) انتخاب ائدیب دیر.

مداح تخلصی میرزا محمدعلی نین مدح ده یوکسک اقتدارین گؤسته ـ ر ن حالدا ،اونون آیری نوع شعرلره باجاریقینا مانع اولان عنوان دگیلدیر، نئجه‌کی، تورکجه و فارسجا صنعتی و فنی تغزلی شعرلری ده مدیحه‌لردن آز کسمز .

مداح قیرخ یاشیندا گؤزلری نین تامام ایشیقلرین الدن وئریب صونرا ایسه ایشیق اوره‌گی داهادا ایشیقلانیبدیر وبونا گؤره‌ده‌گاه دان اؤزونو (ضریر) کی، یازانلار ناحیه‌سیندن اشتباها ذلیل یازیلیب آدلاندیریب دیر.

رحمتلی میرزا محمدعلی عومرونون آخر ایگیرمی بئش ایلینی خرقا ـ نین (ایلدرجی) آدلی کندینده کئچیریب و ۱۳۵۲ هـ. شمسی ده کرج ده دونیادان گئدیب و قم دا وادی السلام مزارستانی نین سککیزینجی قسمتینده و ۲۵۲ ـ نجی مقبره‌ده دفن اولوبدور.

مرحوم میرزا محمدعلی قدیانی خورشید خانم آدیندا بیر قادین ایله ائوله‌نیب و اونلاردان اوچ اوغلان : عطاءالله ، ریحان الله و نصرالله آدلاریندا عمله گلیبدیرلر،آقای عطاءالله قزوین عدلیه‌سینده دولت‌قوللوقچوسو، ریحان الله قزوینین الوند شهره‌کینده کاسب ونصرت الله دا روحانی و شیخ نصرت‌الله عنوانینا نائل اولوبدورلار.

ایندی مداح اثرلریندن (سرود تورکی) عنوانیندا بیر شعری ملاحظه بویورون :

*** سرود تورکی ***

ساقیا گتیر دورما ،وئراوجام میـــنانـــی
مست اولوم، ائدیم افشابیر عجیبه‌دستانی
عشق ائدیب منی رسوا ، عاشقه ملامت یوخ نی
گولدن اؤترو هر بولبول شغل‌ائدیب غزلخوانی
وئر پیاله نی شاید عکس یار اولا پیـــدا
من پیاله ده تاپدیم بیر جمال نورانی
عشق بیر یامان درد بی دوا دیر ای یاران
عشقه دوشمه‌ین بیلمز لذت بو دونیـــانی
هر کسی کی،عاشق دیر ،ملک ومال وجان نئیلر؟
آرزوسی هر آنی وصـــل روی جانـــانی

من ده بو بیابانی عشقه بیر قدم قویدوم
کوشش محبتدن جانیم ایله‌دیم فانی

بیر زمان قلندرتک سئیر قیلدیم عالمده
گؤردوم اول سیاحتده ، سرد و گرم دورانی

بعد بیر زمانی من اختیار کنج ائتدیم
قوت جان اولوب غصه شربتیم جگر قانی

هر قدر سکوت ائتدیم چیخمادی باشیمدان عشق
گون به گون فزون اولدو یار حکم وفرمانی

آخری اؤزوم سالدیم بو عمیق دریایه
غرق بحر عشق اولدوم ،ایچدیم آب حیوانی

بیر گئجه گلیب یارو لطف ائدیب پیاله منه
آلدیم ایله‌دیم نوش اول شربت گوارانی

گؤردوم اولدوم عاشق من گئتدی صبرو تاب الدن
ای خدا داخی گؤررم بیرده اول دلارانی

من رضای عشق ایله هرنه نیشی نوش ائتدیم
مسکن ایله‌دیم آخر کوه ودشت و صحرانی

هرنه گزدیم عالمده گؤرمه‌دیم بغیراز یار
فاش قیلمه بو رمزی ساخلا بو معمانی

وادی محبتده یوخدو منزل و فرسخ
جان اگر تلف اولسون اولماران پشیمانی

بیر جمال لیلی وش ایله‌دی منی مجنون
قیس تک بو مهجوری گؤر ائدیب بیابانی

سرو قامتی الدن صبر و تابیمی آلدی
ماه صورتی قیلدی ملک جانی ویرانی

بیر نظر سالیب گؤردوم آغ اوزونده بیرخالی
هندوئی توتوب مسکن بیر مکان اعلانی

قاره کیپریگی اوخ تک قلب زاریمی دلدی
یار گؤزلری سالدی باشیمه بو سوودانی

چشمه‌سار جاری دیر غنچهٔ دهانیندان
لب لری گول قرمز- صورتی گلستانی

بیر کنایهٔ حرفی یاندیریب کباب ائتدی
ماه مصردن درک ائت مقصد زلیخانی

چوخلاری بو معناده قالدیلار ضـــلالتـــده

عارف ایستیری بیلسین نکتهٔ بو معنانی

میرزا محمدعلی فارسجادا یاخشی ـ یاخشی شعرلر دئییب وبوقسمتده ده قدرتلی الی وشیرین دیلی وارایمیش بورادا مداحین بیرفارســـی غزلین اوخویاق :

من عاشق نگارشدم‌هرچه باد ،بـــاد * پیوسته‌درخمارشدم هرچه‌باد ،بـاد
مطرب زعشق یاربگو یک سرود عشـق * دلبند جنگ وتارشدم‌هرچه‌باد ،بـاد
رسوای عشق فاش بگویم منـم ،منـم * بی صبروبی قرارشدم‌هرچه‌باد ،بـاد
هرقدرجهدکردم ازاین بحر درشـوم * من غرقهٔ بحارشدم هرچه‌باد ،بـاد
ناصح نصیحت تومرا سود بخش نیست * مجنون کوهسارشدم هرچه‌باد ،بـاد
غیرازوصال یارمراچاره نیست نیست * دائم‌درانتظارشدم هرچه‌باد ،بـاد
عاشق کجاوصبرکجا ؟این بود محال * تن خسته‌دل فکارشدم‌هرچه‌باد ،بـاد
سربسته‌شعربسکه‌به‌گفتم زعشق تـو * رسوای روزگارشدم هرچه‌باد ،بـاد
عمرمرا صفای بهاری رسیده بـــود * اماخزان یارشـدم هرچه‌باد ،بـاد
هرکس نداندعشق چه‌باشدویارکیست؟ * من هم‌خوداختیارشدم‌هرچه‌باد ،بـاد
ازجان ودل ثنای همین چاره‌کنم * "مداح"شهریار شدم هرچه‌باد ،بـاد

مداحین ال یازما دیوانی سککیزمین بیته‌قدهر شعره شاملذیرکی، حرمتلی اوغلو آقای ریحان الله قدیانی یانیندا ساخلانیر .شاعرگؤزلری ساق اولان وقتهجن شعرلرینی اؤز خطی ایله یازبدیرکی،بوقسمت اونـون دیوانی نین اوچدن بیری اولا بیله‌ر ،اما اوتوز ایکی ایل گؤرسوزلـــوک چاغیندا دئیه‌ن شعرلری اؤز دیریلیگینده اؤزگه‌لر خط لری‌ایله‌دیوانینا کئچیرمیشدیر .آقای عطاءالله قدیانی نین تاپشیردیغینا گؤره ، آقـــای ریحان الله قدیانی مداحین دیوانیندان فتوکپی گؤتورماغی بیزه‌اجازه وئردیلر ،بو جهتدن او ایکی عزیز قارداشدان اؤز منت دارلیغیمیـــزی بیلدیریریک .

مرحوم مداح هامی نوع شعرده و همچنین بحر طویل ده ده یاخشـــی الی وار ایمیش ، آشاغیدا گله‌ن بحر طویلی حضرت‌علی (ع)مدحینده چوخ گؤزه‌ل شکل ده و معنی ده سؤیله‌یبدیر :

﴿ بحر طویل حضرت علی(ع) مدحینده ﴾

اول از حمد خداوند کریم واحد و قادر بکتا و رحیم صمد و عالم و استاد قدیم و یارادان عرش و هم کرسی و لوح و قلم و طاق نه افلاک

و هم شمس و قمر نجم و کواکب ،او دو تغییر وئره‌ن بو شب وروزه ،یا ـ رادان شش جهت و چار عناصر ،بعداز آن نعت رسول مدنی و قرشی، کان کرم، محرم اسرار حرم، احمد و محمود و محمد شه لولاک ، ابوالقاسم امی لقب شاه عرب ،منبع هر علم و ادب ،سئیر ائله‌دی بیر گئجه ده جمله مقامات و حجاباتی و هم عرش خدانی وهم شق قمر ائیله‌دی تا اینکه یئتیردی بیزه قرآن و برهان و دلایل ،بعد مدح ائیله‌یم او ـ ندان صورا اول پادشه کون و مکان ،سر نهان ،سرور دوران ، جان جهان ،ببر بیان ، شیر دمان روح روان ،غنچه دهان،کیم اودور عین الله و باب الله ، او دور سر الهی، و اونون زوری ایله دین تا ـ پیب رونق و ترویج ،او دو دوست لرین شاد ائله‌ین ،دوشمنی نی کور، او دور سرور مسرور ،اگر وصفینی ذکر ائیله‌یه مخلوق سراسر الی اول و آخر، اولا یئر یوزو دفتر ،هامی کاتب اولوب ،ثبت ائله‌یه جن و بشر، جمله ملک لر یازالار منقبت شیر خدا تا صف محشره کی بیر ذره‌ای او ـ صاف علی دن ،گئنه گلمیبدی او تقریر بیانه و هم نطق زبانه بو علی شیرخدا دیر نئجه کیم حضرت خضری قویوب آواره‌ٔ حئیران ،اؤزو اول شه خوبان ،گئدیب چشمه‌ٔ حیواندا پنهان اولوبان،طفل ایکن اؤدری مهد ایچره بؤلن ،بیر لیف خرما ایله اول دیو سفید الینی باغلایان حیدر، علی قاتل عنتر، علی فاتح خیبر، علی شافع محشر، او دور شیعه لره ناصر و یاور، او دور معرکه‌ٔ رزمده ضرغام مظفر ،اودور شیر غضنفر، اودور ماه منور، اودور حوزه‌ٔ اسلامده بیر خسرو خاور ،اودور سرور ابرار ،اودور سید رهبر ،اودور ساقی کوثر ،اودور میرهنر پروروگردونفر، امیر دو جهان ،سرور مردان،بیر آدی قاتل عدوان ،بیر آدی شافع عصیان ،بیر آدی ناطق قرآن ،بیر آدی قدرت یزدان ،بیر آدی فارس میدان،بیر آدی قاطع برهان ،بیر آدی قاسم رضوان ،بو شه کون و مکان، سر خدا دیر ،نئجه کیم حضرت سلمانی آلیب سیصدوسی سال ایره‌لی ،ارژنه ده شیر الیندن ،او زمان فصل بهار ایدی،آچیلمیشدی گول یاسمن و نسترن و سوسن و زنبیق و قرنفل ، گول سرخ و گول نرگس ،گول ریحان ، هامی دشت و بیابان گئییب خلعت الوان ،او زمان حضرت سلمان کی،بیر دسته‌ٔ ریحان ،دریبدیر گتیریب رسم تعارف دئدی ای شاه باغیشلا منی ، بیر تحفه یوخومدور سیزه لایق، بو علی رکن هدایت و هم شاه طریقت و هم ماه حقیقت و هم حامی دین رایج اسلام و شریعت ،یازار غزوه‌ٔ خیبرده

کی،چون لشگر اسلامیله کفار مقابل چو دوروب بیر ـ بیرینه ،مثل جهنم له بهشت ، کفاردن اول مرحب بد ذات و سرشت ،گتیریب مرکبی جولانه ، یئتیب صحنهٔ میدانه ،باخیب غیظ ایله هریانه ،دؤنوب باغری قیزیل قانه ، جهنم کیمی بیر نعره چکیب ، غارده دیو سراسیمه اولوبدور ،او دهان نجسین آچدی، هم او اوددان دیلینی آچدی بنا ایلدی،لاف ایلمگه ، چون بو طرفدن ائشیدیبدیر بو سؤزو، تاب گتیرمه یب ولی الله ،اسدالله ، یدالله ، کنار اولدو صف نوردن ،مثل چیخیب گون بولود آلتدان طلوا ـ تین سسی،تکبیر دئیه ن صوتی،ملائک لری مات ائتدی،بو شوکت له ،بوصولت له ،بو عزت له ،بو قدرت له ،بو قوت له ،بو هیبت له ،او شه چونکی یئتیب مرحب ایله اولدو مقابل ،بویوروب مرحبه ای تابع شیطان،و ای طالب نئیران ،داخی ائیلمه طغیان ، گل اول ایندی مسلمان ،آپاریم ختم پیمبر یانینا ،خلعت پیغمبری گئی اگنیوه ،اول تابع اسلام وهم قابل جنت ،ائشیدیب جون بو سؤزو ،یاندی جهنم کیمی،اول مرحب بدکار،او ـ بیعار، اونا ،موعظهٔ شیرخدا ائیلمه دی کار،اوبدکار خطاکار، آتیب ال ،یاپیشیب قبضهٔ شمشیری ،حواله ائله دی شیرخدایه ،او زمان حضرت مولا سپرین چکدی باشینه ،او لعین غیظ ایله ،بیر تیغ اوروب ،راس مبا ـ رک یارالاندی،گلیب غیظه او دم شاه ولایت ،کی اول شافع امت ،قمر برج امامت ،گهر بحر کرامت ،دُر دریای فتوت ،اوروب دولدولونا هئی، او دم حکم خدا اولدو ملائک لره شیریم گلمیش خشمه ،اگر تیغ بوهیئت له بو هیبت له ،بو قدرت له ،بو قوت له ،اورا ، عالم اولور زیر و زبر، حکم خدا اولدو اودم حضرت جبریله ،قنادین دؤشه یب روی زمین اوسته ، مقابله ده دوروب حضرت عزرائیل و میکائیل و اسرافیل ،قولون توتدو او حالیله ،او سطوت له ،اوصولت له ،او حرات له ،مهابت له ،اوروبدور قیلی ـ جی مرحبه بؤلدو سپر، مغفرینی ، خود ـ عرقچینی بیچیب ،باشه گئچیب ، اگله شیب ابرویه ،دماغه و دهانه یئتیشیب نحس نجس سینه سینه ، چونکی او یئرده وارایدی بغض علی، بغض پیمبر ،ایلدیریم تک یئتیشیب مرکبه ، هم مرکب ایله مرحبی،دؤرد پاره ائدیبدیر ،پر جبریلی بیچیب ،مرحب اجل جامی ایچیب ، گاو و ماهی بو شهین قدرتینه ،قوتینه ، جراتینه ، صولتینه ، سطوتینه ، هیبتینه ، ضربتینه ،مات و مبهوت قالیبدیر ،اوقضا و قدری بهت آپاریب ،سؤیله دیلر شصتیوه قربان ، علی جان ،علی جان، یئتمز اتمامه بو عالی نسبین شرحی و هم وصفی وهم مدحی او دورسرخدا ،

باب خدا ،عین خدا ،سیف خدا ،دست خدا ، شیرخدا ، میر هدی ، من نئجه وصفین ائدیم انشاء ؟ آه و افسوس شهی کی،بو جلالتده و شوکتده ، بو سطوتده ،بو صولتده ،بئله قدر و شرافتده ،بئله رحم و مروتده ،بواحسان و سخاوتده ،بو غیرتده ،شجاعتده ،اولا ،بس نه سزاوار اونون کلفتینی شمر ائده دستگیر ؟ اورا قیزلری نین بوینونا زنجیر ،اوراخیمه سینه آتش سوزان ، حسینین بدنی ،یار و انصاری ایله گون قاباقیندا ، قالا عریان ،باجی سی زینب ائده ناله و افغان ،دوشه مجنون کیمی چؤللره آواره حئیران ، بسدی " مداح " امان ،ائتمه داخی آه و فغان ، صدقیوی باغلا سن اول حیدر کراره ، یاپیش صدق ایله مولا اتگیندن

** ** **

مداح بیر مناجات مضمونلو شعرینده گؤرون نه طور اؤز یارادانینا النجاء ائدیب و اونا یالواریر :

﴿ مناجات ﴾

ملکا درگه پاکینده ناچیز و تباهم من
شهنشاها غبار رهروان بارگاهم من
کریما ، خالقا ، پروردگارا ، حی و معبودم
الیم بوشدور ،یوزوم قاره ،حقیروروسیاهم من
خدایا کاه کوهه کوه بیر کاهه باغیشلارسن
همان کوه عطا و بخششن سن ، پر کاهم من
خطا کارم ،جفا کارم ،پریشانم ، پشیمانم
خجولم ،شرمسارم ،اشگریزم ، تیره آهم من
گئچیب عمروم بطالتده ،کسالتده ،جهالتده
ندامت سود وئرمز غرق دریای گناهم من
گدایم ، مستمندم ، سائلم ، درویش درگاهم
بو فخریم بس گدای پیشگاه پادشاهم من
گهی فضلینده خرسندم ولی عدلینده لرزانم
زمانی نیز گاه خشک و چون برگ گیاهم من
واریمدیر آرزوی مغفرت درگاه فیضینده
نه دربند عیال و ملک ومال وعز وجاهم من
منی قووما قاپیندان ناامید معصیت کارم
گؤزوم باب کرمده چون سگان شامگاهم من

بحق اولیاء الله ،بحق انبیای دین
طریق حقه وادار ایله‌بیر گمگشته‌راهم من
بحق آدم و نوح و خلیل و عیسی و موسی
اسیر نفسم و دلبسته‌ء لطف الّهم من
حق جبریل و میکائیل و اسرافیل وعزرائیل
گئجیب عمروم هدر مشغول روزوسال وماهم‌من
بحق چارده معصوم گئچ جرم و گناهیمدان
واریم اقرار اؤز جرم وگناهیمدان گواهم‌من
اگرچه مستحق هر عقوباتم گذشت ایله
حسین عشقینده مداحم ،غلام دستگاهم من

فارسجا " جلوه‌ء دیدار من " آدلی شعرینده ده ملاحظه بویورون نه گؤزه‌ل بدیع صنعتدن استفاده ائدبیدیر :

*** جلوه‌ء دیدار من ***

جلوه‌ء دلدارمن ،شاهد اقرار من * شاهد اقرار من، جلوه‌ء دیدارمن
باده‌ء گلنارمن،نطق گهربار من * نطق گهربار من،باده‌ء گلنارمن
رونق بازارمن ،عکس رخ یارمن * عکس رخ یارمن،رونق بازار من
محرم اسرار من،نقطه‌ء پرگار من * نقطه‌ء پرگار من،محرم اسرار من
پیرخریدار من،بیخبر ازیار من * بیخبرازیار من،پیر خریدار من
عاشق دیدارمن،کی بودانکارمن؟ * کی بودانکارمن؟ عاشق دیدارمن
شهرت اشعارمن،مفتی دیدار من * مفتی دیدار من،شهرت اشعار من
پرده‌ء رخسار من،یافته‌هشیار من * یافته‌هشیار من،پرده‌ء رخسار من
بانگ علی جارمن،شدبجهان کارمن * شدبجهان کارمن،بانگ علی جارمن
شاه‌مددکارمن،یار هوادار من * یارهوادار من، شاه مددکار من
مادح افکارمن، شیرخدایار من * شیرخدایارمن ،مادح افکار من

مرحوم مداح یاخشی مرثیه دئییب و گؤزه‌ل سس ایله اوخورموش، آقای عطاء الله‌قدیانی تعریف ائتدیلر کی،بیرمجلسده مرحوم میرزا محمد علی اؤز پیش واقعه‌لریندن بیریسینی اوخویاندان صونرا رحمتلی عین آبادلی شیخ احمد (داوری) کی،او دا بیر آدلیم و اقتدارلی شاعر ایدی و عزیز "وارلیق "مجله‌سینده کئچمیشده اونودا معرفی ائتمیشیک چوخ متاثر اولوب اؤزوندن اختیارسیز اولوب مداحین آغزیندن اؤپموش ـ دور.ایندی مداح مرثیه‌لریندن (اولسون) آدلی بیریسینی محترم

اوخوجولارین مبارک نظرلرینندن کئچیریریک :

*** اولسون ***

گوگل گلزار شهرینده گره‌ک دائم‌قرین اولسون
ولی آختارماغا سرمایه‌بیر در ثمین اولسون
بلی عاشق گره‌ک نوش ایلیسین زهر هلاهلدن
مزاج کامینه بو زهر شهد شکرین‌اولسون
اولور عشق اهلی آواره‌بلی،بوروزگار ایچره
خوشا اول عاشقه معشوق ایله‌همنشین اولسون
گؤره‌نده گوللری پژمرده بولبوللر چکه‌ر ناله
امان اول وقتدن گوللردمی خاره‌کمین‌اولسون
اوگون گوللر سارالدی اکبرین باشی قیلیجلاندی
صولوب‌گلشن ورق تؤکدو اگر خلدبرین‌اولسون
اولوب‌گلزار بی رونق چکیلدی عطر گوللردن
صفا گئچدی،گلستان آغلاسین بولبول‌غمین‌اولسون
گلستان کربلا،اکبر گول و لیلا اولور بولبول
مذمت یوخ ،گرقان آغلاسین لیلا حزین اولسون
هانی لیلا کیمی بولبول؟هانی گول عارض اکبر؟
هانی بولبولده‌بئیله‌ناله‌وشور انین اولسون
هانی اوغلان علی اکبر؟هانی لیلا کیمی مادر؟
رضا دیر چون اسیر اشقیا و مشرکین اولسون
هانی بیرگلستانی کربلا گلزاری تک رنگین
هانی خاری سنین کوفیان قوم کین اولسون
دئی کوی حقّیده کیمدیر وئره‌ن اؤز اوغلونو قربان
علی اکبر کیمی بیرنوجوان مه‌جبین اولسون
اولایدی مثل الهی منقذبن مره‌ء عبدی
بئله شهلا گولون خاری گره‌ک بئیله‌لعین‌اولسون
علی اکبر یارالاندی جگر پاره اولوب لیلا
کیمه‌دردین دئسین ؟یوخ بیرنفریارمعین‌اولسون
شبیه گول جمالین ایله‌ییب رنگین قانیله
کی تاشوق کمال ایله‌جمالی هم‌قرین اولسون
دوشوب‌لیلا علی اکبر دالیجه چؤللری گزدی
دئییردی کاشآنان‌اولسون علی‌عشقین‌یقین‌اولسون

منم عاشق اوشهلا گؤزلره زحمت قبولومدور
قولوم زنجیره باغلی شغلوم آه آتشین اولسون
علی عشقین بیابانه سالیبدیر بو دل افکاری
گئچیبدیر بوینوما عشقین طنابی همنشین اولسون
مگر بوداغ سینه مدن گئده رطوی گؤرمه دین اؤلدون
آنان اؤلسون نه قدری واردی جانیبوشوروشین اولسون
منم بانوی عزت یا علی خوار اولموشام باخ گؤر
آچیق باشیم رقیبیم خولی وشمر حصین اولسون
تمام اولماز علی اکبر غمی لیلا مقالاتی
تمام ائیله سؤزون "مداح "یارین شاه دین اولسون

مرحوم مداح بیر تریاکی دیلیجه اونون عورتینه خطاب بیر یاخشی منظومه دوزه لدوب کی، بوشعرین هامیسی اله گلمه یب دیر، نمونه اوچون بو شعردن نئچه مصراع آشاغیدا گلیر :

ای عورت

صبح اولوب دور ایاقه ای عورت * کیترین آس اوجاقه ای عورت
اسنه یه ـ اسنه یه چنه م چیخدی * باخ شیشیق قاش قاباقه ای عورت
یا تئز اول یاکی، قارنیوی سؤکرم * باخ حیبیمده پیچاقه ای عورت
منقلین یوخ تهی، کولو تؤکولور * قوی نه اوسر طاباقه ای عورت

امام حسین علیه السلام ایران تورک شیعه شاعرلری نین ان ابسته ک لی ممدوحودور، بو جهتدن مداحین دیوانیندان بیر (یاحسین) عنوانیندا شعری نمونه گؤسته ریریک :

یاحسین

یاحسین ای شه اقلیم وقار وتمکین * ای سرشتینده اولان عشق خدا ایله عجین
ای ووران معرکه ٔ عشقده خرگاه حلال * قووزایان همت ایله پیکره پایه ٔ دین
ای ائدن عالم ذرعهدینه مردانه وفا * ثبت ائدن لوح شهادتده شفاعت رقمین
کیم وئریب دوست رضا سینده باشی دشمنه؟ * هانسی عاشقده گؤرونموشدوبورسم وآئین؟
ای شهاتشنه باشین کسمگه شرم ایلمه دی * اول آنان فاطمه دن، شمرحفاکار لعین
نئجه بس اولمادی پاشیده بوا وضاع فلک * باشیوا وردوسنانه چوسنان ازره کین
باش سرنئیزه ده خورشیدکیمی سئیرکتن * نعش پاکی دوشه چون عرش یئرا وزر سنگین
نئجه انصافیدی آغزینده دیلین وخلادیلار * نئجه دیل دائم ائدیب حکم شریعت تلقین؟
بیرا وزوکدن ساری بجدلکسه بارما قوی آه * کیم وئریب غارته انگشترو انگشت ونگین

ساربان اللریوی کسدی حیا ایلمه دی* دوتمادی قدریوی منظوره ایاشاه مبین
خون مطلقله گؤرونموب آلابیرکیمسه وضو* کیم نماز ایلدی اعضاسی قانیله رنگین
کیم وئریب سن کیمی دوشمن الینه اهل وعیال* قولوبا غلی چواسیرحبش ودیلم وچین
کوفه یه واردا ولان دمده قطار اسراء * دوزولوب جمله سی بیر رشته یه چون درثمین
اسدالله قیزی بیردؤندوبا خیب قاردا شینا * نای تک ناله چکیب باشلادی آوازانین
بیرطرفدن یادینا دوشدوخانملیق گونلر* بیرطرف باشی آچیق قیرخ حرم زهره جبین
بیرطرف کوفه نین عورتلری بام اوسته تمام* اؤزلرین تازه لباس ایله ائدیب زیوروزین
آه زینبله مواسات ایله "مداح" مدام * رقم گؤزیاشی قیل دفترغمده تزیین

میرزا محمدعلی مداحین هله دیوانینا کئچیریلمه میش داغیناق شعرلری ده اللرده ودیللرده چوخ چوخدورکی، بیرتعدادی توپلانیب وقالانلارینی دا انشاء الله توپلاییب، کامل دیوانینی چاپا وئره جه یک، مقاله میزین آخرینـــدا مداحدان بیراؤگود آدلی شعری ده اوخویاق :

* اؤگـــود *

غافلا، بیر آچگینن غفلت گؤزین * ای دریغا گئچـــدی عمرنازنین
خواب غفلتدن گؤزآچ بیرجه اویان * ای عزیزیم، یاتما کؤچدوکاروان
گئتدی اول کس کی، دئیردی گئتمرم * اؤلدو اول کس کی، دئیردی اؤلمرم
حسرتیله گئتدی بیر کام آلمادی * بیرآدی قالدی نشانی قالمادی
کیم تصرف ایله دی گؤر مالینی؟ * گئت اوقبرستانه بیر صور حالینی
تیرمرگه گؤرنه طوری توش اولوب * قاره تُپراقیله هم آغوش اولوب
دار دونیاده ائده ردی افتخـــار * ایندی یولداشی اولوبدو موروما ر
نولدو باغ گؤراول جلال و طمطراق * بیرکسی یوخ حالینی آلسین سراغ
بیغدی چوخ- چوخ ملک ومالبیحساب * اولدو حمال مظالم ای جنـــاب
اؤزگه یه قالدی هامی جاه و جلال * اؤزو اولدو حامل وزر و وبـــال
عورتینه صاحب اولدو اؤزگه لـر * اؤزگه یه قالدی تمام اول سیم و زر
اول عمارتلرکی، سالدی زرنـــگار * اؤزگه لر توتدو او قصر ایچره قرار
ای عزیزیم آچ گؤزون بیدار اول * باغ گئدن یولداشیوه هشیار اول
بیل کمینینده یاتیب گرگ اجل * هایا ویقدیر ترک قیلسین ال به ال
گرسنی مغرور ائدیب دارالغرور * آخرتدیر، بیلگینن دارالســـرور

بسدیر ای "مداح" قیلما شور و شین
تا نفس واردیر چاغیر سن یاحسین

صمد سرداری نیا

مشهد محمد صادق خان چرندابی
* سردستهٔ مجاهدین محله چرنداب *

آیت الله ملکوتی نمایندهٔ امام درآذربایجان و امام جمعهٔ تبریز دردیدار اخیرخودبا شعرای آذربایجان قول دادکه قبرستان چرنداب راکه مدفن برخی ازشعرای تبریزاست احیاء کند .دراین گورستان علاوه برشعراء وفضلای نام آور آذربایجان ،شیرمردان با غیرت وجانبازان نامداری نیز خوابیده اند که زنده کردن یاد وتجلیل از خاطرهٔ فراموش نشدنی آنان هم برهرشخص با وجدانی جزوفرایض محسوب می شود .یکی ازاین رادمردان محمد صادق خان رئیس مجاهدین محلهٔ چرنداب است که بعدازآن همه فداکاری و ازخود گذشتگی با هزاران حسرت وافسوس دراین گورستان آرمیده است .

چرنداب یکی ازمحله های بسیار قدیمی تبریزاست که درجنوب این شهر واقع شده ورخدادهای تاریخی بسیاری رادیده وتجربه کرده است .ساکنان این کوی تاریخی درنهضت مشروطیت نیز به ندای تاریخ لبیک گفته و در کنار سایر همشهریان آزادیخواه وحریت طلب خودقیام کرده وپوزهٔ استبداد رابه خاک مذلت مالیدند .

بعدازکودتای ضدخلقی محمدعلیشاه روسوفیل که تبریز قهرمان به پاخاست و آزادی را دوباره به ایران بازگرداند ،مجاهدان چرندابی در این مبارزات انقلابی نقش خودرا به خوبی ایفاء کرده ودرتاریخ انقلابهای رهائی بخش میهنمان نام خودشان را ثبت کردند .سردستهٔ آنان محمدصادق خان بودکه می توان وی راسمبل غیرت ومردانگی دانست .

شاعر درد آشنای همشهریمان آقای حمید سید نقوی(حامد)درمنظومه جالب خود"کؤنول دردی" که درمجلهٔ وارلیق چاپ شده است ،آنجاکه به محله چرنداب ونام آن مجسمهٔ رشادت وشجاعت می رسد با زبان شیرین مادریمان چنین می گوید :

چرنداب یولی چوخ اوزاق ایدی * اما هرجورودی گئتدیم یئتیشدیم
قره آغاج قالیر (امامزادا) دا * (امامزادا) ایلن گئتدیم اؤپوشدوم
(مش مدصادق خان)بؤیوک مجاهد * بو محله ده دونیایا گلیب
امان وئرمه ییب مستبد لره * گلن قولدورون جگرین ده لیب

روانشاد محمدصادق خان نه تنها سردستهٔ مجاهدان محلهٔ چرانداب بود بلکه یکی ازافراد رهبری کنندهٔ جنگ نجات بخش وازیاران باوفای

ستارخان سردار ملی بود.

راقم با استفاده از کتاب با ارزش "قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران" نوشتهٔ شادروان طاهرزادهٔ بهزاد که خودوی یکی از مجاهدان این محله و از رزمندگان همسنگر قهرمان داستان ما بود استفاده نموده سعی خواهد کرد این چهره درخشان تاریخ مبارزات آزادی بخش میهنمان تا حدامکان شناخته شود. درکتاب یادشده وی چنین معرفی شده است:

"مرحوم محمدصادق خان در تبریز ومحلهٔ آق مسجد درمیان یک خانواده متوسط متولد شده و در سن جوانی به قفقاز رفته بود.

پدر وی استاد احمدبنا بود. این مرد بس که تنومند وقوی بود استاد احمد دیو لقب گرفته بود. برادران وی محمدتقی خان وشاطرمحمدحسین نام داشتند.

در پیشانی محمد صادق خان جای زخمی نمایان بود ومی گفتند در روسیه سالها درزندان حکومت تزار به سربرده وبه قول معروف به سرش داغ زده اند.

محمد صادق خان درشدت جنگ آزادی وارد تبریز شده ومقداری بمب و اسلحه باخود آورده بود. اگرچه قبل ازورود او به محله ما به ضمانت برادر نگارنده ونجف بیک از ارک دولتی تفنگ گرفته وبه مجاهدین داده بودند ولی با ورود او به محله چرنداب گروه مجاهدین جان تازه ای گرفته، سازمان آن با انضباط تر و بهتر شد. وی شجاع ودست ودل باز ومیهن پرست وبا انضباط بود. با این که خوش محضربود درحضور او کسی جرات نداشت که حرکات نامطلوبی ازخود نشان دهد وبه عبارت دیگربه مجاهدین زیر دست خود کاملا تسلط داشت (۱)"

تلگرافخانه درآن روزها دارای اهمیت ویژه ای بوده ودست هرکدام از طرفین می افتاد مسیر مبارزه را عوض می کرد چنان که خبربه توپ بسته شدن مجلس شورای ملی چون نخست به دست انجمن ایالتی آذربایجان رسید پیش ازآن که مستبدین تبریز ازاین فاجعه آگاه شوند مجاهدین خودشان را برای هرگونه دفاع آماده ساختند.

انجمن ایالتی ومجاهدین ازاین وسیله ارتباطی استفاده های زیادی می کردند ازجملهٔ رویدادهای تهران وسایر نقاط کشور آگاه شده وعکس

---

۱) طاهرزاده بهزاد ـ قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران ۰ ص ۴۵۸

العمل لازم را نشان می دادند وچون انجمن بعداز انحلال مجلس خودرا جا-
نشین پارلمان ایران می دانست دستورات لازم را با استفاده از تلگراف به
کلیه نقاط مملکت می رسانید. وحتی با انجمن سعادت که توسط چندنفراز
مبارزان وروشنفکران آذربایجانی درشهر استانبول تشکیل شده بود در
تماس بود وبا رساندن اخبار ودستورالعمل های لازم به انجمن سعادت مردم
دنیا از حوادث و رخدادهای میهنمان آگاه می شدند. علماء ومراجع تقلید
شیعیان درنجف نیزتوسط انجمن سعادت درجریان آن رویدادها قرارگرفته
وتصمیمات لازم را می گرفتند. بنابراین هرروز مخابراتی بین تبریزو
سایر نقاط درون مرزی وبرون مرزی میهنمان انجام می شدومردم دسته دسته
درآنجا گردهم آمده ورهبران نهضت وناطقان معروف نیزبرای آنان صحبت
می کردندوچون مستبدین سعی داشتندکه وسائل مخابراتی را به چنگ آورده
و انقلابیون را از این امکانات ارزنده ارتباطی محروم سازند. لذا اهمیت
درتصرف داشتن وسایل یادشده سبب شده بودکه مقرتلگرافخانه به شدیدترین
جبههٔ جنگ تبدیل شود. بنا به نوشتهٔ طاهرزادهٔ بهزاد "محل تلگرافخانه در
سمت جنوبی باغ عالی قاپو واقع شده بودواز نقطهٔ نظرجنگ حفظ آنجا
اشکالات فراوان داشت واز این نقطهٔ نظربودکه یکی ازرشیدترین سردسته-
های مجاهدین یعنی محمدصادق خان برای حفظ آنجا انتخاب شده بود. این
روزها خطرناک ترین وپرهیجان ترین وسخت ترین روزهای تبریزبود. مغا-
زه های مجیدالملک وکلیه بناهای سمت شرقی باغ عالی قاپو دردست سواره
های شجاع نظام وضرغام وتفنگچی های انجمن اسلامیه بود وهمیشه هم پیشرو
جنگ ضرغام بود وقبل ازهمه صدای دهتیراوشنیده می شد (۱)"

یکی ازخدمات مهم ومتهورانه زنده یاد مشهد محمدصادق خان آزادسا-
زی محلهٔ اهراب وازمیان برداشتن نایب محمد و نایب علی اهرابی بود.
این دوبرادر کوی اهراب رادژی برای ضدانقلاب ساخته بودندوهرروزمزاحم
مجاهدین شده وموانع زیادی برسرراه انقلاب ایجاد می کردند. بنابه عللی
ستارخان سردارملی باآنان مدارا می کردولیکن کاربه جائی رسیدکه کاسه
مجاهدین لبریزشده وبه سردار شکایت کردند. سردارنیزبه آن دوبرادراتمام

---

۱) دراین کتاب دشواری دفاع ازاین ساختمان وایثاروازجان گذشتگی و
غیرت ومردانگی مجاهدان مدافع به ویژه محمدصادق خان به تفصیل نوشته شده
است. علاقمندان برای آگاهی ازآن حماسه های غرورآفرین می توانندبه صفحه
۱۴ به بعد این کتاب مراجعه کنند.

حجت کردولی آن ها نه تنها ترتیب اثرندادندبلکه این اخطار را موردتمسخر نیزقرار دادند .بهتراست دنبالهٔ مهاجرا را اززبان طاهرزاده بهزادبشنویم " وقتی که این خبررا به انجمن آوردند درمیان مجاهدین غوغا بلندشده و رشتهٔ صبروشکیبائی به کلی گسیخته گردیدوصلاح دراین دیدندقبل ازاینکه رحیم‌خان دوباره نیروتهیه کرده وبه تبریز هجوم آورد نایب محمدرا از میان بردارند ،چراکه هیچ بعیدنبودنایب محمدهم به کمک رحیم‌خان دست به کارشود .گزارش های قبلی هم ارتباط اورا با اسلامیه نشینان وحتی محمد علی شاه تایئد کرده بود .بنابراین تصمیم قطعی گرفته شد .

ستارخان پرسید برای کندن این ریشه فساد داوطلب کیست .این پرسش ایجاد سکوت کرده وهرکس به کس دیگر نگاه می کرد ،البته حق هم داشتند زیرا مردم آن رعب وهراسی که درروزهای گذشته ازنایب محمدداشتندیکصدم آن راازپسر رحیم‌خان واز خودرحیم‌خان وازضرغام ومحسن خان معروف به گوژپشت واز صمدخان شجاع الدوله وازشکرالله‌خان شجاع نظام وخلاصه از نایب کاظم معروف به دواتگر ونایب اصغرمعروف به گوش بریده وامثال آن ها نداشتندومعروف است وقتی که نایب خلیل معروف به ایت خلیل که رشیدترین وپرتهورترین لوطیان آن عصربود ماموریت پیداکرده بود که نایب علی رابه ادارهٔ نظمیه جلب کند بااو روبروشده بود بایک کشیده نایب علی از پادرآمده وبیهوش شده و وقتی چشمانش رابازکرده بود خودش را درادارهٔ نظمیه یافته بودکه همه ازاسم این دوبرادر می ترسیدندودر مقابل پرسش ستارخان همه مهرخاموشی برلب زدند .

دراین میان مرد خوش قیافه‌ای باقامت رشید آغازسخن کرده وگفت : اگر بنابود یک خلعتی به نایب محمد اهداء شود داوطلبان همه سرودست همدیگررا می شکستند اما حالا همه انتظاردارندکه به جنگ نایب محمد کس دیگری برود .ماعادت کرده ایم همه وقت خطررا استقبال کرده وفداکاری را برای آزادی ضروری پنداشته وازتظاهر دوری کنیم .اینک من داوطلب این ماموریت هستم .این شخص محمدصادق خان چرندابی بود .حضار آفرین خواندند .این مرد فولادین گفت فردا محلهٔ اهراب را به شما تسلیم می کنم . با ادای این مطلب گفتگو پایان یافت .

محمدصادق خان که سال های سال درروسیه ساکن بودوبارها دچارخطرات استبداد حکومت تزاری شده بود دارای تجربیات فراوانی بوده ودرپردلی وتهور کم‌نظیربود وهمان مردرشیدبودکه مدت مدیدی تلگرافخانه را حفظ

کرده ودرنتیجه ارتباط تلگرافی تهران تبریزپا برجا مانده بودوبا زهمان مجاهد با تدبیربودکه حفظ سنگرهای لیل آباد تا باغ عین الدوله به او سپرده شده وهروقت هم درا میرخیز ویا خیابان ویا سایرمیادین جنگ دشمنیه شدت خود می افزود اورا به کمک می طلبیدندنا مبرده باکمال رشادت ومیهن پرستی با مجاهدین خوداین تقاضا را اجابت ومردانه جلودشمن را می گرفت .

اینک نقشهٔ هجوم را تهیه کرده ومجاهدین را به دسته های معین قسمت و ماموریت هرقسمت را مشخص کرده وتصمیم گرفته شدتا هوا روشن نشده محاصره محله اهراب عملی شود .هرموقع که ده تیرا و پی در پی ده بار صدا کردهجوم از هرطرف آغاز شود .

خط محاصره کامل شده ومطابق نقشهٔ هجوم شروع شده صدای تیرمجاهدین دو برادر رشید ولی خالی ازذهن را ازخواب بیدار کرده هردوبا زیردستان خود مثل ببر خشمناک به دفاع پرداختند .جنگ چندین ساعت طول کشید . وقتی که نا مبردگان احساس کردندکلیه نقاط محلهٔ اهراب محاصره شده است فهمیدند واپسین روز زندگی آن هاست بنا براین به شدت ورشادت جنگیدند .به هرطرف که حمله می کردندعده ای از مجاهدین تلف می شدندوازتفنگداران نایب محمدهم عده ای کشته شدند تا عده ای ازپیشقراولان مجاهدین خودرا به خانه نایب محمدرسانیده واردمنزل شدند .دراین دقایق دیگر جنگ نبود بلکه کشتاربود .

نایب محمد دریک اتاق محاصره شده بود ،دومرد دلیرباهم روبرو شدند . محمدصادق خان با فریاد بلندبه نایب محمداخطار کردکه ایستادگی فایده ندارد تسلیم شود .سپس وارد اتاق شد .چند دقیقه دوحریف شیردل مثل دو پلنگ درنده به همدیگر نظرانداختند مثل این است که با نگاه باهم از گذشته و حال گفتگو می کنند .

نایب محمد سکوت را شکسته وگفت مقدربوده است که من دردست یک نفر رشید مثل شما اسیرشوم ،خواستارم که شکیبائی داشته مرا نکشیدوبه من قول دهید که مرا زنده پیش ستارخان ببرید .

محمدصادق خان پاسخ دادکه ماماهها صبروحوصله را پیشهٔ خود کرده و انتظار داشتیم که شما تنبه حاصل کرده وازراه کج برگردیدولی غرور چشمان شما را گرفته بودوحالا این درخواست خیلی دیرشده واگر وصیتی دارید بکنید .نایب محمد گفت خواستارم افرادعائله مادرامان باشند . محمدصادق گفت آنان مثل افرادعائله مجاهدین درامان خواهند بود و

این بگفت وما شهٔ ده تیرتکا ن خوردوسا یرمجا هدین هم‌همان کا رراکردند و آن مرد رشید مردانه بدون ضجه وناله جان داد .نا یب علی دراتا قدیگر درهما ن دقا یق که می خواست فرار کندکشته شد .

بدین وسیله محلهٔ اهراب مصونیت خودش را ازدست داد وکلیهٔ بست نشینا ن که ازمعروف ترین مستبدین بودند دستگیروچندین صدقبضه تفنگ وسا یراسلحه های کمری که ازانجمن اسلامیه وازمجا هدین گرفته بودند به دست مجا هدین افتاد .تفنگ نا یب محمد همه وقت دردست محمدصا دق خا ن بود .وی درهمه جا می گفت که نا یب محمدرا کشته وتفنگش راگرفته ام وهر کس بتوا ند مرا بکشدمی تواند این تفنگ را بگیردوحالا هردوزیر خاک خوا بیده اند (۱) "

شا دروا ن محمدصا دق خا ن دررا ه رسیدن به هدفش که همانا آزادی‌وبهز- یستی هموطنا نش بود شب وروز نمی شنا سد ودرهرجبهه وسنگری به مبا رزه خود ادا مه می دهد تا این که درجنگ "یا نیق داغی" از زا نویش زخمی شده وتا آخرعمرش فلج می‌شود .همرزمش ما جرا را چنین توصیف می کنند :

" این جنگ تا شش بعدا زظهرا دا مه داشت .سا عت شش بعدا زظهر مشا هده شدکه یک نفرزخمی را عدهٔ زیا دی ازمجا هدین ازسنگر بیرون بردند .به زودی خبررسیدکه محمدصا دق خا ن زخمی شده است .دراین موقع سوارا ن هم‌که تیر خوردن یک نفرشخص نا شنا س را فهمیده بودندازسنگرهای خودخارج وهلهله کنا ن دست به هجوم‌شدیدی زدند .اگرچه این تغییرنحوهٔ جنگ برای تمام مجا هدین ایجا دنگرا نی کردولی دلیرا نه پا سدا ری کرده وتا شب زد و خورد ادا مه پیدا کردوبا رسیدن تا ریکی شب طرفین دست ازجنگ کشیدند .

وقتی که به شهربرگشتیم‌خبردا دندکه محمدصا دق خا ن را به مریضخا نه برده اندبا کمال فرسودگی به سمت بیمارستا ن شتا فته ودرکنا را وصف کشیده شنیدیم که محمدصا دق خا ن به‌جراح ارمنی به‌زبا ن ترکی گفت :"دکتر ترا قسم به مذهبت اگر تشخیص می دهی که پای من قطع خواهدشدویا من چلاق ما نده نا ن گدائی خواهم‌خورد ،مرا مدا وا مکن بگذا ربمیرم" این حرف او همه را متا ثر کردوحتی جراح هم‌متا ثرشدولی دلدا ری داده‌قول داد که بهبودی پیدا خواهدکردمعهذا تشخیص مردمیهن پرست صحیح بود ،تیرکا سه زانوی اورا متلاشی کرده ومعا لجه‌نتیجه‌ای ندا دواین مردآهنین تاآخرعمر با چوب زیربغل راه می‌رفت وبعدا زاین رویدا دتا ثرآورهروقت صدای تیر اندا زی شدت می یا فت رنگ او ازشدت تا ثروتهورسیا ه‌شده ومی دا نست اگر

دشمن دست یابد زنده نخواهند گذاشت ،با مرور زمان آن جوان رشید و خوش قیافه سلامت خود را از دست داد .چهرهٔ زرد و چشمانی گود رفته و گونه های فرو رفته او نشانهٔ مرگ او بود .

بزرگترین آرزوی او این بود که قبل از تسلط جلاد پیر شجاع الدوله که تشنهٔ خون او بود با اجل خود این دنیای فانی را وداع گوید و همینطور هم شد (و می گویند صمدخان پافشاری می‌کرده که مردهٔ او را از قبر بیرون آورده آتش بزنند) .(۱)

این مجاهد نستوه بقدری ایمانش قوی و روحیه اش پولادین بود که حتی بعد از فلج شدن نیز از مبارزه باز نماند و در روند انقلاب یار و یاور انجمن ایالتی آذربایجان و مجاهدین بود به طوری که بعد از سقوط انجمن اسلامیه و فرار مستبدین از شهر رهبران انقلاب که تصمیم می گیرند ادارات دولتی را مجددا از روی تشکیلات صحیح بازسازی کنند هریک از سردستهٔ مجاهدین را برای تصدی هریک از آن ها مامور می کنند و "مرحوم محمدصادق خان که از زانو تیر خورده و در نتیجه متلاشی شدن کاسهٔ زانو با چوب های زیربغلی راه می رفت و به عبارت دیگر این مرد رشید و شیردل علیل و زمین گیر شد برای ریاست کل زندان انتخاب گردید" (۲)

شمه ای از شرح زندگی افتخارآمیز زنده یاد محمدصادق خان را مرور کردیم و دیدیم که این شیرمرد آزاده و سرمجاهد جانباز چگونه با ایثار و از جان گذشتگی در راه انقلاب و گسستن زنجیرهای بیداد فداکاری کرده و زندگیش را در این راه پرافتخار فدا نمود .وی با وجود آن همه قدرت و نفوذ که می توانست صاحب ثروت و مکنت زیادی شود ولی به قول طاهرزاده بهزاد :

"وی با داشتن فرصت های فراوانی جهت سوء استفاده اندوخته ای نداشت .وحتی قادر نبود که زخم پای خودش را علاج کند و در نتیجهٔ عدم معالجه هم دنیا را وداع گفت .برادر او مرحوم شاطر محمدحسین هم در جنگ شنب غازان شربت شهادت نوشید .خانواده استاد احمد مثل هزاران خانوادهٔ آزادیخواهان دیگر در راه آزادی و مشروطیت به کلی محو و نابود شدند .

روانت شاد ای مردرشیدی که هستی و جان خودت را در راه مشروطیت ایران فدا کرده و با چشم انتظار به اقدامات نسل آینده در قبرستان چرندآب خفتی" (۲)

---

۱ و ۲ ، طاهرزاده بهزاد – پیشین – ص ۴۵۸ و ۲۴۴

سیگار کشیدن

برای همه و در همه‌جا مضر است

سیگار چکمك

هامویا و هر یئرده ضررلی‌در

التدخین لجمیع الناس وفی کل الازمنة

وکل مکان مضر للفرد والمجتمع

SMOKING IS HARMFUL
FOR
EVERYBODY & EVERY WHERE

هدیه

دو - ج

توجه

۱ ـ از مشترکین محترم تقاضا دارد وجه آبونمان یکساله (یکهزار ریال) را در نزدیکترین شعبه هریك از بانکها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانك ملی ایران (شعبه داریوش خیابان بهار) واریز و رسید آنرا بضمیمه نشانی خود بآدرس مجله ارسال نمایند تا در ارسال مجله برای آنها وقفه‌ای روی ندهد.

۲ـ شماره‌های گذشته مجله وارلیق را می‌توانید از دفتر مجله تهیه نمائید.

۳ـ جلد اول **تاریخ ادبیات آذربایجان** ازقرن۱۳ تا آخرقرن۱۹ میلادی تحت عنوان «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش» از چاپ خارج شد همشهریهای علاقمند میتوانند از انتشارات فرزانه و یا انتشارات دنیا مقابل دانشگاه خریداری ویا با پرداخت ۳۰۰ ریال توسط آدرس بانکی مجله وارسال رسیدآن بدفترمجله یك جلد از این کتاب را تهیه نمائید.

۴ـ آذربایجان ادبیات تاریخی نین ۲۰ـ نجی عصرفصلینی یازماقلا مشغول اولدو. غوموز اوچون بوعصرده‌کی یوردوموز آذربایجانین شاعرو یازیچیلاری‌نین ترجمه حال‌و اثرلرینه احتیاجیمیزواردیر. بوتون‌شاعرویازیچی‌وآنادیلی‌ادبیاتیله مار اقلانان همشهریلر ـ یمیزدن بو باره‌ده بیزه یاردیمچی اولماقلارینی واؤز ترجمه‌ی حال و اثرلریندن‌نمونه‌لرله برابرتانیدیقلاری‌دیگرشاعر لریمیزین‌ده ترجمه‌ی‌حال واثرلریندن نمونه لرگؤندرمه‌لرینی خواهش ائدیریك «وارلیق».

وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی وهنری

(به‌زبانهای فارسی وترکی)

تحت نظر هیئت تحریریه

صاحب امتیاز و مدیر : دکتر جواد هیئت

محل اداره : تهران، خیابان ولی عصر، کوچه بیدی شماره ۱۷

تلفن ۶۴۵۱۱۷ ـ ۷۶۱۸۳۶

چاپ کاویان ـ میدان بهارستان

قیمت ۱۵۰ ریال